

توطئه تبریز زنگ خطر دیگر ...
حامی توده‌های مستضعف یا مدافع
سرمایه‌داران؟!
در راه صبح (شعری از طاهره صفارزاده)
طرح‌های تهاجمی آمریکا



اساساً ملت ایران ننگ دارد که با
دشمن و آن هم دشمن پلیدی چون
آمریکا زیاده از حد ضرورت سخن
بگوید.
دانشجویان پیرو خط امام

لیبرال‌های در خط سیاسی محافظ امپریالیستی آمریکا

● جوهر اصلی استضعاف در تحمیل عقیده و سرکوبی اندیشه است.

بر سر رعیت کشیده، گهگاه بندهای آزاد و
مسجدی آباد، سفرهای گسترده و اطعام
ساکین کنند.
در درستی و یا تأثیر این شیوه،
همین بس که تاکنون کسی ندیده حاکمی
بدلخواه و به توصیه اندرز گویان دست
از ظلم و ستم بردارد و یا ثروتمندی هرچه
از استعمار و دزدی اندوخته به
از ظلم و ستم بردارد و یا ثروتمندی هرچه
از استعمار و دزدی اندوخته به
صاحبانش باز پس دهد. کسی ندیده که
جامعای از این راه به آزادی و عدل برسد،
بردگان آزاد و بردگی مافی، حاکمیت و
مالکیت هردو بمردم واگذار شود.
همه ملوک و سلاطین و ارباب قدرت
و ثروت نصیحت‌گرانی در خدمت داشتند
که هم آستان بوس بودماند و نناخوان و
هم اندرزگو و خیرخواه. این شیوه بر اساس
دادن اصالت به قدرتهای حاکم اعتبار
دارد، منشا قدرت و ثروت و تصمیم‌گیری
را در بالا می‌بیند و می‌شناسد، خواهان
کنترل و محدودیت آن است، از ریشه با
آن مخالف نیست با نظام ضدیت ندارد و
نمی‌خواهد طبقه‌بندی و سلسله‌مراتب را
برهم بزند. بالادست را بزرگ‌تر
زیردست را به کرسی نشاند، نمبخواهد از
حکام سلب قدرت کند و مالکیت را مافی
سازد، هیچیک از اینها را برای مردم

در مبارزه اجتماعی برضد یک نظام
فاسد و ستمگر یا در مبارزه برضد مفسدین
و ستمگران دو روش اصلی هست که گروهی
این گروهی آن پسندند و دنبال کنند،
در روش اول تلاش مصلحین و عدالت -
خواهان همه‌ایست که ستمگران و مستبدین
را به رعایت عدل و انصاف و دست‌کشیدن
از ظلم و خودسری ترغیب کنند، روش کار
این گروه نصیحت کردن، پند دادن به
ملوک و معظه به ثروتمندان و حکام است،
از عواقب ظلم و فساد و تجاوز و زورگویی
بحث می‌کند و فواید عدل و داد و انصاف
برمیشاوند، کتاب درواصف سلطان عادل
و ارباب دادگر و ثروتمند با انصاف و با
گذشت و تاجر نیکوکاری نویسنده، بر منبر
و در خلوت، آنان را نصیحت می‌کنند و
بصلاح کار و بقای حکومت و برکت ثروت را
در پیروی از صلاح و نیکی و نیکوکاری
دانسته، برای رعیت تقاضای ترجم و انفاق
می‌نمایند. در روش ایندسته، مردم جایی
ندارند زیرا فاقد قدرت و اختیارند. تمرکز
قدرت و مال در دستهای ارباب زر و زور
امری طبیعی است، خداوند از فضل خویش
با آنان عطا کرده، اکنون بر آنان است که
به شکرانه این همه نعمت و فضل، راه
انصاف و عدل پیش گیرند و دست نوازش

عوامل کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد را به مجازات رسانید

با اجرای حکم انقلابی دادگاه
انقلاب اسلامی اصفهان درباره سیدمهدی
میراشرفی، عامل اجنبی و نوکر بی‌چون و
چرای محمدرضا شاه خائن در روز ۲۱ آذر
ماه ۵۸ یک بار دیگر مسئله کودتای ۲۸
مرداد و عوامل شرکت‌کننده در کودتای برای
توده‌های مستضعف میهن ما مطرح شد.
توده‌های مستضعف میهن ما بخوبی
میدانند که امپریالیسم آمریکا و قبل از آن
انگلیستان و روسیه تزاری تنها با کمک عوامل
داخلیشان موفق میشدند که توطئه‌های خود
را علیه حاکمیت ملی و دین و فرهنگ مایه
اجرا درآورند.
بدون همکاری و سرسپردگی عناصر و
اقتدار ضد خلقی داخلی تصویب و اجرای
قراردادهای رزی، روتیتر، داری، امتیاز
بانک شاهی و استقراضی و واگذاری انحصار
کمرکات به همسایه‌های جنوبی و شمالی و
همچنین قرارداد ۱۹۱۹ و حاکمیت‌بخشیدن

نمی‌خواهد زیرا در منطق آنان مردم اصالت
ندارند، اصالت با قدرت است، مالکیت،
حاکمیت، آزادی و نظایر آن حق طبیعی
مردم نیست. بلکه این امتیازات اعطایی
از جانب اربابان ثروت و زور که باید برای
خلق گدایی شود، در این شیوه و برخورد
دائماً از مستکبرین دعوت میشود که کمی
هم بفکر مستضعفین باشید، از ثروتمندان
تقاضا میشود، بر فقرا منت گذاشته آنان
را دستگیری و پشیزی از ثروت بیکران خود
را در دستهای خشکیده بی‌بنا بگذارند،
می‌کشند از مساوت و سنگدلی مستبدین
بگاهدند، آنان را با رعیت بر سر عقوقت
و رحم آورند.
بی‌اعتباری این شیوه کار، قرن‌هاست
بقیه در صفحه ۳

محاكمه گروگانها، حداقل خواست توده‌هاست

انقلاب دوم ایران که به تعبیر امام خمینی بسا
انفعال لانه جاسوسی آمریکا فروغ شده است،
شرایط حساس و دشواری را طی میکند که
کوچکترین غفلت و عدم توجه توده‌ها و هرگونه
سازشکاری از طرف مسئولین، مبارزات
ضد امپریالیستی ما را به کجراه برده و از روند و
حرکت طبیعی خود که همانا قطع تمام وابستگی‌ها از
سلطه امپریالیسم است، باز میدارد.
بقیه در صفحه ۳

مهاجرت ایندولوزیک (۲۵) انفاق مازاد بر احتیاج

● بدون آلوده شدن به کسب حرام و استعمار و بهره‌کشی نمیتوان به ثروت رسید
علاقه به اندوختن
اسلام میخواهد ما را چنان تربیت کند که جز
به مقدار احتیاج نخواهیم، زیرا اگر انگیزه
زیاده‌طلبی در ما مهار نشود، هرگز به سیری
نمی‌رسیم. بگفته امام علی «هر کس به آنچه حق
اوست، راضی شود کمترین مقدار (در حد احتیاج)
او را پس است و هر کس بآن راضی نبود، هیچ چیز
در دنیا برای او کافی نخواهد بود». و امام یکی از
مسائل اساسی در حیات بشری را یکی از تضادهای
مهم زندگی انسان را در این می‌بیند که بعضی مردم
چیزهایی می‌اندوزند که نمی‌خورند و خانه‌هایی
می‌سازند که در آن سکونت نمی‌کنند و می‌میرند، در
حالیکه اندوخته‌ها و خانه‌ها بر جای گذارده‌اند.
این تضادهاست که برای بسیاری از ما مردم
 مطرح است، یعنی تضاد بین علاقه به اندوختن و
جمع‌آوری بیش از احتیاج به داشتن ملک و املاک و
مستغلات و ثروت و بین احتیاج واقعی و مصرف
واقعی مان - احتیاج ما یک خانه است - خانه‌ها در
تسلک داریم، احتیاج ما به مقدار معینی غذا و لوازم
زندگی است، علاقه به داشتن و ذخیره دهها برابر آن
داریم. تا این تضاد حل نشود، راه تکامل شخصیت
انسان باز نمیشود و فقر و استعمار و برتری و طبقات
از بین نمی‌رود. راه حل این تضاد را قرآن بما یاد داده
است که در همین بخش اشاره می‌کند.
علی در برخورد با دنیا و ثروتهای مافی بسا پیاد
میهد که پاندازه زیستن بهتر است از اختصاص
دامن سال دنیا و دل کشیدن استوار تر است از اتکاء
بدان. (بر طبق سنت الهی) چنین است که جمع کردن
ثروت، موجب فقر توده است و کسی که از آن دوری
گزیند، باو کمک شده است. مؤمن با چشم واقع‌بین و
تجره‌اندوز پندایی نگرده و به مقدار ضرورت و
نیاز از آن استفاده میکند.

الویت، با مبارزه ضد امپریالیستی است

"مبارزه" را متوجه صهیونیسم میسازند -
کلیه رهبران مرتجع کشورهای عربی و
همچنین وابستگان فلسطینی آنها - دیدگاه
سومی نیز در این باره مطرح است که اگرچه
در سالهای اول سومین دهه قرن بیستم
طرفداران چندانی نداشت لیکن در طول
زمان همزمان با رشد سیاسی ملت فلسطین
و خلفهای عرب و هواخواهان ایشان به
تحلیل و نگرش غالب تبدیل گشت، که
عبارت از اولویت دادن به مبارزه علیه
امپریالیسم، و صهیونیسم را جزئی از
مجموعه سائلی که سرمایه‌داری جهانی در
جهت توسعه و حفاظت از منابع استعمار
خود بخدمت گرفته است، میباشد.
چنین تحلیلی از مسئله فلسطین جز
در کادر یک تجزیه و تحلیل نقش تاریخی
و جریان "شدن" امپریالیسم، قابل فهم
نیست.
از جمله اولین رهبران فلسطینی که
با چنین نگرشی به مسئله برخورد کرد شیخ
عزالدین قسام بود، که در شماره قبل در
بقیه در صفحه ۱۰

توطئه‌های امپریالیسم

خوشبختانه تا این لحظه قاطعیت و عدم سازش امام
و دانشجویان پیرو خط امام و هم‌چنین آگاهی و
بیداری توده‌ها در کوچکترین خواست خود یعنی
استرداد شاه جلاجلایران، امپریالیسم آمریکا را که
تنواسته بود با مانورهای سیاسی این قاطعیت را
در هم شکند، واداشت تا شاه خائن را به پاناما فرستاده
و توطئه‌های دیگری را تدارک بیند.
امپریالیسم زرخورده آمریکا غیرمغ تلانهای
منبوحانه خود در این مدت با خارج کردن شاه مخلوع
از آمریکا، سعی دارد دست به مانورهای جدید و
ایجاد اغتشاش در جهت خنثی کردن و یا به‌انحراف
کناندن مبارزات توده‌های مستضعف ما بزند، تا
بتواند به اهداف پلید و سلطه‌گرانه خود جامعه عمل
بقیه در صفحه ۲

امیر انتظام، سخنگوی دولت یا جاسوس امپریالیستها!!؟

در این چند هفته‌ای که از انفعال لانه جاسوسی
آمریکا میگذرد، نه تنها این حرکت در روند خود
توانست کینه و آتش مبارزات ضد امپریالیستی را
که از برکت حاکمیت نیروهای لیبرال و سازشکار
فروکش نموده بود، مشتعل ساخته، بلکه نقاب از
چهره بزرگ کرده و ضد خلقی عناصری که با ماسک
«اسلامی» و «انقلابی» برای پیشبرد مقاصد
توطئه‌گرانه اربابان امپریالیست خود در سراگز
حساس تصمیم‌گیری و اجرائی نفوذ کرده بودند،
بقیه در صفحه ۵

انفاق مازاد بر احتیاج

بقیه از صفحه یک

دارد، بهر کس و گناه‌آلود می‌شود و کسانی که محروم از چاره‌ای جز شورش و عصیان ندارند، سرتوت و پول افاضی «در حلالش حساب و در حرامش عقاب است. هر کس ثروتش را بی‌نیاز گزید، به‌فتنه افتد و هر کس فقیر شود، اندوختگش شود»^{۱۱}

حال که چنین است «از اسراف خودداری کن و میانروی پیشه کن و در اندیشه فردای قیامت باش. از مال، فقط پانزده ضرورت و نسیز نگاهدار و مازاد بر احتیاج را برای روزی (قیامت) که بدان احتیاج داری، از پیش فرست. آیس انتظار داری خداوند بتو پاداش مردم فروتن و متواضع را بدهد. در حالیکه نزد وی از متکبران هستی؟ آیا انتظار داری خداوند بتو نواب انفاق کنندگان را بدهد. در حالیکه تو ثروت به‌خطرافته و از ضعیفان و پیرزنان برده‌ای؟ بدان که انسان فقط پاداش چیزهایی را می‌بیند که پیش از مرگ فرستاده است و با آنچه پیش انجام داده، مواجه خواهد گشت»^{۱۲}

مازاد چیست؟

قرآن در پاسخ سئوالی که از موضوع و مورد انفاق پرسیده می‌شود، می‌فرماید مازاد را بسید «استلوک ماذا یستفقون - قبل الفسوخ»^{۱۳} از سو می‌پرسد چه چیزی را انفاق کنند. بگر مازاد را. مازاد را به‌تعلق از پیامبر اکرم چنین معنا کرده‌اند: «هر چه اضافه بر احتیاج انسان و خانواده و کسانی که شخص عهده‌دار مخارج آنان است، بشرط رعایت میانروی» و امام باقر در تعریف آن گفتند: «عفو میانروی است، بطوریکه نه فشار آورد و نه اسراف شود. در نقل دیگری عفو شامل بهترین و باک‌ترین قسمت مال است. و در موارد دیگری در تفسیر آیه فوق، عفو را مقدار مازاد دانسته‌اند که

بختین آن موجب فشار و سختی بآسان نشود و قصد وی دامن در راه خدا باشد و با اینار که صرف نظر کردن از مایحتاج و نیاز شخصی است، فرق دارد. تأکیدات متعددی که در تفسیر این آیه و به‌نقل از پیامبر و ائمه در رعایت میانروی می‌بینیم از آن جهت است که باران رسول خدا به‌چنان مرتبه‌ای از تکامل و رشد و ایمان رسیده بودند که غالباً اینار می‌کردند. برای رفع نیازمندی دیگران، بر خویشین سخت می‌گرفتند و خود خانواده خود را به‌محرمت می‌انداختند. از این رو پیامبر آنها توصیه می‌فرمود که بر خود فشار نیاورند.

عفو چنانکه گفتیم باید شامل بهترین و باک‌ترین قسمت مال باشد و مازاد بر احتیاج باشد و

بدست می‌آید، به‌شخص تعلق ندارد تا بتواند نیاز خود را برآورد و مازاد را انفاق کند. در قرآن صریحاً آمده است که «انفقوا من طبیبات مساکیتهم»^{۱۴} از پاکیزه‌های بدست آورده‌تان انفاق کنید. قسمت پاکیزه سال همان است که از راه کار شخص بدستی کسب شده باشد. امام در توضیح آیه فوق فرمودند، کسانی بودند که در عصر جاهلیت و پیش از آمدن اسلام، کسب نامشروع داشتند و اموالی اندوخته بودند، پس از مسلمان شدن خواستند آن اموال را صدقه بدهند، خداوند از ایشان تپذیرفت، مگر آنکه از مال حلال و پاکشان بدهند. هم چنین از امام صادق نقل است که فرمود «وقتی مردم اسلام آوردند، نزد آنها ثروت‌هایی از کار و کسب حرام و ناپاک بود که با بقیه مال مخلوط شده از آن صدقه میدادند، خداوند آنها را از این کار نهی فرمود که صدقه صحیح نیست، مگر از کسب پاک و حلال»^{۱۵}

● **تجمع ثروت در دستهای بعضی، یا نتیجه استثمار و بهره‌کشی و یا نتیجه نگهداری و ذخیره مازاد بر احتیاج است**

● **مال حرام که از راه استثمار، دزدی، تجاوز و نظایر آن بدست می‌آید به‌شخص تعلق ندارد تا بتواند نیاز خود را برآورد و مازاد را انفاق کند**

بشرط آنکه مقداری نزد انسان بماند و رفع نیاز کند نه اینکه آنقدر انفاق کند که خود در خانه محتاج آید و گفت یا رسول الله این مال را از من بگیر، بخدا قسم جز این چیزی ندارم. پیامبر از گرفتن آن خودداری فرمود و سپس چنین گفت: کسی از شما می‌آید و همه مال خود را می‌دهد و خود در خانه می‌نشیند، در حالیکه چیزی ندارد و باید برای گذرانیدن زندگی از مردم بگیرد، بطوریکه عفو، دادن مازاد بر احتیاج در راه خداست و اینار، راه و رسم کسانی است که دیگران را در هر حال بر خود ترجیح میدهند»^{۱۶}

و چنانکه دیدیم مازاد باید اولاً از مال حلال باشد و ثانیاً از بهترین قسمت مال و دارایی. مال حرام که از راه استثمار، دزدی، تجاوز و نظایر آن

معاش و کسب مال را تفاوت قائل می‌شود. قربانی و هدیه یکی (هایبل) بذیرفته می‌شود و هدیه دومی (قابیل) مورد قبول قرار نمی‌گیرد. این تفاوت نشانه وجود دو نوع معیشت قابیلی و هایبیلی است. در معیشت قابیلی، مال و ثروت از راه استثمار و بهره‌کشی - ناپاک بدست می‌آید و در معیشت هایبیلی از راه کار و تلاش شخصی. به‌تعبیری یکی دامدار است و خود بدنبال گوسفندان در حرکت و با تلاش آنها را مواظبت می‌کند و دیگری رعیت را استثمار می‌کند. خداوند هدیه‌ای را که از مال حرام و ناپاک است نمی‌پذیرد و از آن هایبل را که هم پاک و حلال و هم از بهترین قسمت مال است، می‌پذیرد. جالب توجه است که هایبل بدلیل ایمان و آگاهی، اولاً مال را با تلاش و از راه حلال بدست می‌آورد و هوس است که بهترین آنرا در راه خدا تقدیم و قربانی می‌نماید، ولی قابیل که مالش از راه حلال بدست نیامد، تازه جزء بدو چیزی را که بپردازد خودی نمی‌خورد، هدیه میکند، خوشه‌های گندم بسوسیده و اوائل علیهم بنا اینی آدم یالقی اذ قربا قرباناً فقبتل من ادعاه ولم یقبل من الاخر قال لا فلتک - قال انما یستقبل الله من المتقین»^{۱۷} پس ایشان داستان فرزندان آدم را شرح بده، هنگامیکه قربانی کردند - پس از یکی بذیرفته شد و از دیگری قبول نشد (قابیل گفت) همانا میکنت - (جوابش گفت) خداوند فقط از متقین (قربانی) می‌پذیرد، واضح است که منظور از متقین کسانی هستند که همه اعمالشان از جمله کسب معاش بر طبق موازین حق و عدل و حکم نبوده و بر طبق حق و عدالت، کسب مال و ثروت نیکرده، یعنی تفاوت بین هایبل و قابیل در اینجا، تفاوت بین دو نوع شیوه زندگی و معیشت و رفتار و طرز فکر است. و بذیرش و عدم بذیرش هدیه از جانب خدا تنها مربوط به نوع و کیفیت قربانی نبوده است - خداوند نمی‌گوید چون قربانی تو ناپاک است - پس است، نمی‌پذیرم، بلکه می‌گوید چون از متقین نیستی، نمی‌پذیرم. کسی که تقوا ندارد، مال را هم از راه حلال کسب نمی‌کند.

ادامه دارد

مستکبر همیشه تاریخ ابتدا فکر و عقل انسان را ربود و اسیر و تابع خویش ساخت، فکرت را آزاد کن تا "خود" را بدست آوری،

وقتی "خود" را داشتی همه چیز داری هم آزادی و شرف و اختیار و هم عزت و خلایق و استقلال برای غلبه بر شیطان، شیطان ستگری و استثمار - استبداد و استثمار راهی وجود ندارد، اگر فکر آزاد شد، می‌اندیشد، موقعیت را درک می‌کند، راه را می‌یابد دشمن را می‌شناسد و دوست را هم. فکر راهنمای عمل است، فکر صحیح و شناخت درست، عمل و حرکت صحیح بدنبال دارد پس لازمه مبارزه مؤثر با دشمنان آزادی و عدل با دشمنان انسانیت و شرف، داشتن فکر آزاد و انتخاب‌گر و قدرت تشخیص و راه‌یابی است.

اولین پیام و آموزش انبیا - به مردم اینستکه بر سنت‌ها و روشها و اعتقادات پیشین "نه" بگویند. با نفی آنچه مربوط به گذشته و تحمیل شده از طرف شیاطین زور و زور است "خود" یا خویشین انسانی خود را اثبات کنند - در قلمرو وجود جای

خطاب که خدا آزادان آفرید، چرا خود تن به بردگی و ذلت می‌دهید، خدا عدل را بر جهان و قسط را در میان موجودات و آدمیان مقرر کرد، شما چرا تن به ظلم و استثمار می‌دهید، خدا نعمت‌ها برای شما آفرید، چرا از حق خود صرف‌نظر می‌کنید و محرومیت می‌کشید، اینهمه زیبایی برای شماست، چرا اجازه می‌دهید از شما پنهان کنند و بر شما حرام گردانند، خدا به شما قدرت داده و اندیشه و تفکر، چرا می‌گذارید راه بر اندیشه‌تان به‌بندند و فکرتان را اسیر و برده سازند. و توان و نیروی خدایی را به استضعاف کشانند، آنان بر شما ستم می‌کنند، خود چرا ظالم نفس خویشین آید؟، برخیزید، چشم‌ها را حقایق هستی بگشایید، "خود" را باز یابید و سنت‌ها و نعمت‌ها را بشناسید، و واقعیت "هستی و زندگی جز آنستکه در گوش شما خوانده‌اند و جلوی چشمانتان ترسیم کرده‌اند واقعیت هستی مستقل از خواست اربابان، بر عدل و آزادی و اختیار و برادری و برابری و حرکت تکاملی بسوی خدا استوار است.

● **تاکنون کسی ندیده حاکمی بدخواه و به‌توصیه اندرز گویان دست از ظلم و ستم بردارد و یا ثروت‌مندی هر چه از استثمار و غصب و دزدی اندوخته به‌صاحبانش باز پس دهد**

● **راه اصیل، شیوه انبیاء الهی است، آنان توده و آنهم توده‌های مستضعف را مخاطب می‌سازند**

قبل از هر چیز فکر را از زندان آموزشها و اعتقادات تحمیل شده آزاد کنید، زیرا هیچ قدرتی را یاری نفوذ بدون اندیشه؛ شما نیست، بقول آن آزاد مرد می‌توانند بتو بگویند نکن! نگوی! ولی نمی‌توانند بگویند فکر نکن! انبیا - از تو می‌خواهند ابتدا بر قلمرو اندیشه خود مسلط شوی و دست‌سلطه‌گران از این قلمرو مقدس کوتاه کنی. اولین قدم آزاد کردن اندیشه از تار و پود اعتقادات ارتجاعی و خرافی و از زندان ذهنیت اربابان است، وقتی اندیشه‌ها آزاد شد و قفسها شکست، فکر قدرت پرواز می‌یابد، حرکت می‌کند و حقایق را درمی‌یابد و به‌همه جا نفوذ می‌کند، اولین بزرگترین دردناکترین اسارت و تبعیت، جوهر اصلی استضعاف در تحمیل عقیده و سرکوبی اندیشه است و ابلیس اولین و بزرگترین

سلطه یک قدرت و قوه بیش نیست - برای به‌کسی نشانند قوه خدایی باید قوه شیاطینی بریز کشیده شود. برای مردم اول همه خدایان ذهنی و دروغین و باورهای غلط گذشته را دور بریزید و به آنها کافر شوید - آنچه شما می‌خواهید در آسان نمی‌یابید - آسان خدایان که نام و عنوان و ظاهرشان چشم‌های شما را خیره کرده‌اند و قادر بانجام کاری به سود شما نیستند - بی‌جهت نیاز خود را از آنان میخواهید و چشم امید به دستهای آنان دوخته‌اید - آنان حتی نمی‌توانند خود را نجات دهند دیر یا زود زیر چرخهای سنگین حرکت تکلیفی انقلاب و سنتهای آهنین خدا در هستی له می‌شوند - آنان بیراهه می‌روند و کورند چگونه میتوانند. رهنمای توده شوند فاقد خاصیت و خصالت‌های انقلابی - توحیدی‌اند - شما چگونه دست تقاضا پیش آنان دراز میکنید و نذر و نیاز - تا وقتی

لیبرالها در خط سیاسی

بقیه از صفحه اول

تایید شده ولی هنوز هم هستند و هستیم کسانی که چشم امید به دستهای "ملا" می‌دوزیم و راه التماس و خواهش و اندرز پیش می‌گیریم، از اصلاح طلبان که خود نصیحت‌گران ملوک بودند و شاه را از شیوه استبدادی بر حذر میداشتند و پند و اندرز که ادامه آن روش به صلاح نیست و رعیت را هم بر گردن سلطان حقی است و چه بهتر که کمی از استبداد و خودسری پاک‌بند و دل‌ملت را خوش بدارد، آری از اینان آن عیب‌اناسی نمی‌دیدند جز "زیاده‌روی" صاحبان زر و زور که باید جلوی آن بنحوی گرفته شود و این کار قانون یا قانون اساسی بود که می‌توانست جلوی آن زیاده‌رویها را بگیرد، لذا تغییر بنیادی و بهم ریختن و دگرگون ساختن ضرورت نداشت و ندارد، چه احتیاجی به تخریب بنیادها و اساس نظام، که در این بنا خللی و عیبی مهم راه ندارد.

امید به اصلاح گران

بعضی آجرها کج و در غیر جای مناسب گذاشته شده، کافی است. بنای دلسوز و ذی‌صلاتی که ضمتا" تخصص. هم داشته باشد، آستین بالا بزند و در محیط آرام و امن، قدم بقدم آجرهای ریخته و کج را بر جای درست بنهد و بچره را که کوچک است، گشاد و نورگیر و مستراح را که رو بقبله بود تغییر جهت دهد تا هم آفتاب برای حفظ سلامت اهل منزل بقدر کافی بتابد و هم قضای حاجت اسلامی و شرعی، شود.

بودند و بودیم ساده‌دلان و خوش‌باورانی که تحت تأثیر آموزش چندین قرتی روش فوق به آقایان اندرزگویان، اصلاح‌گر و خوش نیت امید بستیم و اعتماد کردیم. برای ما تجربیات تلخ و گرانبهای گذشته کافی نبود، ده ماه دیگر هم تجربه کردیم و در این ده ماه خود اندرزگویی و نصیحت‌گران ملوک شدیم و از آنان خواستیم تا انقلابی عمل کنند، قاطع باشند، بنیادها را تغییر دهند، ادارات و ارتش و دادگاهها را پاکسازی کنند، دست فتودالها و ملاکین

امت

سرنوشت خویش بدست این گروه از خدایان سپرده‌اید امید بی‌رستگاری و نجات شما نیست - مگر قرآن خواننده‌اید که خود را با پیروانشان یکسره بر درویش می‌برند، اگر طالب آزادی و عدل و استقلال هستید اول خود را آزاد کنید یعنی آزاد بیندیشید آگاهانه انتخاب کنید، گمان‌کنشی انقلاب را باید خود بدست بگیرید از ناخدایانی که تاکنون بارها ناتوانی خود را اثبات کرده‌اند قطع امید کنید - وقتی خداوند مہار مرکب سرنوشت را بدست خودت داده بچه دلیل آنرا به دیگران می‌سپاری - کافی است جهت حرکت را بدانی - جهت خدایی که پیامبران نشان دادند و مکتب راهنمای عمل و حرکت تو قرار دادند - از آن پس راه بیفت - با شہامت و اعتماد به نفس، راه خود می‌گویید به کجا برو و تا کجا!

سختگوی دولت، رابط امیرالیسم که از دستاوردهای شریعتش مبارزه ضد امیرالیستی و بویژه اشغال لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مبارز مسلمان - یکی هم این بود که اسنادی از روابط لیبرالها با محافل امیرالیسم بدست داد، سند مربوط به همکاری امیرانظام سختگوی دولت بازرگان و کسی که رئیس دولت سخت به وی اعتماد داشت و در برابر اتهامات و ایرادات به‌شدت از وی حمایت و دفاع میکرد - برای بسیاری از مردم تکان دهنده بود زیرا مردم انتظار نداشتند و در باره اعضای دولت بازرگان به‌خوبی دیگری قضاوت میکردند - این خوشبینی برای مردمیکه از نزدیک با واقعیتها تماس نداشتند بسیار نادری است - آگاهان بی‌نظر و کسانی که سالهای گذشته در متن حوادث و مبارزات شرکت داشتند ماهیت و عملکرد این گروه برایشان روشن بود - البته کسی از کم و کیف این روابط اطلاع نداشت اما بدین و منی سیاسی و اتکا آنها به محافل آمریکائی و سیاستهای خارجی از سالها قبل معلوم بود - همین آقای امیرانظام حتی زمانی که اسمش روایتی بود و همکاری نزدیک با بازرگان داشت و با نهضت مقاومت ملی از طریق دوستان ایشان همکاری داشت - از نظر افراد تیزبین زیر سؤال بود امیرانظام نماینده طرز فکری است که سالها در این مملکت در میان لیبرالها رواج داشت به موجب این طرز فکر مبارزه با استبداد شاه وقتی میسر است که ارباب وی انگلیس یا آمریکا با او از در مخالفت درآیند - لذا همیشه چشم به تغییرات در سیاست آمریکا بدو داشتند و منتظر بودند تا رئیس جمهوری جدیدی بیاید و لیبرال باشد و از استبداد مطلق شاه دفاع کند تا آقایان حرکتی بکنند و آزادی‌هایی برای ملت بدست آورند. بارها برای آمریکا تهاجمات به مبارزه با کمونیستها هستیم و بهتر ثبات مملکت را که مورد علاقه شماست حفظ می‌کنیم - لیبرالها در تضاد با نظام و مصالح آمریکا نبودند - معتقد بودند این مصالح از راه دمکراسی و بوسیله حکومت لیبرالها بهتر می‌شود - لذا تماس با محافل آزادخواه آمریکا امری عسادی بشمار میرفت و غالب اوقات کاتالیایی برای این نوع ارتباط وجود داشت، البته آقایان غالباً در این کار حسن نیت داشتند و قصدشان خدمت به آمریکا یا مزدوری و جاسوسی و خیانت به ملت نبود طرز تفکر و بینش و منافع و موقعیت آنها اتخاذ چنین روشی را ایجاب میکرد - لذا مسئله را نباید در یک یا دو نفر منحصر دید که سند ارتباط آنها تاکنون افشا شده است - چه از دیگران سندی در دست باشد و بعداً افشا گردد و چه سندی موجود نباشد، این حقیقت قابل انکار نیست که لیبرالها در خط سیاسی محافل آزادخواه آمریکا حرکت میکنند - در اثبات این مدعا، دلیل باندازه کافی موجود است - آنان نجات کشور را از استبداد و عیب‌ماندگی در پیروی از این سیاست و دوستانشان نجات ایران را در پیروی کامل از تمدن غرب قلمداد میکردند - لیبرالهای زمان ما اخلاف همان متحدین عصر مشروطیت می‌باشند که ابتدا غالباً با حسن نیت و خیرخواهانه و وطن‌پرستانه و البته از موضع اشرافیت طبقاتی شروع کردند اما راه آنها را بسوی خود کشید و هدایتشان کرد همانطور که راه خدا شخص را بسوی خدا هدایت میکند راه شیطان هم سرانجام به منزلکه شیطان میبرد، قدم در راه کج نهادند خیلی زود تراز فراموس و جاسوسی و خدمت به انگلستان و آستانه‌نوس دیکتاتور رضاخان درآورده‌امضاً زیر قراردادهای تنگین استعماری و استقلال برآورد نظیر قرارداد ۱۹۳۳ نفت گذاشتند. آری تکلیف آقایان با بینش و عملکردی که دارند روشن است اگرچه هنوز هم حاضر نیستند دست از ادعاهای برآوردند و مردم

توطئه نبرد رنگ خطر دیگری: برای انقلاب

فرصت طلبان در پوشش اسلام

بعد از پیروزی قیام ۲۲ بهمن و سقوط رژیم مغرور پهلوی و با بقدرت رسیدن جریانات لیبرالیستی و سازشکار، عناصر فرصت طلب، روحانیون محافظه کار، مزدوران آمریکا و کسانی که در زیر چتر حمایت از قانون اساسی و آزادی های دموکراتیک علم مخالفت با امام امت و انقلابی اسلامی پرافراشته بودند در مساک «انقلابی» و «اسلامی» در مصدر امور و در مراکز حساس دولتی قرار گرفتند و با گذشت زمان بتدریج با استحکام بخشیدن به مواضع خود و نفوذ در مراکز حساس تصمیم گیری و اجرائی و حرکت در جهت تسامین منافع پلید امپریالیستی و فری و گروهی عملاً آب در آسیاب دشمن امت اسلامی ریختند، و با القای انحصارگرائی های فری و گروهی و با به انزوا کشاندن نیروهای انقلابی بخصوص نیروی اسلامی میدان را برای تاخت و تازهای انحرافی خود بازتر نمودند و انحراف بزرگ دیگری در مسیر انقلاب و مبارزه ایجاد نمودند و از آنجائیکه نه در پیش و ماهیتشان و نه در قدرت، پاری میاز به امپریالیسم این دشمن اصلی خلق ها و این شیطان بزرگ را نداشتند با طرح شعارهای انحرافی عملاً آذنان

عمومی را در جهت فراموشی مبارزه ضدامپریالیستی و پرداختن به دشمنان موهوم کشاندند. لیکن با اشغال لانه جاسوسی آمریکا و اوج روزافزون مبارزات ضدامپریالیستی به رهبری امام اصف و رو شدن دست نیروهای سازشکار و طرد لیبرالیسم و با به خطر انداختن منافع لیبرالیسم و ارتجاع داخلی که برخلاف انتظار و حسابهای بنتاگون و سیا ای آمریکا بود، عوامل وابسته و مزدور دوباره به جنب و جوش افتادند و در صد برآمدند تا بگمان باطل خود، با حادده آفرینی و دامن زدن به تهدادهای درونی و فرعی و با پنهان شدن در پشت شعارهای بظاهر مترقیانه و سرحق اشیا مردم فریب مبارزه ضدامپریالیستی را از مسیر اصلی خود به پیچ و خمهای انحرافی کشانده و با ایجاد درگیری های درون خلقی نظیر آنچه که در گنبد و کردستان و اخیراً در آذربایجان و بلوچستان آفریدند، از رشد روزافزون مبارزات ضدامپریالیستی بکاهد و با کشاندن افکار عمومی به بیراهه ها خود را از معرض تیررس مبارزین و انقلابیون اصیل و خلق مبارز دور نگاهدارند. می بینیم که در کردستان با ایجاد جنگ داخلی حول محور خودمختاری و رفع ستم ملی - که خواست بحق خلق کرد است - برادرکشی راه می اندازند و

در تبریز و آذربایجان که قادر نیستند از چنین مسیری انحراف و توطئه نمایند در صد برمی آیند با ایجاد شکاف و اختلاف بین مراجع و دامن زدن احساسات ناسیونالیستی در چنین مسیری غائله جدیدی ایجاد نمایند، آنهم دقیقاً در زمانیکه مبارزات ضدامپریالیستی خلق اوج می گیرد و نفرت عمومی از آمریکا شدت می یابد. برای درک علل و انگیزه های برخوردی تبریز باید کمی به عقب بازگشت.

در اوایل انقلاب بعد از تشکیل حزب جمهوری خلق مسلمان بسیاری از افراد همی آذربایجان بخصوص در دهات و روستاها از طریق دامن زدن احساسات ناسیونالیستی و قومی و مذهبی بصدان پیوستند. ناآگاهی افشاری مردم از یک طرف و رندی و حسابگری های بعضی از عناصر مشکوک و شناخته شده که در حزب نفوذ کرده بودند از طرف دیگر، قادر میشوند موقعیت خوبی برای حزب بخصوص در تبریز دست و پا کنند. سرمایه داران و مالکین معروف منطقه با نفوذ در حزب قادر میشوند حاکمیت و سلطه خویش را در منطقه حفظ نمایند (حداقل در مورد صاحبان کارخانه های کبریت سازی توکلی و حمایتی که از جانب مراجع وابسته به حزب میشدند و در امت شماره ۲۶ دیدیم). بدین ترتیب

چگونه آتش نفاق و سرخورد پرافروخته شد

با شایعه ترور آیت الله شریعتمداری احساسات عمومی توسط این قبیل افراد پراکنگ شده و با ترور آیت الله قاضی نماینده امام در تبریز توسط عناصر ضد انقلاب هیجان عمومی طرفداران امام نیز اوج گرفت.

با شروع راهپیمائی تاسوعا و عاشورای حسینی، حزب مزبور با تکیه بر موضع گیری آیت الله شریعتمداری در قبال قانون اساسی دست به تبلیغات وسیعی بر علیه قانون اساسی زده و با بسیج عده زیادی به مراکز رأی گیری حمله کرده و آنها را به آتش کشیدند. چند روز بعد در ۱۱ آذر حدود سه هزار نفر با شمارهایی بر علیه قانون اساسی و اعتراض به تاسوعا و رادبو و تلویزیون دست به تظاهرات زده و اعلام میدارند که در صورت عدم رسیدگی، ساختمان رادبو و تلویزیون را به اشغال خود در خواهند آورد، که این مسئله با پیام آیت الله شریعتمداری پایان گرفت.

با مسافرت عده ای از طرفداران آیت الله شریعتمداری بمق و تظاهرات بر علیه قانون اساسی و بدنبال آن حمله به منزل ایشان و قتل یکی از پاسداران از طرف عناصر مزدور و معلوم الحال مسئله شکل دیگری بخود می گیرد و بهانه بدست مزدوران و اخلاف گرانه بیگانه پرست میدهد و در اندک مدتی تبریز را به کانون درگیری های از پیش طرح شده مبدل میسازد با اوج گیری تحرکات عمومی و برپائی تظاهرات و راهپیمائی حدود دو هزار نفر، رادبو و تلویزیون با همکاری تعدادی از کارمندان به اشغال نیروها و عناصر ارتجاعی و وابسته در می آید. بلافاصله با قطع برنامه های عادی و پخش سخنرانی های قبلی آیت الله شریعتمداری و پیام همبستگی و مسائلی از قبیل عزل استاندار و برکناری شورای مدیریت شهرداری و عدم برگزاری نماز جمعه و... رادبو و تلویزیون عملاً در دست اشغالگران قرار میگیرد. استانداری و شهرداری توسط افراد حزب به تصرف در می آید و ۳۳ نفر از کارمندان اخراجی به سرکار فراخوانده میشوند. جالب توجه است که در روز اول پیمانکاران، سرمایه داران بزرگ جناحی از ژاندارمری و نیروی هوائی، عزالدین حسینی، گروه فرقان، حزب دمکرات همبستگی و حمایت خود را به اصطلاح خواست های بحق آذربایجان اعلام میدارند. آشوبگران و مزدوران وابسته به امپریالیسم و فرصت طلبان و تمامی کسانی که دانسته و ندانسته آب در آسیاب دشمن می ریزند، به تبریز سرازیر میشوند و در اندک مدتی مسافرخانه ها پر میشوند و جالب تر از همه اینکه عده ای نیز در لباس کردی در اشغال رادبو و تلویزیون همکاری و فعالیت می نمایند.

روز جمعه ۱۶ آذر علیرغم اعلام رادبو مبنی بر عدم برگزاری نماز جمعه، این مراسم با حضور بیش از ۴۰ هزار نفر به امامت آیت الله مدنی برپا میگردد و مردم در حالیکه شعار «حسینی، خمینی، ما اهل کوفه نیستیم» را سر میدهند وفاداری خود را به امام امت نشان داده و عملکرد ارتجاعی حزب مزبور را در تدارک و حمله به رادبو و تلویزیون محکوم مینمایند. در روز بعد علیرغم بسیانیه آیت الله شریعتمداری مبنی بر عدم شرکت در راهپیمائی بیش از ۲۰۰ هزار نفر از مردم آزاده و مسلمان تبریز در حالیکه فریاد می زدند «خمینی، خمینی مسا اهل کوفه نیستیم» «درود بر خمینی، سلام بر مراجع»، صدا و سیما ما از دست این ارتجاع آزاد باید گردد. «این حزب آمریکائی در پوشش اسلامی منحل باید گردد». بطرف دانشگاه سرازیر میشوند و از آنجا بطرف رادبو و تلویزیون سرازیر شده و آنرا بدون مقاومت از دست اشغالگران خارج میسازند. هر چند هجوم شبانه مرتجعین منجر به شهادت ۳ نفر و زخمی شدن ۷۵ نفر گردید، اما هویشاری مردم و خروش الله اکبرشان مهاجمین را عقب راند و محل در حفاظت پاسداران قرار گرفت. روز بعد در حالیکه مردم در تشییع جنازه شهدای ۱۸ آذر شرکت کرده بودند، مرکز رادبو و تلویزیون مجدداً مورد حمله قرار گرفت و با اینکه نیروهای ارتش در محل حضور داشتند، اما در برابر آنان افراد مهاجم با خلع سلاح پاسداران، محل را به تصرف خود در می آوردند. اما از آنجائیکه برادران داخل ساختمان با دستکاری در دستگاه های فرستنده آن ها را از کار انداخته بودند، لذا مهاجمین عملاً بعد از دو ساعت در حالیکه سی نفر از آنها بازداشت شده بود، محل را ترک می کنند. در طی این چند روز و رو شدن عملکردهای ارتجاعی آشوبگران و افشای مسامحت وابسته و ارتجاعیشان، موج مخالفت در جامعه، در حوزه های علمیه و بخصوص در آذربایجان با حزب مزبور شروع میشود و در اندک مدتی تعداد کثیری از مردم و قشرها و گروه های مختلف خواستار انحلال آن از جانب آیت الله شریعتمداری می شوند. بطوریکه در اردیبه ۶ هزار نفر از اعضای آن بدلیل مخالفت، نفوذ عناصر ارتجاعی در درون حزب لغو عضویت کرده و از آن خارج میشوند. هویشاری مردم و وفاداری آنان به امام و انقلاب و افشای ماهیت عناصر و جریاناتی که با پنهان شدن در پشت سنگر ناسیونالیسم مذهبی سعی داشتند کردستان دیگری در تبریز و آذربایجان بوجود آورند، عقیم میسازد.

طبیعی است که با حرکت حول محور مبارزه با امپریالیسم و اصالت بخشیدن به آن در مقطع کنونی نه تنها قادر خواهد بود بسیاری از عناصر و گروه ها و نیروهای فرصت طلب و ارتجاع مذهبی و وابسته را افشاء و طرد نماید، بلکه خواهد توانست در روند خود با غنی بخشیدن به پیش و دید ضدامپریالیستی مردم و بسیج توده ها به ریشه کن کردن سرمایه داری وابسته، تصفیه ارتش و نهادهای دولتی بیانجامد و این باز همدار دیگری است به مسئولین متعهد با قبول حرکت در جهت نفی سرمایه داری وابسته و نظامی مبارزه با امپریالیسم تن در داده و امکان رشد و فعالیت عناصر و گروه های ضدانقلاب و توطئه گران وابسته را به حداقل رسانده و زمینه را برای رشد نیروهای خلقی و انقلابی مساعدتر سازد.

محاكمه گروگانها، حداقل خواست

بقیه از صفحه اول

معناش این است که با روشهای محافظه کارانه و سازشکارانه، انتظار نابودی آنها داشته باشیم؟ آیا معناش این است که با پند و موعظه و نصیحت و مهمتر از آن حل بحران بدست خود آنان، امپریالیسم را در ایران ریشه کن کنیم؟ مسلماً نه، چرا که اساساً نابودی و قطع وابستگیها از سلطه امپریالیسم در فتر انقلابی نهفته است، چنانچه دانشجوین پیرو خط امام در اعلامیه هفتادویسج خود این نکته را که با دشمن و آن هم دشمن پلیدی چون آمریکا زیاده از حد ضرورت سخن بگوید. ما فقط یک سخن داریم و آن این است که آمریکا باید شاه مخلوع و اموال به بنام او را با ایران تحویل دهد. هر چند که وی را در خارج از آمریکا نگهدارد و اگر دولت آمریکا در برابر این خواسته بحق انسانی ملت ایران تسلیم نشود کمترین کاری که خواهیم کرد محاكمه جاسوسان آمریکائی خواهد بود

تجاوز کارانه آمریکا در سالهای اخیر مورد نظر آنها است، دقیقاً عدم شناخت و درک صحیح این گروه را از امپریالیسم نشان میدهد. مگر توده های محروم و ستمدیده، ویرانی ها و عدم پیشرفت اقتصادی، نابودی کامل کشاورزی، کشتارهای وحشیانه و شکنجه های قرون وسطائی، نفوذ فرهنگ استعماری و مصرفی و... خود گویا و مدعای سیاست های پلید و کثیف آمریکا نیست که حالا می خواهید وی را در مجامع بین المللی رسوا کنید؟ تازه چه مجامع و چه شخصیت هائی، که خود در زمان رژیم جلاله شاه اکثراً مهر سکوت بر لبها زده و ناظر شکنجه و تیربارانهای فرزندان راستین خلق بودند و اصولاً مگر این توده های زحمتکش نبودند که این سیاست ها و روشها را با انقلاب پرشکوه: خود به محاكمه کشاندند؟ پس دیگر چه محاكمه ای و چه افشائی! شورای انقلاب که خود می بایستی تبلور اصلی خواستهای مردم ستمدیده باشد، چه برنامه و چه جهت مشخصی را در مسئله گروگانها و اصولاً

- هر موضع گیری و عمل انقلابی در برابر امپریالیسم آمریکا، وی چهره کثیف و ماهیت پلید خود را بیشتر به نمایش میگذارد
- کمترین خواست ملت مبارز ما یعنی محاكمه گروگانها، امپریالیسم آمریکا را بوحشت و دست و پا زدن انداخته است

این کترین خواست ملت مبارز ما یعنی

امپریالیسم از خود ارائه داده است؟ آیا جز این هست که ماهیت و عملکردهای امپریالیسم هنوز برای آنها شناخته شده نیست؟ و گرنه این سیاست های نامشخص و محافظه کاری و تسلیم طلبی دیگر چرا؟ جای تعجب است که شورای انقلاب در این شرایط حساس و دشوار، از افرادی که فاقد پیش منگینی و سیاسی هستند در پست های حساس و مهم مملکتی استفاده میکند!

مسئولین و تمام دست اندر کاران و شورای انقلاب آگاه باشند که اگر ملتی تابعان توانسته باشند با پند و موعظه و نصیحت و حتی ترساندن، امپریالیسم را در کشورش ریشه کن کند، بدانند که دمانیز دومین آن خواهد بود! اگر قادر بوده اند با سازش و زست های سیاسی گور امپریالیسم را بکنند، شما هم خواهید توانست!

محاكمه گروگانها، جان امپریالیسم آمریکا را بوحشت و دست و پا زدن می اندازد که سریعاً موضع گیری کرده و یادآور میشود که «آمریکا اقدامات نظامی غیر حنین نظیر محاصره نظامی ایران را مدنظر قرار داده است که در صورتیکه گروگانها محاكمه شوند آنها به مرحله اجراء در آرد.» و با «هنر توغ محاكمه و یادادگاه منصفه ای برای گروگانها تحریک دیگری علیه ما و جامعه جهانی خواهد بود و اوضاع را وخیم تر کرده، مسئولیت و عوارض آن بر عهده ایران خواهد بود.»

نگرانی توده ها از سرخورد مسئولین

بخوبی روشن است که هر موضع گیری و عمل انقلابی در برابر امپریالیسم آمریکا، وی چهره کثیف و ماهیت پلید خود را بیشتر به نمایش میگذارد و برعکس هر موضع گیری محافظه کارانه و تسلیم طلبی وی را راضی و خوشحالت خواهد کرد. کوفشی که مسئولین اسرور در روزهای اخیر در مسئله گروگانها و اصولاً سرخوردی که با امپریالیسم، از خود بروز داده اند و اینکه سیاست های

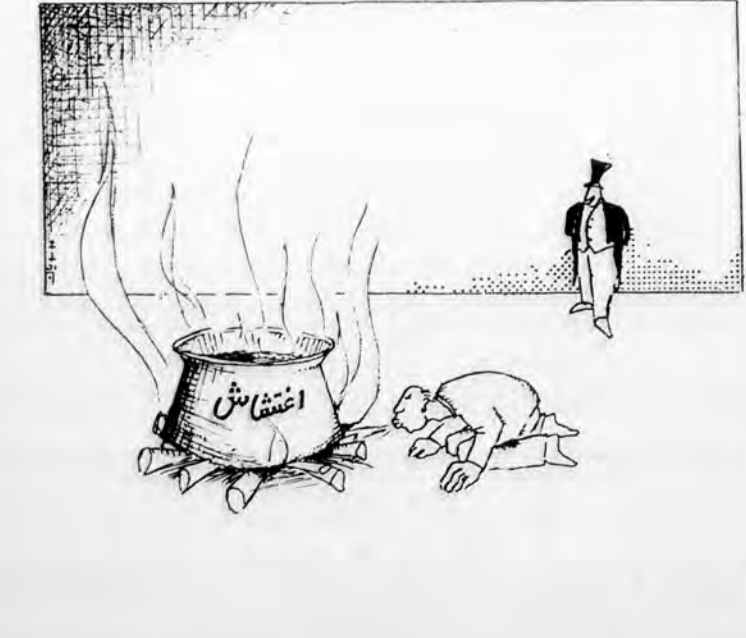
شاه بهر ترتیب کشته می شود یا از آن کشور خارج شود، گروگانها را محاكمه می کنند، جای سؤال است که چرا دولت آمریکا دست به چنین قمار می زند و شاه را به پاناما می فرستد؟ چه سستی و سازهی در این حرکت نهفته است که آمریکا گستاخانه دست به چنین اقدامی می زند؟

خوب است که به عملکرد نیروها در برخورد با امپریالیسم و مسئله گروگانها نظر بیافکنیم تا عمل آمریکا برای ما بهتر مشخص شود. زمینه های محافظه کاری و مسامحات مسئولین در مسئله گروگانها که قبلاً فراهم شده بود و هم چنین عدم درک صحیح از امپریالیسم و عملکردهای آن، با خروج شاه مخلوع از آمریکا در اظهار نظر یک مقام وزارت امور خارجه به چشم می خورد. آنجا که می گوید «اگرچه خروج شاه مخلوع از آمریکا پاسخ مطلوب ملت ایران نیست، اما شخصاً متقدم این خود، توفیق بزرگی برای ملت مبارز و بیباخته ایران در مبارزات ضدامپریالیستی است» او همین «پیروزی» را هم آقای صادق قطب زاده وزیر امور خارجه ایران تأیید کرده و می گوید «در حقیقت ما به یکی از پیروزی های بزرگ این حرکت تاریخی رسیده ایم... این پیروزی را باید به مسامت ایران تبریک گفت.»

یعنی توفیق و پیروزی برای توده های محروم و زحمتکش و یا بهتر بگوئیم شکست و ناپودی امپریالیسم نه در قطع وابستگیها و ناپودی پایگاههای آن در ایران، بلکه خروج شاه از آمریکا است!

حل بحران بدست آمریکا!

جالب توجه است که سرخورد مسئولین و اظهار نظرهای گوناگونی که این «بدر خوانده های انقلاب» در این مورد از خود بروز داده اند، امپریالیسم آمریکا را به وجود آورده، تا جائیکه حل بحران را غیر مستقیم به آمریکا ارجاع داده اند. چنانچه خبر گزار یسونا تدریس از واشنگتن گزارش میدهد که «هر دینگ کارتر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفته است پس از آزادی گروگانها یک تحقیق کامل کستره آمریکا در زمینه روابط دو کشور اجتناب ناپذیر است. این اظهار او در پاسخ به تقاضای قطب زاده بود، که گفته است تحقیقاتی از جانب آمریکا در تاریخچه روابط ایران با آن کشور ممکنست به راهی گروگانها منتهی شود.» آیا مبارزه با امپریالیسم جهانخواه و پایگاههای آن که تا یود ملت های ستمدیده و مستضعف نفوذ کرده،



زیر نویس:
۱ - ۲ - اطلاعات ۲۵ و ۲۶ آذر
۳ - کیهان ۲۹ آذر
۴ - ۵ - کیهان ۲۸ آذر



عزیزان امت و امام، برادران و خواهران مستقر در لانه جاسوسی امریکا

شما به همراه خلق مسلمان ایران پنجه در پنجه ابر قدرتی افکنده اید که سالیان دراز با تحقیر و توهین خون خلقهای مستضعف جهان را در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین میکشد و با تکیه بر قدرت نظامی و اقتصادی خود منافع خود را بر خلقهای جهان تحمیل نموده است. پیروزی خلق ما در این نبرد سرنوشت‌ساز متضمن پیروزی همه برادران مبارز ما در صحنه جهانی خواهد بود.

پیروزی شرق تحقیر شده، پیروزی خلقهای استثمار شده و پیروزی حق بر بساطل، همچنانکه می‌بینید مبارزه‌ایست بس سهمگین و تنها خلق خدا، این سیل خروشان انسانها که رژیم ۲۵۰۰ ساله استبداد سلطنتی وابسته به امریکا را واژگون ساختند توانایی چنین رویارویی و مقابله‌ای را دارند.

شما برادران بدون تردید از تهدیدهای کاخ سفید و پنتاگون و سیا که می‌گویند «هر چه گروگانها را بیشتر نزد خود نگاهدارید قیمتی که باید برای این اعمال بپردازید بالاتر خواهد رفت» آگاهید و از دوره گری جنگ افروزان پنتاگون در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند باخبرید. میدانید که امریکا در پی محاصره اقتصادی ایران، تسامق قدرتهای ارتجاعی جهان را علیه خلق ما برانگیخته است و در این میان همچنانکه شما نیز اعلام داشته‌اید برخی مقامات مسئول آنچنان غیرمستولانه با این نبرد سرنوشت‌ساز خلق ما برخورد مینمایند که گویی مسابقه‌ای است برای سیاست‌بازان و سیاست‌سازان ما ضمن تأیید و پشتیبانی از قاطعیت شما برادران عزیز هشدار میدهم که تحقق اراده امام که امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند تنها در بسج توده‌های خلقی تحقق خواهد یافت.

آمریکا وقتی نمیتواند هیچ غلطی بکند که مشن محکم و گره کرده خود را بر دهان پاهو گویان فتودال که از اجرای برخی برنامه‌های ارضی به نفع دهقانان زحمتکش بتکاپو افتاده‌اند بگوئیم. وقتی تحقق خواهد یافت که با قاطعیت، اتحاد ضدانقلابی نیروهای ضدخلق را در دم شکستیم اگر این وحدت ضدانقلابی را که در ۱۰ ماه گذشته بعد از انقلاب در

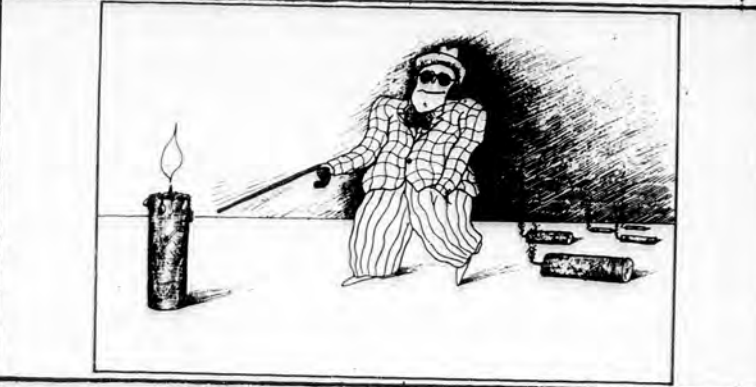
جیش مسلمانان مبارز بلافاصله و بدون لحظه‌ای تردید و درنگ اقدام متهورانه و اسلامی و ضدامپریالیستی شما را در تصرف لانه جاسوسی امریکا مورد تأیید و تأکید قرار داد. اقدام شما مبارزان آگاه که در طلوعه اعلام آغاز انقلابی دیگر از سوی امام امت روزنه امید پی‌گیری هر چه قاطعانه مبارزات ضد امپریالیستی خلق بشمار می‌آید از همان آغاز با بورس امپریالیسم امریکا در سطح جهان و عوامل و ایادی و مزدوران و سرسیرگان داخلی آنها مواجه گردید. سرمایه‌داری وابسته، لیبرالیسم سازشکار، ارتجاع و بسقپایی فتودالیسم که در نتیجه مساهبت رفرمیست و سازشکار لیبرالیسم حاکم بعد از بهمن‌ماه ۵۷ دوران سرگیجه و پراکندگی موقت بعد از انقلاب را به یمن تحلیل‌های ضدانقلابی دولت موقت و ارتجاع حاکم از سر گذرانده بودند به تدارک هر چه بیشتر توطئه‌های ضد خلقی دست زدند. دامنه این توطئه‌ها تا آنجا کشیده شد که حتی فتودالهای خونخوار هم که عمری در استثمار و استضعاف توده‌های دهقان و کشاورزان ایران گذرانده‌اند در لباس اسلام و انقلاب به کارشکنی و دسیسه در امر حسل مشکل ارضی دهقانان محروم و زحمتکش ایران اقدام نمودند. در صورتیکه عظمت و شکوه و پیچیدگی اقدامی را که شما دانشجویان پیرو خط امام و به همراه شما امت مسلمان و انقلابی بدان همت گماشته‌اند آنچنان که هست دریابیم، این توطئه‌ها و دیگر توطئه‌هایی که در آینده تدارک خواهند دید هرگز غیرمترقبه نخواهد بود و هر لحظه بر آسادی خلق خواهد افزود.

امپریالیسم امریکا در مبارزه ضدامپریالیستی مردم قهرمان ایران نه تنها بزرگترین پایگاه اقتصادی نظامی و سیاسی و فرهنگی خود را در ایران از دست میدهد که خلقهای استثمار شده و محروم و مسلمان منطقه به تاسی از اوج‌گیری مبارزات مردم مسلمان ایران تمام منافع اقتصادی و نظامی امریکا را به آتش خواهند کشید. امریکا امپریالیسم خونخواری است که تمام خلقهای مستضعف جهان با خشم و نفرت در آرزوی رویارویی نهائی با این دژ جهانی سرمایه‌داری و استثمار و استعمار بسر می‌برند.

میان نیروهای ضد خلقی مستحکم از سرمایه‌داران، فتودالیسم، لیبرالیسم سازشکار و مرتجعین و بسج و وابسته ارتش بوجود آمده در هم شکسته نشود مبارزه ضدامپریالیستی یکجا خواهد کشید. شما برادران خود به نقش سفار تخانه‌های ایران در خارج از کشور اشاره کرده‌اید. اگر با بکار گرفتن همه عناصر جوان و انقلابی و برخوردار از بسج مکتبی با قاطعیت و بدون کمترین گذشت تصفیه کامل در ادوات و ارتش بسعمل نیساید، اگر مرتجعین روحانی‌نما از جریان اصیل روحانیون خط امام تصفیه نشوند، اگر کادرها و ارگانهای تصمیم‌گیری و اجرایی با تغییرات بنیادی دگرگون نشوند و مساند گزینته فتودالها نفوذ خود را در دستگاههای اجرایی حفظ کنند و بنام کشاورزان و دهقانان محروم بسج گویند اگر لیبرالهای سازشکار معتقد به سیاست‌های گام‌به‌گام و هوادار قانون اساسی و معتقد به سلطنت ولیمید همچنانکه ارگانهای اجرایی قدرت را قبضه کرده‌اند به حیات خود در چنین ارگانهایی ادامه دهند اگر افرادی عاری از تقوای مکتبی و سیاسی هر روز به رنگی سخن گویند و باز هم خود را در خط امام معرفی کنند و یا آنچنانکه شما خود گفته‌اید با متنی سازشکارانه به امریکا چراغ سبز نشان دهند و بگویند که اگر کنگره امریکا به پرونده شما رسیدگی نماید با امریکا روابط خواهیم داشت. اگر اسناد و مدارک بدست آمده از سفارت ایران در امریکا و دیگر سفارت‌خانه‌ها و اسناد مهم ساواک در دسترس خلق نهاده نشود، اگر با حرکت انقلابی خلقی مسئله قومیت‌ها در چهارچوبی اسلامی و انقلابی حل نشود اگر از سرمایه‌داری وابسته خلق‌پند کامل نگردد و بالاخره همچنانکه آن روحانی شهید هم معتقد بود اگر بسوی جامعه بی‌طبقه اسلامی با توحیدی حرکت ننماییم، این حرکت عظیم است را سازشکاران بسویی که بنفع دشمن است خواهند کشید. گفته‌ها و تلاش امروز جمعی از دست در کاران سیاست، برای برقراری رابطه با امریکا، خاطره حرکات سیاسی آنها را در متقاعد ساختن امام به سازش با قساتون اساسی و سیاست گام‌به‌گام در افغان عموم مردم زنده میسازد.

شما برادران باید با قاطعیت خط امام را آنچنان که می‌شناسید با مردم در میان بگذارید این مسئولیتی خطیر و مکتبی و سرنوشت‌ساز میباشد. سکوت در مقابل سازشکاران را مکتب و مردم و تاریخ نخواهند بخشید ما به شما برادران هشدار میدهم که نشانه‌های بسازش حرکات مشکوک و سازشکارانه جناح لیبرالیستی شدت بسجتم می‌خورد. امپریالیسم امریکا وقتی در این نبرد سرنوشت‌ساز شکست خواهد خورد که تمام سرمایه‌های وابسته را به نفع توده‌های مستضعف مصادره نماید. آنگاه خلق بر ضد خلق پیروز خواهد شد. اسلام بر کفر غلبه خواهد نمود. در این تردیدی نیست اما این امید و آرزو وقتی تحقق خواهد یافت که در جهت خلق و بر اساس مبانی مکتبی حرکت نماید. اگر تمام وابستگیهای اقتصادی و سیاسی و نظامی با امپریالیسم امریکا را نگشیم آیا رویداد سفارت انگلیس در سالهای نهضت ملی شدن صنایع نفت تکرار نخواهد شد.

لیبرالهای سازشکار با طرح فرمان عوام امیر انتظام بر این امر تأکید فسرانان دولت تا کنون بسیاری از جنایتکاران و سرمایه‌داران و فتودالها و مزدوران امپریالیسم امریکا و وابسته به‌شاه و ساواک را با خام‌اندیشی و خوف‌خوایی در میان خلق رها ساخته‌اند که به توطئه پردازند. اگر بیار دیگر چوبه‌های اعدام خلق بر یا نشود و نمونه‌هایی چون میراثرانی خائن و باتمانتقلیح به‌جوخه‌های اعدام انقلابی و اسلامی سپرده نشوند چگونه با امپریالیسم مبارزه خواهیم کرد؟ اکنون شبکه جاسوسی جدید از مأموران سابق ساواک در حال شکل گرفتن است، بر مسامت که به خلق هشدار و آگاهی دهید. اگر آگاهی سیاسی و رشد اسلامی و انقلابی توده‌های کارگر و دهقانان در متن حرکت‌های انقلابی تحقق نیابد توده‌های کارگر و دهقان در دور تسلیم خواستهای صغی و اقتصادی گرفتار آمده و طعنه توطئه‌گران خواهند شد. ما بار دیگر با ایمان به پیروزی امت بسر امپریالیسم امریکا، دستهای سرتوان شما را با صمیمیت می‌فشاریم. مرگ بر امپریالیسم امریکا سر کرده جهانخواران استثمارگر مرگ بسر اتساح قوم نیروهای ضدانقلابی و ضداسلامی شکفته‌تر باد مبارزات ضدامپریالیستی امت اسلامی ایران و تمام خلقهای ستمکشیده جهان. جیش مسلمانان مبارز



بدنیال خواهد داشت از میان برنداریم؟ چگونه می‌توان تصور نمود که امپریالیسم را عقب رانده‌ایم در حالیکه نهادهای داخلی آنرا از قبیل سرمایه‌داری وابسته - صنعت مونتاز - قراردادهای اسارت‌بار وجود مستشاران و کارگزاران را تحمل نمائیم و بفکر مقابله با آنها نیفتیم؟ چگونه می‌توان خود را از قید و بند امپریالیست‌ها آزاد نمود در حالیکه: ارتجاع و استکبار و سرمایه‌داری با اتحاد نامقدس خود مسیر نهضت را مسدود می‌نمایند و سجدانده، خواسته یا ناخواسته در راه تثبیت پایگاههای قدرت امپریالیسم در داخل عمل نمایند؛ چگونه امپریالیسم را مستزوی و ساقط می‌کنیم در حالیکه سرائط مبارزه و پیچیدگی آن و راههای اصولی مقابله و اسناد راه‌های نفوذپذیری آن را انسانهای تکمیل و توده‌های مستضعف را بر علیه آن بسج ننمائیم؟ و بالاخره چگونه می‌توان بر سلطه جهانخواران غلبه یافت در حالیکه هنوز بسیاری از نیروهای راستین و برتوان اسلامی را به انواع لطایف الحیل از صحنه مبارزه مطرود و لگدمال می‌سازیم؟ تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های محروم بارها شاهد این معنا بوده است که: مبارزه با امپریالیسم در یک بُعد هرگز برای درازمدت به‌سر نرسیده است. چه امپریالیسم به‌مثابه غده سرطانی در تمام تار و پود اندام جوامع تحت‌سلطه ریشه می‌دواند و قطع قسمتی از آن هرگز به معنای خشکاندن تمامی ریشه نخواهد بود.

مبارزه مداوم با پایگاه‌های درونی

بقیه از صفحه ۵

مسئله حیاتی را به تعویق اندازد. (شاهد این ادعا اعلامیه نخستین دانشجویان است.) این اقدام دانشجویان مسلمان که در واقع نموداری از خواست مردم ستم کشیده است اگر چه این تضاد فراموش شده را دگر بار مطرح ساخت و به ملت ناگهانی بودن آن خیل فر صتطلبان و مرتجعین را هر چند بسری مدتی کوتاه مترو و متعجب نمود و نشان داد که در این برهه سرنوشت‌ساز - سکون و ایستایی به معنی از دست رفتن دست‌آوردهای انقلاب است ولی با این همه نیازمند قوام یافتن بیشتر است چرا که این حرکت نوین اگر تضحی یابد و در ابعاد دیگری رشد نماید می‌تواند توییدبخش انقلاب دیگری بسری راهی نهایی ملت مستضعف ما و سرفصل تجربه‌ای تازه در تاریخ مبارزات مسلح محروم گردد و

زمینه‌های انهدام پایه‌های استکبار جهانخواران را فراهم آورد. عبارت دیگر: امام که این انقلاب در ابعاد مختلف به مبارزه با قطع ریشه‌های سرطانی امپریالیسم نبردازد و قاطعانه راه‌های نفوذپذیری مجدد آنرا که فقط از طریق پایگاه‌های درونی آن ممکن می‌شود مسدود نماید بیم آن می‌رود که این جریان نیز در عین تحرک آفرینی و اصالت صداقت خویش به مبارزه‌های کاذب بسدل شود که باآمال نتیجه‌ای جز خاموشی ساختن آتش طغیان انقلاب نخواهد داشت و حتی بسبب تأخیر در استمرار آن نیز خواهد بود.

آخر چگونه می‌توان بداندست که برای همیشه از زیر سلطه امپریالیسم راه‌های یافتن بهیم در حالیکه وابستگی‌هایمان را در زمینه‌های مختلف: فرهنگی، نظامی - سیاسی و اقتصادی قطع نکیم و عوامل ابتلا به این وابستگی‌ها که در انتها سلطه‌بذیری را

امیرانتظام، سخنگوی

بقیه از صفحه اول

میدان دادن به‌خان‌ها و فئودال‌ها و بکار گماردن عناصر خائن و شناخته شده در ارتش و طرد عناصر انقلابی آن نشان داد که لبرالیسم پیش از آنکه کار مثبت و مؤثری انجام دهد به‌انحراف خلق از مسیر اصلی مبارزه می‌پردازد.

همانگونه که نمیتوان خود امیرانتظام را بصرف اعلام تسویه و بازسازی ساواک مورد محاکمه قرار داد و مسئله را فردی تلقی کرد (چرا که او سخنگوی سیستمی بود که جو غالب دارای چنین نظری بوده‌اند)، به‌همین دلیل نمیتوان جاسوسی وی را نیز قائم بفرد دانسته و او را در ارتباط با یک شبکه جاسوسی وسیع که برای تأمین منافع امپریالیسم دستوپا می‌زند تلقی نکرد. آیا جمع چنین عناصری در دولت پیمانگه نقشه‌سازانه‌ای نیست که امپریالیسم جهانی برای حفظ منافع پس‌لید خود و انحراف انقلاب از مسیر اصلی خود طرح‌ریزی کرده است؟ آیا میتوان این قبیل استصوابات را صرفاً بحساب نفوذهای ماهرانه و زیرکانه دولت گذاشته و یک بی‌دقتی در امر انتخاب تلقی نمود؟

افشاء این اسناد همداری است به‌خلق قهرمان و مبارز ما تا مابقی چنین عناصری را هر چه بیشتر و بهتر شناخته و هوشیارانه عمل نمایند و چشم و گوش خود را بازتر نمایند و هر آزاده و مسلمانی را که در جهت افشای مسامحت و وابسته این قبیل عناصر می‌کوشد خائن به‌اسلام و انقلاب تلقی نکنند و بخود آیند که رهبریت و مسئولیت را به‌هم از گرد راه‌سپه‌ای دادن و آنان را در دولت و مصدر امور قرار دادن چیزی جز اشتباهات و خطاهای زیست‌ناپاک نیست.

وابسته به‌امپریالیسم و نوکران بومی آنان معرفی می‌شدند نه از سر دقتی با امام و دولت موقت بوده و نه قصد تضعیف رهبری و دولت را داشتند، بلکه دقیقاً از سر تعهد و مسئولیتی بود که در قبال انقلاب و مردم احساس می‌کردند. اما از آنجائیکه لبرالیسم بخون یک جریان اجتماعی‌ساز فکارت و وابسته با انجام هر نوع تغییر بنیادی در نظام موجود هدایت داشته و بدلیل داشتن نوعی وابستگی به‌فرنگ استعمار غربی قادر بود یک تضاد با امپریالیسم نبوده و بلکه برعکس حتی با سنگر گرفتن در پشت شعار آزادی و دموکراسی در جهت تثبیت نیروهای وابسته به‌سرمایه‌داری جهانی و نتیجتاً ایجاد زمینه مساعد جهت کسب هر چه بیشتر قدرت سیاسی و تسلط بر سرنوشت کشور را در سر می‌پروراند، نه تنها در عمل اهمیتیه بافشارگری‌ها و دلسوزی‌های مبارزین و عناصر و گروه‌های متعدد و مسئول نداد، بلکه با برخوردهای غیر مسئولانه و یا سکوت در برابر این قبیل افشارگری‌ها لنگ‌نگانان در جهت برگرداندن وضع موجود و در نهایت افتادن در دام امپریالیسم جهانی در حرکت بود. بعنوان مثال زمانیکه افراد گروه‌های سیاسی عناصری چون امیرانتظام آنهم با ارائه مدرک و سند بعنوان یک سرمایه‌دار وابسته به‌غرب که سهام و نمایندگی بیش از ده شرکت آمریکائی را داشت، افشاء میداد آقایان بازارگان با سخنرانی‌های خود این قبیل عناصر را غسل تعمید داده و لکه‌نگ از دام «پاکستان» می‌سترد و در پیامش خطاب بملت اعلام می‌کرد:

«... چه بساطی علیه سرنگ تسوکی براه انداخته بودند، در صورتیکه ایشان از افسران سپاه فرارستند درس خوانده و مسلمان و پاک مملکت بود... چه تهمت‌ها و چه مزخرفاتی علیه تسیمسار فرنی برآه انداختند. حالا مدتی است که مسطانی دربار آقایان همکاران مستقیم و درجه اول من و بطور صریح می‌گویم افراد شناخته شده‌ای مطمن‌تر و مناسبت و پاکتر از این سه نفر یعنی دکتر بی‌زی، مهندس صباغیان و مهندس امیرانتظام، من اگر پیدا کرده بودم آنها را بعنوان معاونت در نخست‌وزیری می‌آوردم... خود من عرق فرسرم می‌نشیند وقتی باین‌ها اتهام آمریکائی بودن می‌دهند... و این بسیار مضر است باید به‌ر نحوی فسخ جلوگیری شود، یعنی خود مردم اینکار را بکنند... کیهان ۵۸/۱۲۶»

با توجه به پیام آقای بازارگان ذکر این نکته ضروری است که ما ایشان را از آنجایی که این افراد را به‌کلیت خود فرا خوانده و با مثلاً در آن موقع پیش‌بینی نکرده که ایشان مسکن است و تئورده از آب در بیایند، سرزنش نمی‌کنیم چرا که این قبیل نفوذهای عناصر دشمن حتی در بین گروه‌های انقلابی نیز امری محتمل و امکان‌پذیر است، بلکه برخورد ما دقیقاً از این جهت است که چرا حتی با افشارگری‌های غیر قابل کتمان، ایشان وقعی به‌خواست‌های مردم و مبارزین نداشته و در عرض آنان را مشتی مفرض و کسانیکه به‌باهر راه انداخته‌اند معرفی نمودند، حتی کسانیکه با افشای مسامحت امیرانتظام سعی در روغن‌گری مردم برمی‌آمدند دیوانه و مایه‌تنگ و فضاختم تلقی می‌کنند. و هیچکدام از این افشارگری‌ها کوچکترین تأثیری در دولت و سایر مسئولین امر ایجاد نمی‌کنند. واقعیت این است، همانگونه که ما بارها خطر لبرالیسم را که همسایه دیوار دیوار ارتجاع بوده و غالباً همراه آن راه را برای سلطه‌مجدد امپریالیسم باز کرده و سعی می‌نماید به‌خاطر تثبیت موفقت و حفظ تسلط سیاسی خود آب رفته را به‌جوی بساز گرداند، متذکر شدیم، و آنرا بعنوان جاده صاف‌کن امپریالیسم معرفی نمودیم، مورد حمله قرار می‌گرفتیم که این‌ها دولت را تضعیف می‌کنند. ما بارها اعلام کردیم که این‌ها بدلیل مابقی‌شان مجبور به‌تکیه بر سرمایه‌داری وابسته، فئودال‌ها و عناصر وابسته ارتش و ... هستند و خواهند بسود عملکرد ده ماهه آنان خود بخوبی مؤید نظر مساو اصرار بیش از حد صا در افشاء و فضاختم مسامحت این جریان است و رو شدن دست جاسوسان و نوکرانی چون امیرانتظام یکبار دیگر حقانیت موهب گسری‌های ما را مسک زد تلقیت سرمایه‌داری وابسته و وام دادن به‌آنها، صلح کردن و

این مسئله زنگ خطر و هشدار است برای امام که باید از این قبیل عناصر چشم‌پوشیده و به‌نیروهای انقلابی و جوان که پاسکی و صداقت خودشان را در پیشگاه خدا و خلق به‌سبوت رسانده‌اند، تکیه کرد و مبارزات ضد امپریالیستی را تداوم انقلابی بخشید.

هشدار است به‌مسئولین متعهد امور که هرگز مزدوران رژیم و نوکران شناخته شده استعمار را نمیتوان غسل تعمید داده و در جهت منافع خلق و انقلاب بکار گرفت، چرا که «از کوزه همان ترواد که در اوست» و ایمان آوردن به‌اینکه این فقط مردمند که قادرند خلا ناسی از حلف مزدوران و وابستگان رژیم را در جهت سروسامان دادن به‌امور سیاسی، اقتصادی و اداری بر نمایند و محرومیت‌ها را در این مسیر تحمل نمایند.

و هشدار به‌توده‌ها که بخود آیند و اجازه ندهند بیش از این مردم را بر علیه مردم بشوراند و خود در پس این قیل‌وقال‌ها به‌سحر کسری و نسوگری بیگانگان پردازند.

حال این بر مردم است که با اصرار از امام و مسئولین امر بخواهند که با افشاء و انتشار اسناد سری ساواک مشت عناصر خائن و مزدوران وابسته را که در مراکز تصمیم‌گیری و اجرایی نفوذ کرده‌اند باز کرده و بیش از این میدان را برای اجرایی توطئه‌های پلید امپریالیستی باز نگذارند.

و بر مسئولین دادگاه‌های انقلاب است که با مجازات شدید و بدون گذشت و اغماض این عنصر پلید و عناصر مشابهی چون روغنی‌ها (که فعلاً از مجازات و تعقیب وی خبری نیست)، سراغ‌آنها و دست این خائنین را از سر انقلاب و خلق مسا کوتاه سازند.



تصفیه روحانیت، ضامن پیروزی

نگاهی گذرا بر تاریخ مبارزات اسلامی و همدستکاری وجود جبهه‌های انقلابی و متعهد روحانیت را در مقام رهبری حرکتها مشخص می‌سازد، که فطانت نیمه‌هوا، سنگر بزرگی در برابر قدرتهای زور و قلدری و استعمارگران بوده است.

مردانی چون میرزای شیرازی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، مدرس، سعیدی، طالقانی و رهبرانی چون امام امت، خمینی عزیز نشان افتخاری بر جبهه روحانیت متعهد دیده‌اند که در سخت‌ترین شرایط و دور از هر گونه امکانات و بدون در نظر گرفتن منافع، تنها در راه اسلام و خدا، ابرو فرور و علی‌گونه زیست کردند و راه مبارزه با طاغوت و استعمار و درس حسین و شهادت آموختند...

لکن در کنار آنها عوامل دشمن با استفاده از ماسک این لباس مقدس همیشه روحانیت متعهد را آزوده و با آن بیابازد نیز برخاسته‌اند.

اکنون که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از تصویب نهائی امت گذشت، لزوم هر چه بیشتر جدا نمودن مستفی از منبت و معرفی جبهه‌های راستین، و طرد نمودن گره‌گهی در لباس مسیحی اصحابی میشود، که جامعه ما وقتی خواهد توانست به‌ایداله‌آل خویش جامه عمل بپوشد که یکپارچه باشد و عوامل فاسد را از متن خویش دور نموده و به‌تصفیه اساسی بپردازد، و این تصفیه باید از بالا به‌پائین آغاز شود، و روحانیت که همیشه پیشرو بوده است برای اصلاح نیز باید از خود شروع نماید و براساتی حرکتی بزرگ را در این مسیر با نهامت و درستی دنبال کند.

امروز ملت ایران پای‌بند و معتقد و با روحیه‌ای انقلابی و ایمانی ارتزفندند، بی‌سیرایه به‌همه که در لباس مقدس روحانیت بایند احترام می‌گذارند، که ارج گذاری خویش را به‌اسلام بیان کرده باشد.

این مردم با چنین اعتقاد محکم و خلل‌ناپذیر از روحانیت انتظار آتی دارد که طبعاً از دیگران نخواهد داشت. زیرا آنها را در مقام رهبری فکری خویش می‌بیند...

لذا بر روحانیت متعهد است که بکوشد ایمان مردم را حفظ نموده و حقیقت راستین این گروه را بشناساند.

اگر این اعتقادات و ایستهمه احساسات سلب نموده آنوقت کل جامعه در خطر و اسلام تهدید خواهد شد که همگان روحانیت را به‌عنوان بیاتنگر دین و سبیل مذهب می‌شناسند.



مبارزه مداوم با پایگاه‌های درونی امپریالیسم، شرط لازم برای پیروزی است

انفال سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان به‌همراه سخنان گوینده و قاطعانه «اسام خمینی» و بسیج توده‌های مسلمان در این روزها، بار دیگر مسیر اصیل و نهایی انقلاب اسلامی ایران را نمودار ساخت و نشان داد که راهی آمت مسلمان در زیر یوغ امپریالیسم فقط و فقط با مبارزه بی‌امان با آن میسر می‌گردد.

این روزنه مجتهد امید در هنگامی هوردا گردید که کج‌فهمی‌ها و کوتونگری‌ها و فقدان پیش‌مکتبی ما را سخت دچار مسائل روپنایی و دامن‌زدن به‌طرح تضادهای فرعی و لاچرم به‌فراموشی سپردن دشمن اصلی کرده بود. واگرچه از ابتدای پیروزی، عناصر مومن و آگاه مسلمان کوشیدند تا با برخورداری از اسلام انقلابی - جهت مبارزه را بعد از سقوط نظام استبداد ترسیم نمایند و خویش بنیان را هتدار دهند

است و جبهه‌ها و مال... که بسول جمع‌آوری شده در حساب‌های کمک به‌زلزله‌زدگان طیس بصورت وام در اختیار تنی چند از سرمایه‌داران حاشیه‌نشین و بیرونی برکن گذاشته‌اند، در حالیکه مردم مستأصل طیس برای گرفتن چند هزار تومان وام جهت ساختن قرض‌الحسنه ماندند و زمستان را در زیر چادرها گذراندند و بولی که متعلق به‌آنها بود بجای این‌که بصرف خودشان برسد و امی شد بجیب بولداری شهرهای دیگر، تا بتوانند بازار سیاه بسازند و یا اتموبیل خرید و فروش کنند و یا اجناس دیگر را احتکار نمایند. و شاید حضرات هم تسفیمیدند و نرسیدند؛ به‌جسه‌حقی؟ شما چگونه میتوانید عمل خلاف خود را توجیه کنید شما مسؤل تب و بیماری کودکان و بیهوشی هستید که در زیر چادرها و در سخت‌ترین شرایط، زمستان سرد کویر را سیری کردند و محرومانه چششان به‌اقدامات شما بود...

اینها مسؤل هزاران درد و رنج توده‌های محروم اجتماع هستند که با غارت بیت‌المال مسلمین اتموبیلهایی بنام حاشیه‌نشینان را بکام خود دارند و خانه‌ها و مستغلات در گوشه و کنار شهر و نباید برای بعدها بوجه تهی می‌بینند که میداند بعد از بدر بیچاره‌اند و کسی محل سنگ به‌آنها نخواهد گذاشت...

در حالیکه نزدیک به‌یکسال است در هر فرصتی از حضرات خواسته‌ایم لیست کاملی از اعانات دریافتی و مخارج عمرانی خود را در جریان زلزله طیس منتشر کنند، اما متأسفانه کمترین توجهی نشده است و فقط روز بروز ادعاهایشان بالا رفته است، که یکی صدتا هم واقعیت ندارد...

اینجا حاضرند در صدها مصاحبه بگویند ما در طیس چنین و چنان کردیم، اما حاضر نیستند لیست صورت بدهند، زیرا خود میدانند چه کرده‌اند و ما هم میدانیم...

که: دشمن زخم خورده هنوز به‌توطئه نسته و مترصد فرصتهای تازه و توسل به‌سیرنگ‌های دیگری است تا مگر آب رفته را به‌جوی باز گرداند ولی با کمال تاسف دیدیم: که دست‌اندرکاران و دولت پیشین به‌ت خصلت لیبرال منشاء خود هرگز این معنا را بدرستی در نیافتند و در حالیکه می‌توانستیم بلافاصله بس از پیروزی نخستین، چرخ انقلاب را به‌پسین دانستن امامی قاطع که حمایت هت توده‌های داخلی مستضعف را بدنبال دارد در راه انهدام پایگاههای داخلی و خارجی امپریالیسم آمریکا بکار بندیم نماند بودیم که تنها به‌اقدامات روپنایی و غیر اساسی و برداختن به‌مسئولانها و فراموشی علتها بسنده گردید و در این گیرودار دشمن فرصت یافت تا با ترفندهای دیگر و با طرح مسائل دروغین این بقیه در صفحه ۴

بیانیه سیاسی جنبش مسلمانان مبارز (تحلیل سیاسی - وظایف و پیشنهادات)

بنام خدا

هموطنان، برادران و خواهران مبارز مردم قهرمان ایران

اهمیت این مرحله از مبارزه رهایی بخش شما و به تعبیری که رهبر امت امام خمینی بکار بردند، انقلاب دوم، در سرنوشت همه ما به اندازه ای است که هر مصلحت دیگری را تحت الشعاع قرار می دهد. به استناد منشی دیرین و تغییر ناپذیر خود همیشه سعی کرده ایم با صداقت و صراحت و بر اساس موازین مکتبی شرایط را تحلیل و وظایف خود را باز یابیم. به اعتقاد ما وظیفه هر نیرو و جریان پیشرو مکتبی است که بی سرده و مستقل از هر مصلحت فردی و یا گروهی، حقایق را آنگونه که هستند طرح و راه درست را صادقانه بروی خلق باز نمایند. عمل و منشی ما باید منطبق با تحلیل مکتبی حقایق و صادقانه و بی ریا و دور از هر نوع مصلحت گرایی و آلودگی به نفاق و دورویی باشد تنها در اینصورت است که خطای احتمالی در تشخیص و انحراف در عمل قابل تصحیح می باشد.

۱ - همه معتقدیم که بزرگترین دشمن مسلمانان امپریالیسم آمریکاست. یعنی تضاد عمده خلق با امپریالیسم است و امپریالیسم در داخل در وابستگیهای اقتصادی - نظامی و فرهنگی و سیاسی شناخته میشود. ارتجاع، فئودالیسم لیبرالیسم که همه اولیاء شیطانند در جریان مبارزه با شیطان بزرگ یعنی امپریالیسم و همراه با آن نابود می شوند. و تضاد آنان با خلق به نفع حاکمیت نظام بر توحیدی حل میگردد.

۲ - در مبارزه حیاتی با امپریالیسم باید نیروهای تشکیل دهنده دو جبهه نبرد شناخته شوند، در جبهه حق که خلق قرار داد، توده های مستضعف و مبارزان، نیروهای پیشرو انقلابی مسلمان و در پیشانی همه رهبر امت امام خمینی قرار دارند و در جبهه ضد خلق یعنی امپریالیسم، در مرکز طیف، مزدوران ساواک و جاسوسان آمریکا و صهیونیستها، بر گستره آسان، فئودالها و شیوخ و سرمایه داران وابسته و در پشت سر و متحدین آنان سرترجمین لیبرالها و بخش وابسته ارتش موضع گرفته اند، در رأس هرم جبهه ضد خلق شیطان بزرگ آمریکای جهان خوار جای گرفته که بزرگترین دشمن خلقهای جهان بشمار میرود.

۳ - از پیش بر ما معلوم بود که آمریکا در رأس نیروهای امپریالیستی، صهیونیست، برای مقابله با انقلاب ایران تضادهای درون خلقی مذهبی، مسلکی و قومی را دامن خواهد زد و به کمک شرکتی وابسته و سرمایه داران داخلی اقتصاد ما را بحرانی خواهد نمود. هدف وی آنستکه با ابتکار یکی از دو امکان را برای خود فراهم کند.

اول - ادامه نزاعها و آشوبهای داخلی، دخالت گسترده ارتش را ضروری ساخته و به عناصر وابسته امکان تسلط بر سیاست کشور دهد. اسناد بدست آمده در سفارت آمریکا و سایر قرائن و اظهارات مقامات سیاسی و امنیتی حقیقت فوق را تأیید می کند. اسناد مزبور نشان میدهند که در آستانه پیروزی انقلاب آمریکا سعی کرد اتحاد و پیمانایی بین لیبرالیسم در حال به قدرت رسیدن و ارتش برقرار سازد و نقش مؤثری به ارتش در سیاست آینده بدهد اگر چه هشباری خلق و درایت رهبر انقلاب این مکان را بسیار ضعیف ساخته است لکن سیاست دولت موقت و ارگانهای مسئول عملاً در جهت تثبیت و تقویت موضع بخش وابسته و مناسبات غلط گذشته در ارتش بوده است و قویا جلوی رشد و تسلط نیروهای انقلابی و مستعد ارتشی و تغییر انقلابی مناسبات درونی و بیرونی آن گرفته شده است. علاوه بر توزیع اسلحه میان فئودالها در کردستان و در بلوچستان و تسجید حیات بسیاری بهشتیانها و مقررات پیشین همه در این رابطه قابل توجه است. تکیه شدید رئیس دولت لیبرال به فرماندهان نظامی و تبعه توده های انقلابی ارتش از این بینش برمی خاست.

وقتی صحبت از ارتش می کنیم ساخت کلی و مناسبات حاکم بر آن در نظر است و الا توده افسران جوان و درجه داران و سربازان چنانکه بارها نشان داده اند خود را نسبت به انقلاب خلق و رهبری آن متعهد می دانند.

ارتش با ساخت و مناسبات کنونی نه تنها قادر نیست نقش مؤثری در حمایت از انقلاب بر عهده گیرد بلکه اگر پاکسازی نشود و مناسبات درونی و بیرونی آن تغییر نکند در دراز مدت بصورت یک عامل منفی و حتی ضد انقلابی در خواهد آمد.

بعضی از طراحان سیاست آمریکا به این روند چشم امید دوخته اند.

دوم - فشار اغتشاشات داخلی و بحران اقتصادی لیبرالها را در اتحاد نزدیک با سرمایه داران و فرماندهان ارتش و ارتجاع و ادار خواهد کرد تا سیاست خارجی و داخلی کشور را در جهت حفظ و وابستگی به امپریالیسم قرار دهند آنان برای حفظ و توسعه قلمرو نفوذ قدرت خود در برابر فشار روز افزون توده ها از یکطرف و رقبای سیاسی خود از طرف دیگر ضمن ادامه تظاهر به وفاداری به آرمانهای انقلاب و خط امام عملاً دست به تشکیل جبهه ای از عوامل و نیروهای فوق الذکر زدند و کوشیدند با سرخورداری از حمایت غیر مستقیم آمریکا انقلاب را خاموش و حرکت آنرا کند و متوقف ساخته - نظامی غیر انقلابی و وابسته زیر پوشش جمهوری اسلامی بر ایران انقلابی تحمیل نمایند.

این روند تا پیش از آغاز حرکت ضد امپریالیستی اخیر در تمام ابعاد با موفقیت چشمگیری روبرو بوده است.

۴ - دولت موقت پس از بدست گرفتن قدرت می توانست ضمن سرخورداری از حمایت وسیع بی چون و چرای توده که به فرمان امام در اختیارش گذاشته شد با حل انقلابی و مکتبی مشکل قومیتها (از راه دادن خودمختاری داخلی و برقراری نظام شوراهای) و با خلق سد کامل از فئودالها و سرمایه داران وابسته از راهی و روستاها و صنایع و بانکها، هم راه را بر اجرای توطئه ها و طرحهای امپریالیسم و متحدین صهیونیست ببندد و جبهه خلق را متحد یکپارچه نگاهدارد و هم در جفا کردن سرنوشت اقتصاد کشور از منافع جهان خواران و سرمایه داران گامهای مؤثری بردارد ولی پیشتر غیر مکتبی و ماهیت لیبرالی و سازش کارانه به آنها اجازه چنین اقداماتی را نداد به عکس چنانکه دیدیم با مسلح کردن فئودالها با تشویق و حمایت از سرمایه داران وابسته و فرماندهان و سران ارتش حتی کسانی که رسماً تحت تعقیب و در مظان اتهام قرار داشتند با مخالفت با نظام شوراهای و مسامحت از تصفیه و پاکسازی ارتش و ادارات و مخالفت با قطع رابطه با مصر و متحدین امپریالیستها و صهیونیستها و برقراری رابطه با متحدین صهیونیست نظیر لیبی، عدم صمیمیت در حمایت از جنبش فلسطین و محدود کردن قلمرو فعالیت دفتر نمایندگی فلسطین و بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم ادامه میداد - مخالفت جدی با تشکیل شوراهای در کارخانجات و مقاومت در برابر استخفافات شوراهای در شهرها و ایالات و سرانجام بی محتوا کردن طرح نظام شوراهای، مقاومت در برابر طرح ملی کردن صنایع و مصادره سرمایه و اموال سرمایه داران وابسته و دزد و همد انقلاب و ادامه حمایت از آنان و قبول توأم با اگر اهرام طرح ملی کردن بانکها - در طرح دولت تنها کنترل مدیریت بانکها پیش بینی شده بود نه ملی کردن آن - و سپس با وجود تصویب طرح، حفظ نظام سوسیالیزم و استعماری بانکی رعایت کامل قرارداد استعماری نفت کنسرسیوم و عدم تسخیر آن و با بسیاری موضوعات دیگر غیر انقلابی و ضد انقلابی دیگر -

ارابه انقلاب را در سنگلاخ فرصت طلبی و محافظه کاری و ساده اندیشی بی حرکت نگاهداشتند و بندهای وابستگی به امپریالیسم را که ضربه دیده بود شروع به سفت کردن نمودند (وام به سرمایه داران، اجازه ضمنی به شرکتی استعماری خارجی) برای فعالیت در ایران (طبق اظهارات سخنگوی سابق دولت و سفیر فعلی در کشورهای اسکانندیناوی) و قرارداد جدید خرید اسلحه از آمریکا - نمونه هایی از این اقدامات دولت لیبرال در جهت وابستگی است. اشکالاتی که مسئولین دولت موقت به عنوان دلیل شکست خود ذکر می کنند، در چهار چوب برنامه های خودشان معنا و واقعیت داشت، یعنی دولت در اعاده نظم گذشته و اجرای قوانین و مقررات پیشین و تثبیت وضع ادارات و ارتش بدون کمترین اصلاح یا تغییر و تصفیه و پاکسازی انقلابی و در تحکیم موقعیت متزلزل سرمایه داران و

کارفرمایان و مدیران در کارخانه ها و تسلط بر سپاه پاسداران، دادگاههای انقلاب و برقراری نظم. البته نه نظم انقلابی و اسلامی - با کسارت مکتبی و مانع تراشی هائی از جانب کمیته ها و رقبای خود و اصلاح طلبان مذهبی مواجه گردید.

اتخاذ این سیاستها امپریالیستها را به عملکرد لیبرالیستها و متحدین آنها شدیداً امیدوار ساخت به طوری که علیرغم خطرات احتمالی در پناه دادن به شاه درنگ نکردند و به عکس العمل نرم و سازشکارانه دولت امیدوار شدند. ماهیت و منشی نیروهای متحده پنجگانه فوق از نظر طراحان سیاست در آمریکا پنهان نبود و تضاد آنها را با سازش ناپذیری امام خمینی از قبل میدانستند و در جریان انقلاب بطور عینی مشاهده و تجربه کرده بودند. لذا برای تخفیف این تضاد دست بکوششهایی زدند. واسطه ها و دلالانی ترسیدند (از آن جمله شخصی بنام روغنی که نامش و وظیفه اش در اسناد سفارت افشا گردید).

۵ - فرصت ده ماهه به لیبرالها و همکارانشان اجازه داد تا هر چه در چنته دارند رو کنند و تضاد و ماهیت آنان با گفتمان آشکار شود ولی ضایعات این ده ماه برای انقلاب و ملت بسیار سنگین بود و هست - فاجعه کردستان و آشوبهای ایالات مختلف و دیگر اغتشاشات و رشد و نفوذ وسیع عناصر ساواک در دستگاههای اداری و دولتی و در محافل دادگاهها و کمیته ها و رشد ضد انقلاب و فرصت طلبان، تجمع و اتحاد سرمایه داران و فئودالها و سرترجمین و تبلیغات وسیع و کسارت مکتبی های بی دینی علیه انقلاب، بی اعتنائی به خواسته های برحق برادران کرد - عرب، ترک، ترکمن، بلوچ و فارس و کارگران و دهقانان و روشنفکران انقلابی و متعهد و تأخیر در اجرای برنامه اقتصادی جهت قطع وابستگی و عملکرد منفی و گاه ضد انقلابی رادبو و تلویزیون و بی اعتنائی به تبلیغات و معرفی انقلاب در سطح جهانی و جستجوی متحدین و طرفداران در بین ملت اسیر و مستضعف و آزاد جهان همه از آثار ده ماه زمامداری لیبرالها و متحدین آنان است.

عمل انقلابی دانشجویان مبارز و مستعد در اشغال لانه جاسوسی آمریکا و تأیید امام خمینی نسبت به آغاز مرحله جدید انقلاب علیه امپریالیسم آمریکا - خط سلطان بر کارنامه و عملکرد دست اندران کاران دوره فترت کشید و ارابه انقلاب را از گلولای محافظه کاری و سازشکاری بیرون کشید. بازوان نیرومند توده مبارز به حرکت آمد و چرخهای سنگین را به پیش راند و لانه را بر سر جاسوسان خراب کرد و امید تازه ای در دلهای خلق افکند. امام قاطعانه در پیشاپیش خلق خشمگین برجم مبارزه ضد امپریالیستی را گرفته و در این راه با گامهای استوار به پیش رفت - سازشکاران بدست و پا افتادند، و شیطان بزرگ سپاه خود را بسج کرد، توطئه ها برای سازش آغاز گردید.

۶ - به اعتقاد ما استراتژی آمریکا در مقابله با مبارزه ضد امپریالیستی فعلی و گروگان گیری در سفارت - حرکت بسوی سازش و مصالحه است تهدیدهای نظامی حتی اگر مرحله اجرا هم در آید صرفاً تاکتیکی است برای تحمیل یک راه حل سازشکارانه است. محافل سازشکار در ابتدا برای حل مسالمت آمیز قضیه تلاشهایی کردند که با مخالفت دانشجویان و امام خمینی مواجه شدند، محافل لیبرالیستی و متحدین آنان - عمل اشغال لانه جاسوسی آمریکا را صرفاً یک عمل انتقامی و با مقابله ای با پناه دادن بشاه تلقی می کردند و آنرا با موازین دیپلماسی و عرف سیاسی مخالف می دیدند.

و حتی آنرا به تمسخر نوزاد جدید انقلاب! خواندند!

آنها قادر به حرکت مفهوم انقلاب نیستند و نمی دانند که انقلاب قوانین و عرف خاص خود دارد. و انقلاب از آنرو انقلاب است که کلیه قراردادها و قوانین و سنتهای نظامات طبقاتی - سرمایه داری و استعماری را باطل می شمارد. آمریکا با وجود جواب قاطع ملت و رهبر انقلاب مایوس نشد و از چند جهت انقلاب را زیر فشار قرار داد تا بتواند راه حل سازش را به ملت تحمیل کند.

الف - تبلیغات وسیع در سطح جهانی علیه انقلاب ایران.

ب - بسج ملت آمریکا علیه دانشجویان

ایرانی و علیه انقلاب ایران. ج - تهدید نظامی. د - محاصره محدود اقتصادی و تهدید و تلاش برای کامل کردن محاصره اقتصادی. ه - تشدید تحریکات داخلی - دامن زدن به اغتشاشات و آشوبها و بسج کامل مزدوران ساواک - فئودالها و ایجاد شورشیهای منطقه ای در سراسر ایران.

و - تشویق غیر مستقیم نیروهای لیبرال - مرتجعین و سرمایه داران و فئودالها و فرصت طلبان به همبستگی و اتحاد علیه انقلاب و رهبر آن امام خمینی.

آشوبهای بلوچستان - قم - تبریز از نتایج تازه این تحریکات بشمار می روند. لازم به یادآوری است که اولاً فئودالهای شورشی در بلوچستان همانها هستند که چندی پیش مقداری اسلحه از مقامات مسئول دریافت کردند تا نظم منطقه را حفظ کنند! همین برنامه در استانهای کردستان و خوزستان هم اجرا گردید.

ثانیاً - عناصری چون مقدم مراغه ای، سابقه شان برای نیروهای مبارز ناشناخته نبود. و از قبل دلائل کافی برای عدم اعتماد و طرد آنها وجود داشت - دلالی که حکایت از ضعف اخلاقی و خصلی و انحراف در روش سیاسی و سازشکاری و وابستگی آنها میکرد اما علیرغم مخالفت مبارزان آگاه محافل لیبرال و رئیس دولت موقت آنان را به جرم مبارزین علیه رژیم وارد کردند و به صورت شورا و کمیته های مرکزی جبهه ملی و حقوق بشر و نظارت آن رساندند و سپس وارد کابینه ساختند و مورد حمایت پدیدار قرار دادند.

در حالی که وابستگی آنان با سیاست آمریکا از اولین بیانیه مهم سیاسی شان آشکار بود که در آن نفت را یک مسئله صرفاً اقتصادی تلقی کرده و نوشته بودند نباید از آن به عنوان یک حربه سیاسی استفاده نمود. با وجود تذکرات و هشدارهای زیاد باز هم به آنها اعتماد شد. البته سخنی مشترک لیبرالیسم با این محافل و با ارتجاع همکاری و ارتباط نزدیک را بین آنها از سالها پیش به طور مداوم بوجود آورده بود.

لذا علیرغم تظاهر به حرکت در خط انقلاب و خط امام بیو نشان با آن محافل و نیروها قطع نگردید.

ز - جلو انداختن عناصری چون کسندی (وابسته به محافل صهیونیست) و اندرویانگ منافق و والسنه به (اف بی آی) آمریکا برای پهن کردن تله فریبنده حمایت از انقلاب ایران و مخالفت با سیاست خشن کارتر. این عناصر شیطان صفت در هدف و خواستشان کمترین اختلافی با محافل تجارز کار حاکم آمریکا ندارند و همه یک برنامه و یک مقصود را دنبال میکنند اعزام نمایندگان صلح و آشتی و دوستی و اظهارات بشردوستانه آقایان همه برای تحمیل یک سازش و متوقف ساختن مبارزه ضد امپریالیستی خلق است.

ح - آمریکا میگوید با اقدامات فوق موضوع محافل سازش کار داخلی را در برابر توده و دانشجویان انقلابی و شخص امام خمینی تقویت کند به آنها دلیل کافی و حمایت سیاسی و تبلیغاتی و معنوی لازم بدهد. تا بتواند امام و امت را در مسیر دلخواهشان قرار داده مبارزه را منحرف و عقیم سازند.

ضعف ارگانهای رهبری در پیشبرد حرکت ضد امپریالیستی

۷ - هم اکنون امام و دانشجویان مبارز و کل مبارزه ضد امپریالیستی خلق زیر فشار همه جانبه امپریالیسم و مزدوران و محافل سازشکار وابسته به آن قرار دارد. با کمال تأسف باید اذعان کرد که ارگانهای تصمیم گیر و اجرایی قدرت و ظرفیت مقابله با این توطئه ها و تسون همراهی و همگامی، چه رسد به پیشتازی با مبارزه ضد امپریالیستی خلق و خط حرکت امام را ندارند این حقیقت را تجربه ده ماه گذشته بسخوبی ثابت کرده است. با منشی انحصار طلبانه و تنگ نظرانه، نیروهای جوان و انقلابی را برآکنده و منزوی ساختن و انقلاب را از بسیاری از استعدادهای فکری و عملی خویش محروم نمودند. ارگانها و نهادهایی چون سپاه پاسداران، کمیته ها، بنیاد مستضعفان، و نظایر آن زیر فشار همه جانبه عناصر فرصت طلب و سرمایه دار و یا محافظه کار اصلاح طلب و یا قشری مرتجع از

تحرك و رشد و پالندگی و خلافت بازماندند. تضادهای درونی نظیر اسلام و کسوتیزم، التقاطی و اصیل و... را دامن زده شد. بسیاری افراد صادق و مؤمن به انقلاب از دستگاههای اجرایی و تبلیغاتی بیرون رانده شدند تصفیه فقط شامل جوانان مترقی گردید. هر کس تسلط یک جانبه و مطلق آنان را قبول نداشت از مسئولیت حذف گردید. مرتجعین و سرمایه داران و فرصت طلبان و همه کسانی که سهمی در مبارزه نداشتند با پیشهای قشری و محافظه کاری شدید که حتی مخالف با مبارزه و انقلاب و یا نسبت به شان بی تفاوت بودند در رأس امور حساس نهاده شدند فرزندان راستین انقلاب اکثر طرد و مورد اتهام و زیر فشار قرار گرفته به عکس عاقبت طلبانی که تمام مدت آسوده و بی خیال در پستهای حساس و مهم و در کتفا و کارخانجات و مفاطمه کار بها مشغول جمع آوری پول بودند و حداکثر کار آنها تحسین و تصدیق کار مبارزان و انقلابیون و شرکت در مساجد و تکاپا بود پیشرو و پیشتاز و انقلابی شدند. تظاهرات به بودن در خط امام و حمایت از مبارزه ضد امپریالیستی نمی تواند ملاک صلاحیت و ارزش افراد و گروهها باشد.

آنچه ظرف ایستند رخ داد از توسعه و اغتشاشات در غالب ایالات و رشد ضد انقلاب و باقیماندن نهادهای سوسیالیزم پیشین و آسیب پذیری انقلاب همه نتیجه ماهیت مجموعه قدرت حاکم در این مدت بوده است. از جمله اصلاح طلبان مذهبی در دولت و دورا عمدتاً وقت را صرف قهقه کردن مؤسسات و مراکز قدرت کردند.

با وجود رقابت بین دو جناح لیبرال و رفرمیست هیئت حاکمه در ماهیت از سنخیت مشترکی برخوردارند و لذا به آسانی متحد می شوند و عملکرد مشترک پیدا می کنند چنانکه از هم اکنون برای اشغال کرسیهای پارلمان و معرفی نامزدهای ریاست جمهوری این رقابت که گهگاه که با اتحاد می انجامد اوج گرفته است.

۸ - مبارزه کنونی علیرغم تلاشی که از جانب همه محافل سازشکار و همچنین توسط مراکز تبلیغاتی امپریالیستی و صهیونیستی صورت می گیرد و محدود به برگرداندن شاه و یا محاکمه جاسوسان سفارت نیست که آقای اندرویانگ اظهار اطمینان کرده است بلافاصله بعد از محاکمه آزاد خواهند شد و قضیه فیصله خواهد یافت.

بلکه چنانکه رهبر انقلاب امام خمینی اعلام کردند این مبارزه باید تا قطع کامل وابستگی های سیاسی نظامی و اقتصادی با آمریکا ادامه یابد.

۹ - با توجه به ضعف و ناتوانی ارگانهای مسئول و عناصر در رأس کار به همگامی قاطع و سازش ناپذیر با این مبارزه - برای رهبر انقلاب همانند گذشته تکیه گاه مطمئن جز توده های مستضعف و انقلابی جهان برکف و جسران و دانشجویان صادق و متعهد و وفادار به انقلاب باقی نمی ماند این حقیقت را همه باید بدانند. از این رو با توجه به همه توطئه های رنگارنگ دشمن از جمله حمله صلح که هدفی جز متوقف ساختن مبارزه ای که همه منافع سیاسی اقتصادی و نظامی آمریکا را نه فقط در ایران که در همه منطقه بخاطر انداخته و در صورت تداوم و توسعه پایه های امپراطوری جهانی آنرا فرو خواهد ریخت ندارد مقابله قاطع با دشمن غدار و حیل گر بدون یک تحول عمیق در ارگانهای اجرایی فعلی ممکن نخواهد بود.

ضرورت های قبل از اجرای قانون اساسی

۱۰ - شتابی که در انتخاب رئیس جمهور و اجرای قانون اساسی فعلی به رخ داده میشود خود دلیل آشکاری بر پیشش غیرانقلابی و هدفهای قدرت طلبانه است اجرایی قانون اساسی فعلی که ضعفهای اساسی دارد و به کرسی نشانند تعدادی نماینده در مجلس و شخصی بنام رئیس جمهور برخلاف استدلال آقایان دردهای کشور را دوا نمی کند و اوضاع را تثبیت نمی نماید. به کسانی که صادقانه چنین تصویری دارند باید گفت این نحوه قضاوت نشانه برخورد سطحی با مسائل انقلاب و جامعه است جامعه ما برای یافتن یک نظم و بنیاد انقلابی به تغییرات بنیانی و یا چنانکه امام فرمودند بسبب انقلاب دیگر احتیاج دارد به بنظر ما این ضرب الاجل برای اجرای قانون اساسی به نفع انقلاب نبوده لازم است ابتدا طی یک دوره شش ماهه یا یکساله با اجرای برنامه های ضربتی تغییرات بنیانی برای آزاد شدن نیروهای خلقی و محرو

بقیه در صفحه ۷

بیانیه سیاسی جنبش مسلمانان مبارز

بقیه از صفحه ۶

قدرتهای ضدانقلاب انجام گیرد. باتوجه به این سندی حقیقت که هنوز عناصر و نیروهای ضدانقلاب و فرصتطلب در همهجا پراکنده و دارای موقعیت و نفوذ کافی هستند اکثریت توده کارگر و دهقان همچنان اسیر مناسبات استعماری و سلطه گرانه پیشین می باشد.

و هنوز ارتش و سازمانهای اداری تصفیه نشده و بحران سیاسی و اجتماعی و آنتیپ در بسیاری نقاط روستا می باشد و با توجه به اینستکه مسائل قومیتها حل نشده، و نظام نوراها بر حرحه اجرا گذاشته نشده، و قانون اساسی اصلاح و تکمیل نگردیده، آغاز انتخابات مجلس و ریاست جمهوری هرگز بصلحت انقلاب نخواهد بود.

اجرای قانون اساسی و پی ریزی نهادهای استقرار نظم مورد نظر قبل از تأمین شرایط فوق بدون تردید کشور را به مسیر خطرناکی که در هر حال جهت اسلام و انقلاب اسلامی و خط امام خمینی نخواهد بود می کشاند.

مشخصات خط امام

۱۱ - ما خط امام خمینی را با خصوصیات زیر می شناسیم و نقاط برجسته ای که این خط را بهم متصل می سازد اینگونه می بینیم.

اول - مبارزه ضدامپریالیستی تا وصول به استقلال واقعی در اقتصاد - سیاست و فرهنگ از غرب استثمارگر و سرمایه دار.

دوم - حمایت از مستضعفان و تکیه بر نیروی آنها برای از میان برداشتن همه آثار ظلم و استثمار و اختلاف طبقاتی.

سوم - رعایت دقیق معیارها و اصول مکتبی اسلام برای پی ریزی جامعه اسلامی نظیر جامعه مدینه عصر پیامبر و امام علی بن ابیطالب. ۱۲ - انقلاب اسلامی ایران تنها بشرطی بر موانع پیشمار و دشمنان متعدد و توطئه های بی دریغ غلبه خواهد کرد و بشرطی موفق به تحقق آرمانهای خود خواهد شد که از آزادی عقیده را صمیمانه محترم شمرده و پاس دارد عدالت را با نغی کامل طبقات دستگیر سلطه جو برای همه خلق تأمین کند - و صداقت و تقوی را مبنای کار و مناسبات درونی و بیرونی خویش قرار دهد و با ایجاد این روشها همه نیروهای اصیل و استعدادهای خلاق جامعه جذب و متحد شده بکار خلاق و سازنده مشغول میشوند.

نتایج اشغال سفارت

۱۳ - اشغال لانه جاسوسی آمریکا و اوج گیری بارزه ضدامپریالیستی تا این مرحله نتایج رضانی برای خلقهای ضداستعمار و بهزیان منافع جهانی امپریالیسم بسیار آورده است که اهم آنها عبارتند از: حرکت و بسیج مجدد توده ها و رشد آگاهیهای سیاسی آنها. تخفیف تضادهای درون خلقی و بی اعتبار شدن شعارهای انحرافی و ساز زدین تضاد عمده خلق با امپریالیسم، شناخته شدن پایگاههای امپریالیسم در داخل، سرمایه داری و فئودالیسم و آشکار شدن چهره متحدین و نیروهای سازش کار و محافظه کار، مرتجعین، لیبرالها و اصلاح طلبان، جدا کردن صف این محافل ارتجاعی سازشکار و محافظه کار از صف توده های انقلابی و مشخص تر کردن خط حرکت انقلاب و امام، تأثیر جدی بر توده های ضداستعمار جهان و ایجاد یک حرکت جدید ضدامپریالیستی در منطقه و در سرزمینهای زیر سلطه، نزدیک کردن نیروهای ضداستعمار حول محور انقلاب ایران، ادامه این مبارزه دستاوردهای فوق را تکامل داده پیروزیهای بزرگتری را نصیب ملت ایران خواهد کرد شرط تداوم این مبارزه آن است که هرگز مبارزه ضدامپریالیستی را در استرداد شاه و یا محاکمه جاسوسان و یک سلسله شعارهای ضدامریکائی محدود نکرده مبارزه جدی با منافع و پایگاهها و منظور قطع وابستگیها آغاز و ادامه یابد.

وظایف و پیشنهادات

هموطنان، مردم مسلمان مبارز ایران

اکنون همه ما در برابر مسئولیتهای تاریخی سرنوشت ساز خویش قرار داریم و باید با آگاهی،

هنیاری و ایمنان و سرسختی و فداکاری تزلزل ناپذیر آنها را بسوی کشیده به مقصد نزدیک شویم.

وظایف اساسی فوری ما در حال حاضر در موارد زیر خلاصه میشود.

اول - حفظ اتحاد و یکپارچگی در مبارزه مشترک با دشمن غدار و کینه توز و پرهیز از هر نوع اختلاف و درگیری فرعی و غیر اصولی که موجب تضعیف جبهه خلق در برابر امپریالیسم می شود لازمه تحقق وحدت و انسجام در این مبارزه سرنوشت ساز تکیه بر اصول اساسی مکتب و پیروی از معیارهای اخلاقی انقلابی و اسلامی، پرهیز از گروه گرایی غیر اصولی و خودمحرورینی. اولویت دادن به مبارزه ضداستعمار و پایگاههای آن و رسوا کردن چهره های نفاق، سازشکاری و فرصت طلبی و ارتجاع و محافظه کار است.

دوم - مبارزه همه جانبه با عوامل دشمن و مستعدین آن در داخل، رسوا کردن و معرفی شان به خلق.

سوم - خودداری از مصرف کالاهای غیر ضروری خارجی و تقلیل مصرف اشیاء ضروری به حداقل ممکن، کاهش عمومی مصرف.

چهارم - افزودن بر تولید داخلی در رشته صنایع و کشاورزی.

پنجم - شرکت فعال در مبارزه برای ریشه کن کردن فئودالیسم و سرمایه داری ارضی و دادن زمین و وسائل کشت به دهقانان و خلق پید از سرمایه داری وابسته و تصفیه سازمانهای دولتی و نظامی از عناصر وابسته و مزدور و دزد و فاسد و ضدانقلاب و بطور کلی مناسبات پوسیده پیشین.

ششم - حمایت کامل از جبهه مبارزه ضدامپریالیستی برهبری امام خمینی در برابر فشار روز افزون ارتجاع، سرمایه داری، لیبرالیسم سازشکاران و فرصت طلبان و منافقان.

پیشنهادهای

اول - در زمینه مبارزه ضدامپریالیستی - بعد سیاسی

برای مقابله با تهدید دشمن و ادامه مبارزه تا پیروزی و ایجاد شرایط مناسب و مساعد جهت استقرار نظم تازه و قانونی انجام اقدامات زیر را ضروری می دانیم.

۱ - تصفیه بنیادی کادرها و ارکانهای تصمیم گیری و اجرایی بسنظور تصفیه عناصر سازشکار و محافظه کار و تقویت آن به کمک همه عناصر جوان و انقلابی و برخوردار از پیشش مکتبی و صداقت و وفاداری به انقلاب.

۲ - قطع امید کامل از جماع رسمی بین المللی و محکوم کردن حملات فریبنده صلح نمایندگان روه صفت امپریالیسم آمریکا.

۳ - تسریع در محاکمه جاسوسان و خاتمه دادن به حالت وانمود شده «گروگان گیری».

۴ - افشای سریع تر همه اسنادی که چهره منافقان جاسوسان و سازشکاران را بر سر ملا و توطئه های امپریالیسم و سیا را در کشورهای زیر سلطه را آشکار می کند. علاوه بر اسناد بدست آمده در لانه جاسوسی لازم است کلیه اسنادی که در سفارتخانه های ایران در آمریکا و سایر دول استعمار گر موجود بوده و همچنین اسناد اطلاعات بدست آمده از مراکز ساواک به وسیله شورا سنی زیر نظر امام سرعت بررسی و افشا شوند.

۵ - تأمین وحدت و انسجام جبهه داخلی، با حل سریع مساله قومیتها از طریق اجرای فرمان امام داتر به دادن خودمختاری در امور داخلی به کلیه اقوام و مردم ایالات و تشکیل شوراها با محتوای اصیل اسلامی.

دوم - برنامه های اقتصادی و اجتماعی

۶ - تهیه مقدمات قطع رابطه سیاسی و اقتصادی و نظامی با آمریکا با اجرای برنامه های زیر:

الف - تسریع برنامه مبارزه ضدفئودالی و تقسیم اراضی بین دهقانان در سراسر کشور.

ب - اعطای اعتبارات مالی و فنی لازم به کشاورزان جهت توسعه کشت و زرع و دامداری.

ج - تهیه سریع وسایل مکانیکی کشاورزی و راه سازی و کسود و بسنزد از کشورهای دوست و ضداستعمار به مقدار کافی بطور نقد و از راه گرفتن اعتبار - بسنظور کمک به بسیج عمومی در کشاورزی و جاده سازی و نهفت بازگشت بهروستا.

د - بسیج و اعزام دانشجو یوان داوطلب و دبلیه های بیکار و کلیه کارمندان زائد ادارات برای کار در مزارع جاده ها، کارگاهها و دیگر بخشهای تولیدی.

ه - خلق پید کامل از سرمایه داران وابسته و کنترل همه صنایع مونتاژ توسط دولت و اداره آن توسط شوراهای کارکنان - و جلوگیری سریع از هرگونه نقل و انتقال مالکتهای صنعتی - کشاورزی - دامپروری و خروج ارز از کشور و همچنین کنترل کامل تجارت خارجی توسط دولت و زیر نظر یک شورای اسلامی تجارت.

و - دادن اعتبار نقدی و خرید وسائل و لوازم صنایع کوچک، دستی و روستائی از کشورهای دوست و هد استعمار بسنظور تقویت و توسعه.

ز - طرح ریزی برای استفاده بهتر از کارخانجات ماشین سازی و ذوب فلزات تبریز، اراک و اهواز و کارخانجات صنایع تسلیحات ارتش بسنظور ساخت ابزار و قطعات فلزی مورد نیاز در داخل و تغییر برنامه کارخانجات مونتاژ نظیر ایران ناسیونال - از تولید اتومبیل سواری و کالاهای غیر ضروری به مصنوعات تولیدی مورد نیاز.

ح - تغییر آئین نامه سوراها و تنظیم یک آئین نامه بر محتوا و مکتبی و تشکیل و توسعه نظام شورائی در همه سطوح روستاها، کارخانجات، شهرها و ایالات شوراها به کمک راهنمایان مکتبی بنا به موقعیتی که دارند وظایف اساسی زیر را انجام دهند: امر مبارزه با فئودالیسم و سرمایه داری ارضی، خلق پید از سرمایه داری وابسته، تصفیه ادارات و ارتش - اداره و نظارت بر تولید در مزارع و کارخانجات و کار در ادارات و دستگاههای انتظامی، آموزش عمومی اسلحه و مقاومت و تشکیل هسته های مسلح وابسته به ارتش مقاومت در هر مزرعه، دهکده، کارخانه، موسسه، اداره، محله و مدرسه و دانشکده.

آموزش سیاسی برای انجام بهتر وظایف هر شهروند و آموزش فنی برای ارتقاء کسی و کیفی تولید و خدمات.

سوم - در سیاست خارجی

۷ - اقدام به تشکیل جبهه متحد مسلح ضداستعمار حول محور انقلاب ایران و تبدیل ایران به مهمترین پایگاه مبارزان ضدامپریالیست - به اعتقاد ما انقلاب ایران دارای چنان ظرفیتی از لحاظ پیشش مکتبی و قدرت مقاومت توده ای است که می تواند قیله گاه خلقهای مستضعف جهان گردد - در ماههای گذشته دولت و شورا بنا به خصصتهای مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا فقط در مقیاس جهانی به نتیجه می رسد - باید از حیاست قاطع کشورهای نظیر لیبی و الجزایر از انقلاب ایران استقبال کرد باید تهران به مرکز تجمع نمایندگان جنبش های آزادی بخش تبدیل شود باید ایران در ایجاد وحدت و همبستگی سیاسی - اقتصادی و نظامی بین ملتها و دولتهای ضداستعمار پیشقدم شود - باید به انقلاب فلسطین و به مسئله های اسیر جنگال ارتجاع و امپریالیسم در منطقه توجه بیشتری گردد

بیاد آوریم که مصر بعد از انقلاب سال ۵۲ هم پایگاه همه نیروها و ملل در حال مبارزه برای آزادی و استقلال گردید و همه جنبشهای آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین از حمایت های مالی - معنوی و سیاسی مصر انقلابی برخوردار بودند ضرورت هر انقلاب اصیل آستکه از ملل محروم و مستبدیده و مبارز حمایت کند و با آنها متحد شود.

درخواست از رهبر انقلاب

۸ - سرانجام یک درخواست هم از امام و رهبر سلطنتی صایوس است امیدوار است با نیرنگها و

انقلاب ایران داریم.

آموزش مکتبی و شاگردی در مکتب و سنت رسول اکرم و ائمه و پیشوایان بزرگمان بهما اجازه طرح چنین درخواستی از امام است می دهد. تجربه دوماه گذشته ثابت کرد که روش و طرز عمل و بیستنی فکری و منشی سیاسی دست اندر کاران ر مسئولین امور در دولت و شورا در مجموع بنا مقتضیات و ضرورت های انقلاب و پیچیدگی مبارزه و شرایط موجود متناسب و هماهنگی ندارد این بدان معنا نیست که همه عناصر مسئول از صداقت و علاقمندی به انقلاب و مملکت بی بهره اند و یا کلاً همگی فاقد صلاحیت برای قبول مسئولیتهای می باشند

هرگز - مجموعه و ترکیب کلی ارگانهای موجود از ایفای نقش و وظایف خود عاجز می باشند در این مدت فرصتهای گرانبهایی را از دست دادیم و ضایعاتی بر ما وارد شد و عهده نیروهای جوان و انقلابی و صادق و وفادار از گرد دستگاههای رهبری پراکنده شدند آنان سعه صدر و بیستنی وسیع و مکتبی لازم برای بسیج و استفاده از همه استعداد های فکری و انقلابی ملت را ندارند - میبایست توده مسلمان و فداکار با اعتماد کامل که بهما دارند به فرمان شما همه توان و نیروی خود را در اختیار آنها گذاشته و بارها با تأیید و اشاره شما بدانها رأی اعتماد دادند - ولی نتوانستند از این اعتماد و قدرت لایزال توده به نفع انقلاب بهره گیرند در برابر جبهه متحد ضدانقلاب که هم اکنون همه نیروهای فرصت طلب، لیبرال منافق و سرمایه دار و فئودال و مزدور را گرد خود جمع کرده است - ما به استعداد همه نیروهای اصیل انقلابی احتیاج داریم، ارکانهای رهبری و دستگاههای تبلیغاتی و آموزشی را طبق یک برنامه منظم از هر عنصر مکتبی و اصیل انقلابی تصفیه می کنند تصفیه ای که فقط باید عناصر ضدانقلاب و فاسد را در برگیرد شامل همه کسانی هم میشود که چتر رهبری آنها را بر سر ندارند و در فکر و اندیشه و منشی یا آنها هم سلیقه نیستند آنان خط امام را بر طبق مذاق و بیستنی و مصلحت فردی و گروهی خویش معنا و تفسیر می کنند این طرز عمل برای انقلاب سم مهلک است.

شرط پیروزی انقلاب

کاش آقایان توصیه یکی از روحانیون (از شاگردان برجسته امام) را در روزهای پس از پیروزی راهنشی خویش قرار می دادند که با این مضمون تأکید می کرد اگر از آزادی عقیده را (که جوهر اصیل توحید و مکتب اسلام است) رعایت نکنید و به تئور فکری دست بزنید، اگر عدالت را احیاء نکنید و جامعه بی طبقه توحیدی و اسلامی بوجود نیایرید و استثمار و ظلم را ریشه کن نسازید - قطعاً انقلاب اسلامی را با شکست مواجه خواهید ساخت ما با اطمینان و امید به صداقت و تقوا سرسختی و ایمنان خدشه ناپذیر آن رهبر و پدربزرگوار انتظار داریم تا فرصت باقی است و تا انقلاب و خلق از برکت وجود ایشان بهره مند است کاری نکنند تا انقلاب را بر پایه یک نظام متن مکتبی و انقلابی قرار گیرد - نفس قانون اساسی - بر فرض هم کاملاً اسلامی و مکتبی باشد جدا از فرایط و جدا از نیروهای مسلط بر جامعه عملاً ارزشی ندارد در نهفت مشروطیت یک قانون اساسی که در زمان خود تا حدود زیادی به نفع ملت بود تنظیم شد. اما اجرای آن همان مقدار هم آزادی و استقلال و رفاه و عدالت برای ملت نیارود زیرا انقلابیون و آزادیخواهان واقعی بر کشور حکومت نمی کردند - زیرا عوامل استعمار در همه جا رسوخ داشتند زیرا متحدین - که به پیشش غریب داشتند - کارها را بدست گرفتند - زیرا مستبدین و اعیان و اشراف لایس مشروطه خواهی پیوسیدند و مسفدان و زندان از مسجات معصون ماندند و انقلابیون همه پراکنده و طرد شده نیروهای انتظامی در دست افراد غیراصیل و یا وابسته باقی ماند - اگر این نوع عوامل و نیروها و عناصر از سراز قدرت سیاسی - اقتصادی و فرهنگی و نظامی حذف نشوند - اگر کار بدست مردم و نیروهای صادق و مکتبی نیفتند - اگر قدرت بازبچه خودخواهی - جاه طلبی و گروه بازی و برتری جویی شود - و فرصت طلبی هم چنان مسفدان عمل داشته باشد قانون اساسی جمهوری اسلامی نمی تواند جلوی انحراف مسیر انقلاب را بگیرد - هم چنانکه در قانون اساسی مشروطه حتی پیش بینی حضور مراجع در مجلس هم نتوانست از ظهور دیکتاتوری، ظلم و

دستگیری بیشتر استعمار جلوگیری کند - جمهوری اسلامی پاکستان - حکومت اسلامی عربستان و نظایر آن هم طاهری اسلامی و باطنی غیر اسلامی دارند آمریکا از سرگرداندن رژیم سلطنتی صایوس است امیدوار است با نیرنگها و

اعمال نفوذ خود جمهوری اسلامی ایران را بی خطر سازد، بی خطر برای منافع خویش و وابستگان به خود - گوشه و کنار سیاست داران و طراحان سیاسی آنان هم کار نشان بهانگر این آرزوست که جمهوری اسلامی ایران بگونه ای متحول شود که در کنار و موافق منافع آنها حرکت کند. آنگاه ممکن است چنانکه خود بارها ابراز نگرانی کرده اید نام جمهوری اسلامی بماند ولی محتوای اسلام و انقلاب و مکتب از بین برود و این شکست اسلام خواهد بود.

راه ما راه علی است

ما راهی جز بسیمون راه امام بزرگوار علی ابن ابیطالب نداریم که برای محتوای اسلام و نجات مکتب جهاد فرموده و شهید شد. دشمنان امام و اسلام هم در آنوقت هم چنانکه باز هم خودتان بکرات تأکید فرمودید با اسم اسلام و خلافت اسلامی مخالف نشوند - مثال دوستان، قدرت طلبها، اشراف، دشمنان دین در لباس اسلام و خلافت اسلامی - انقلاب اسلامی را منحرف ساختند.

قرآن و سنت رسول اکرم - قانون اساسی اسلام - در میان بود و مورد احترام و طهار آستنی کار - اما واقعیت آن لگمعال و طرد شده بود بعد از پیامبر اکرم کار از دست رهبری اصیل انقلاب خارج گشت آنها که قوم و قبیله و نفوذ فکری و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی داشتند مردم را به نام پیامبر و نام اسلام بدنیال کشاندند - بسیاری از آنان بظاهر صحابی و همگام و همراه رسول اکرم بودند ولی این همراهی و دوستی، بعد هم تظاهر به ادامه راه پیامبر امام علی ابن ابیطالب طرد و اسلام حقیقی مسخ و بازبچه مطامع و منافع و قدرت طلبی ها و رقابتها قرار گیرد.

ای امام امت چشم خلقی ستمدیده و چشمهای خلقهای ستمدیده جهان از آمریکا تا آفریقا، از خاورمیانه تا اقصی نقاط آسیا هم اکنون به تصمیمات و اقدامات شما دوخته است و همه نگران و امیدوار به انقلاب اسلامی ایران اند می خواهند ببینند اسلام بعد از چهارده قرن چگونه از آزادی - عدالت و انسانیت را برای مردم رنجیده به ارفغان می آورد و حاکمیت، مالکیت الله را بدست مستضعفان مؤمن و متقی تحقق می یابد.

ای امام امت چشم خلقی ستمدیده و چشمهای خلقهای ستمدیده جهان از آمریکا تا آفریقا، از خاورمیانه تا اقصی نقاط آسیا هم اکنون به تصمیمات و اقدامات شما دوخته است و همه نگران و امیدوار به انقلاب اسلامی ایران اند می خواهند ببینند اسلام بعد از چهارده قرن چگونه از آزادی - عدالت و انسانیت را برای مردم رنجیده به ارفغان می آورد و حاکمیت، مالکیت الله را بدست مستضعفان مؤمن و متقی تحقق می یابد.

ای امام امت چشم خلقی ستمدیده و چشمهای خلقهای ستمدیده جهان از آمریکا تا آفریقا، از خاورمیانه تا اقصی نقاط آسیا هم اکنون به تصمیمات و اقدامات شما دوخته است و همه نگران و امیدوار به انقلاب اسلامی ایران اند می خواهند ببینند اسلام بعد از چهارده قرن چگونه از آزادی - عدالت و انسانیت را برای مردم رنجیده به ارفغان می آورد و حاکمیت، مالکیت الله را بدست مستضعفان مؤمن و متقی تحقق می یابد.

ای امام امت چشم خلقی ستمدیده و چشمهای خلقهای ستمدیده جهان از آمریکا تا آفریقا، از خاورمیانه تا اقصی نقاط آسیا هم اکنون به تصمیمات و اقدامات شما دوخته است و همه نگران و امیدوار به انقلاب اسلامی ایران اند می خواهند ببینند اسلام بعد از چهارده قرن چگونه از آزادی - عدالت و انسانیت را برای مردم رنجیده به ارفغان می آورد و حاکمیت، مالکیت الله را بدست مستضعفان مؤمن و متقی تحقق می یابد.

ای امام امت چشم خلقی ستمدیده و چشمهای خلقهای ستمدیده جهان از آمریکا تا آفریقا، از خاورمیانه تا اقصی نقاط آسیا هم اکنون به تصمیمات و اقدامات شما دوخته است و همه نگران و امیدوار به انقلاب اسلامی ایران اند می خواهند ببینند اسلام بعد از چهارده قرن چگونه از آزادی - عدالت و انسانیت را برای مردم رنجیده به ارفغان می آورد و حاکمیت، مالکیت الله را بدست مستضعفان مؤمن و متقی تحقق می یابد.

ای امام امت چشم خلقی ستمدیده و چشمهای خلقهای ستمدیده جهان از آمریکا تا آفریقا، از خاورمیانه تا اقصی نقاط آسیا هم اکنون به تصمیمات و اقدامات شما دوخته است و همه نگران و امیدوار به انقلاب اسلامی ایران اند می خواهند ببینند اسلام بعد از چهارده قرن چگونه از آزادی - عدالت و انسانیت را برای مردم رنجیده به ارفغان می آورد و حاکمیت، مالکیت الله را بدست مستضعفان مؤمن و متقی تحقق می یابد.

ای امام امت چشم خلقی ستمدیده و چشمهای خلقهای ستمدیده جهان از آمریکا تا آفریقا، از خاورمیانه تا اقصی نقاط آسیا هم اکنون به تصمیمات و اقدامات شما دوخته است و همه نگران و امیدوار به انقلاب اسلامی ایران اند می خواهند ببینند اسلام بعد از چهارده قرن چگونه از آزادی - عدالت و انسانیت را برای مردم رنجیده به ارفغان می آورد و حاکمیت، مالکیت الله را بدست مستضعفان مؤمن و متقی تحقق می یابد.

ای امام امت چشم خلقی ستمدیده و چشمهای خلقهای ستمدیده جهان از آمریکا تا آفریقا، از خاورمیانه تا اقصی نقاط آسیا هم اکنون به تصمیمات و اقدامات شما دوخته است و همه نگران و امیدوار به انقلاب اسلامی ایران اند می خواهند ببینند اسلام بعد از چهارده قرن چگونه از آزادی - عدالت و انسانیت را برای مردم رنجیده به ارفغان می آورد و حاکمیت، مالکیت الله را بدست مستضعفان مؤمن و متقی تحقق می یابد.

ای امام امت چشم خلقی ستمدیده و چشمهای خلقهای ستمدیده جهان از آمریکا تا آفریقا، از خاورمیانه تا اقصی نقاط آسیا هم اکنون به تصمیمات و اقدامات شما دوخته است و همه نگران و امیدوار به انقلاب اسلامی ایران اند می خواهند ببینند اسلام بعد از چهارده قرن چگونه از آزادی - عدالت و انسانیت را برای مردم رنجیده به ارفغان می آورد و حاکمیت، مالکیت الله را بدست مستضعفان مؤمن و متقی تحقق می یابد.

ای امام امت چشم خلقی ستمدیده و چشمهای خلقهای ستمدیده جهان از آمریکا تا آفریقا، از خاورمیانه تا اقصی نقاط آسیا هم اکنون به تصمیمات و اقدامات شما دوخته است و همه نگران و امیدوار به انقلاب اسلامی ایران اند می خواهند ببینند اسلام بعد از چهارده قرن چگونه از آزادی - عدالت و انسانیت را برای مردم رنجیده به ارفغان می آورد و حاکمیت، مالکیت الله را بدست مستضعفان مؤمن و متقی تحقق می یابد.

ای امام امت چشم خلقی ستمدیده و چشمهای خلقهای ستمدیده جهان از آمریکا تا آفریقا، از خاورمیانه تا اقصی نقاط آسیا هم اکنون به تصمیمات و اقدامات شما دوخته است و همه نگران و امیدوار به انقلاب اسلامی ایران اند می خواهند ببینند اسلام بعد از چهارده قرن چگونه از آزادی - عدالت و انسانیت را برای مردم رنجیده به ارفغان می آورد و حاکمیت، مالکیت الله را بدست مستضعفان مؤمن و متقی تحقق می یابد.

ای امام امت چشم خلقی ستمدیده و چشمهای خلقهای ستمدیده جهان از آمریکا تا آفریقا، از خاورمیانه تا اقصی نقاط آسیا هم اکنون به تصمیمات و اقدامات شما دوخته است و همه نگران و امیدوار به انقلاب اسلامی ایران اند می خواهند ببینند اسلام بعد از چهارده قرن چگونه از آزادی - عدالت و انسانیت را برای مردم رنجیده به ارفغان می آورد و حاکمیت، مالکیت الله را بدست مستضعفان مؤمن و متقی تحقق می یابد.

ای امام امت چشم خلقی ستمدیده و چشمهای خلقهای ستمدیده جهان از آمریکا تا آفریقا، از خاورمیانه تا اقصی نقاط آسیا هم اکنون به تصمیمات و اقدامات شما دوخته است و همه نگران و امیدوار به انقلاب اسلامی ایران اند می خواهند ببینند اسلام بعد از چهارده قرن چگونه از آزادی - عدالت و انسانیت را برای مردم رنجیده به ارفغان می آورد و حاکمیت، مالکیت الله را بدست مستضعفان مؤمن و متقی تحقق می یابد.



روستا و روستائیان، گرفتار فئودالها

بنام خدا

گزارشی از دهکده کوهپایه «حاجی سر» در جنوب غربی لنگرود

دهکده حاجی سر با مساحت ۱۰۰ هکتار در ۱۰ کیلومتری جنوب غربی لنگرود واقع شده است در این دهکده ۲۵۰ خانوار با جمعیتی حدود ۲۰۰۰ نفر زندگی میکنند. محصولات عمده آن برتیب اهمیت: جای - برتغال - انبه (نوعی میوه) - برنج میباشد که غیر از برنج بقیه محصولات برای فروش عرضه میشود. دامداری در این منطقه بصورت محدود پرورش گاو و طیور است که محصول شیر و ماست آنها را زنان روستایی به شهر برده فروش میروند. فعالیت اقتصادی این روستا از قدیم دامپروری بود ولی با توسعه کشت چای و اولویت دادن کشاورزی به دامداری و مناسب بودن زمینهای این منطقه برای کشت چای، دامپروری و بیلاق و قنلاق جای خود را به کشاورزی و اسکان روستائیان داد.

ولی از آنجائیکه زمینهای خدا همیشه صاحبانی غیر (فئودالها)، این روستا و روستائیان نیز گرفتار فئودالها شده و روستائیان زحمتکش میبایستی برای زمینهای خدا اجاره به فئودالها میدادند و محصولات بدست آمده را یکمک زانندان به شهر برده و برای فروش عرضه کنند. اما بعد از انقلاب کذائی شاه طبق نقشه اربابان امپریالیست او در سال ۴۱ قرار شد که زمینها در اختیار کشاورزان گذاشته شود آنها از طریق پرداخت ۲۵۰۰ تومان برای هر هکتار آنها در زمانیکه دستمزد یک کارگر کشاورز روزی ۳ تومان بود و در صورت عدم پرداخت جای کشاورز ناچار در شهر بانی آن نظام استعماری بود.

البته اهالی این روستا این بول را با دادن نرسول به زولخوران شهری پرداختند و نتیجه آن انقلاب فقر مضاعف روستائیان و مهاجرت روستائیان به شهرها برای کارگری در کارخانههای همان فئودالها و دستنشاندهان داخلی امپریالیستها بود که در بالا رفتن قیمت کالاهای خارجی، باین آسند قیمت تولیدات کشاورزی داخلی و نزولخورهای بانکها و شرکتهای تعاونی و غیره تجسم یافت.

نیوهای استعماری پیش از سال ۴۱ که از طرق مختلف اجاره ملک اعیانی، اجاره باغ چای، اجاره کوره ذغال، بیگاری کشیدن مردم روی زمینهای مرغوب به نفع ارباب بدون پرداخت حتی دستمزد، استثمار از طریق نزولخوران برای پرداخت مال الاجاره، رشوه خوراری ژاندارها و استثمار بوسیله روحانی نماهای تشیع صفوی اعمال میشد بعد از سال ۴۱ بصورت دیگر یعنی از طریق پرداخت ۲۵۰۰ تومان برای هر هکتار به مالک برای قدردانی از استثمار آنها، دستمزد سیستم اجاره بصورت منصفه و مقاسمه (۸/۸ و ...) که زمین را به کشاورز محروم میدادند تا آباد کنند و آنگاه نصف یا ۸/۸ یا ۱۰/۱۰ سهم محصول را برای خود بر میداشتند. و نیز اجیر کردن کارگران برای کارهای موسمی، استثمار کشاورزان بزرگ از کشاورزان کوچک از طریق اجیر کردن آنها و استثمار مداوم نزولخوران شهری - بانکهای کشاورزی و شرکتهای تعاونی و روستائی. که ۶ درصد نزول و در صورت دیر کرد ۱۲ درصد از کشاورز میگرفتند. استثمار از طریق واسطهها و صاحبان کارخانهها که متلاً جای سبز را به بهای ۵۰ ریال میخرند و پس از خشک کردن به قیمت ۳۰۰ تا ۳۵۰ ریال بفروش میروند. و سرانجام استثمار کل رژیم و نظام نرکسی ایجاد نریاضت نابرابر اقتصادی اجتماعی و مناسبات هذقط و ایجاد فاصله عظیم اجتماعی و اقتصادی و طبقاتی بین شهر و روستا، مجسم می شود.

روستای گرمیکانک از توابع بخش هرسین در استان کرمانشاه می باشد و تا مرکز استان ۴۰ کیلومتر فاصله دارد این روستا دارای ۲۵۰ خانواره یعنی در حدود ۲۰۰۰ نفر جمعیت می باشد (روستای عزیز آباد هم که افراد آن قبلاً در روستای گرمیکانک بوده اند و مدت ۱۲ سال پیش برای اینکه به زمینهای خود نزدیک باشند به آنجا کوچ کرده، نیز جزو روستای گرمیکانک می باشد) در حدود ۸۰٪ از این ۲۵۰ خانواره را افراد بدون زمین و خوش نشین تشکیل میدهند در حالیکه فئودال این روستا و روستاهای اطراف به اسم حاج محمدعلی صادقی در حدود ۸۰ کت زمینهای کشاورزی را در اختیار دارد (البته نسبت به سهمیه زمینهای کشاورزان نیز ادعای مالکیت دارد و معتقد است که باید ۸۰٪ زمینها را در اختیار داشته باشد) که بوسیله ماشین آلات و با استخدام

دستگیری و زندانی شدن ۵ نفر از اهالی مجاهد این ده که پس از جندی توسط وثیقه آزاد شدند. مسألهای که امروز وجود دارد اینست که زمینی به مساحت ۹ هکتار در این روستا وجود دارد که متعلق به زمیندار بزرگ ده علی اصفهانی بود، که بعد از او به غلامحسین توسلی داده میشده و این

مالیاتی می باشد و صاحب یک خانه در رست در خیابان سام و چند خانه در کرج و جاهای دیگر میباشد و تنها برای بهره وری و فرصت طلبی از وضع موجود به روستا مراجعت کرده است. حال ما اهالی این روستا خواستهایمان را که بارها برای بسنیدار مستضعفان و قهرمانان لنگرود - دادگستری - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنگرود و ستاد جهاد سازندگی لنگرود و ستاد جوانان مسلمانان لنگرود فرستاده و استدعا رفع ظلم کرده ایم برای نما نیز باز گو می کنیم:



روستائیان کمزین یا بی زمین تقسیم شود. ۲ - محاکمه اربابهای که با دسترنج و استثمار ما خاک ساخته اند. ۳ - ایجاد مرکز توزیع چای و خرید از جایکاران. ۴ - آسوزنی کشاورزی - دادن کود - دادن وامهای کوتاه مدت و دراز مدت بدون بهره، تأمین برق. ۵ - ایجاد شورای دهقانی در محل و از بین بردن فقر فرهنگی از طریق گسترش کتابخانه، سخنرانی، فیلم و اسلاید.

آنچه در این گزارشی آسود درها و فریاد استضعاف مردمی بود که چشم امید به انقلاب بزرگ اسلامی دارند تا با برقراری جامعه پس طبقه توحیدی و انقلاب اقتصادی و فرهنگی به یاری این فرزندان پاک خلق بشنایند. یک بسمرد روستائی میگفت: 'من سندهائی را که به نرسولخوران نرسول داده ام دارم بیاید با این اسناد علیه زولخوران این زالوهای خطرناک جامعه نکایت کنیم و حق محرومان را بستانیم. مگر امام ما حضرت آیه الله خمینی فرمود که زمین مال کشاورز است و حقوقی را که مالکین و اربابها از آنها گرفته اند به مستضعفین برمی گردانیم (مصاحبه با لوموند در نجف) چرا دولت مسامحه میکند اگر راهش نمیداند یا مدرک و سند میخواهد ما به او سند می دهیم و دلیل می آوریم. ایمن سخنان دردمند بسمرد سرو کیده ای از روستای حاجی سراسر است که پیادگار سالها فقر و محرومیت و استثمار و استضعاف است. او آبیای و گسترش شهرها را از دسترنج خود و پارتش میداند. حال قضایات با شناسات. فاغتر و بالولو الا بهار - برای سازندگی و انقلاب در انقلاب تا جامعه بی طبقه توحیدی نهفت ادامه دارد.

ستاد جوانان مسلمان لنگرود.

وضع فلاکت بار روستائیان را دریابید

کارگران محلی بطور، روزمزد یا فصلی (به کارگران فصلی ۸ محصول پرداخت میشود) هر سال میلیونها تومان بر سرمایه خودش می افزاید در سالهای گذشته با گرفتن اجاره بهای زیاد سیره جان روستائیان را مکیده است که تمام اسناد پرداخت اجاره بها موجود می باشد بکسک روحانی نماهای محل جیره انقلابی اسلام را کاملاً مسخ نموده است و خود بنده از زبان بزرگترهای روستا شنیده ام که به همان روحانی نماها دستور میداد که بروید و بگوئید که هر کدام از شما خلاف دستورات من (فئودال) رفتار کنید نماز و روزه شما مورد قبول نیست! و به این ترتیب به قول استاد شهید فریختی بزرگ که دشمن همیشه بشر (مستضعفین)، مثل زر و زور و تزویر بوده است هر گاه از حره زر و زور کاری ساخته نبوده به آخرین و برنده ترین آنها

روستای گرمیکانک از توابع بخش هرسین در استان کرمانشاه می باشد و تا مرکز استان ۴۰ کیلومتر فاصله دارد این روستا دارای ۲۵۰ خانواره یعنی در حدود ۲۰۰۰ نفر جمعیت می باشد (روستای عزیز آباد هم که افراد آن قبلاً در روستای گرمیکانک بوده اند و مدت ۱۲ سال پیش برای اینکه به زمینهای خود نزدیک باشند به آنجا کوچ کرده، نیز جزو روستای گرمیکانک می باشد) در حدود ۸۰٪ از این ۲۵۰ خانواره را افراد بدون زمین و خوش نشین تشکیل میدهند در حالیکه فئودال این روستا و روستاهای اطراف به اسم حاج محمدعلی صادقی در حدود ۸۰ کت زمینهای کشاورزی را در اختیار دارد (البته نسبت به سهمیه زمینهای کشاورزان نیز ادعای مالکیت دارد و معتقد است که باید ۸۰٪ زمینها را در اختیار داشته باشد) که بوسیله ماشین آلات و با استخدام

امت

کشاورزان بی زمین، خواستار پیاده شدن اصول و معیارهای اسلامی هستند

بنام خدا
شورای محترم انقلاب اسلامی ایران
وزیران نمن علی الذین استضعفوا فی الارض
ونجهلم انهم و نجهلم الوارثین (قصص - ۵)
مگر نما مقامات مسئول نمیدانند تا زمینها در ایران آماده نباشد، هیچ دهنی نمیتواند در کشور نفوذ کند و شره بزنده مگر نما نمیدانند که دشمن واقعی ملت ایران، امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران و فئودالها و زمین داران بزرگ هستند؟ بس چرا هنوز بعضی از نما از سرمایه داران و زمین داران دفاع می کنید؟ مگر نمیدانید که یکی از هدفهای نما خائن ناپوی کشاورزی در ایران بوده و با همین هدف نوم، زمین را بطور غیر عادلانه بین عده ای که کشاورز نیستند و بقیه که کشاورز هستند بطور نابرابر تقسیم کرد. و همچنین با چنین هدفی چند سال بعد از اصلاحات ارضی سال ۲۲، مقدار بیش از سی هکتار زمین مزروعی را دولت هویدا بیک فئودال معروفی که باقی به مساحت بیست هکتار دارد داده اند و این شخص یعنی حسین اسکندری، سند مالکیت بر روی زمین کشاورزی صادر کرده و بکسک در بازارگان که «وجهه» سندهی دارند و هدست این شخص می باشند، قصد فروختن این زمین را داشتند که مقداری هم از آنرا فروختند فعلاً حدود ۱۲ سال است که زمین باقی مانده و ما کشاورزان که کوچکترین زمین کشاورزی نداریم و سالیان سال است که عده ای از دسترنج ما بروتی جمع کرده اند و هنوز ما را استثمار می کنند.

بعد از بروزی انقلاب اسلامی به کمیته مرکزی نکایت گردیم و نماینده ای فرستاده شد که مستأفانه هدست همین فئودال بوده و دیدیم که کسی جز خودمان به فرادمان نخواهد رسید. تا اینکه برای استقلال اقتصادی مملکت و همچنین بهتر شدن وضع زندگی خودمان که سالیان سال است، عده ای زمین دار بر ما حاکم هستند و اینکه خودمان حاکم بر دسترنجمان باشیم، و از همه مهمتر خط بطلانی بر روی فئودالیسم در منطقه خود بکنیم، اقدام به کاشتن گند نمودیم.

اما مستأفانه مقامات مسئول بجای دفاع از خواستهای بحق ما، از منافع همدانقلاب (فئودال) دفاع می کنند. همچنین فرمانده هنگ ژاندارمری ساری و هنت ۵ نفره که هیچک از آنها از اقتصاد اسلامی بونی نرسده اند و از همه مهمتر شورای کشاورزان شهرستان نور که اصلاً معلوم نیست چه انحصاری اینها را انتخاب کرده است و عده ای از زمین داران بزرگ نور که رتسب آنها سرهنگ درویش که دهها هکتار زمین دارد، همه و همه از حسین اسکندری و دیگر فئودالهای مازنران، دفاع می کنند.

ما کشاورزان به اعضای شورای جمهوری اسلامی اعلام می کنیم که هیچ چیز را جز قرآن و سنت پیامبر و امامان قبول نداریم و می خواهیم بر اساس اصول و معیارهای اسلامی که مالک زمین و آسان را خدا می داند و زمین مزروعی جز بهزارع (کسی که روی آن کار می کند)، تعلق نمی گیرد، نماینده ای به مستان بفرستید تا حق ما بر اساس اصول اسلامی به ما داده شود.

کشاورزان بی زمین جستان نور



طرحهای تهاجمی آمریکا

جلسه ده نفره در کمپ دیوید

طرحهای تهاجمی آمریکا
جلسه ده نفره در کمپ دیوید
آسیا - آفریقا
۲۳ سپتامبر ۱۹۷۹
۹ نفر از مسئولین استراتژی آمریکا
جلسه‌ای را از تاریخ ۱۹ تا ۲۶ نوامبر با
حضور جیمی کارتر تشکیل دادند
تصمیم اتخاذ شده: رژیم خمینی بهر طریق
ناپود باید گردد!
در جریان جلسات هفت‌روزه با
شرکت کارتر در کمپ دیوید استراتژی
آمریکا دچار تغییر و تحول مهم و تعیین-
کننده‌ای گردید. بعد از مشورت‌های
طولانی و فوق‌العاده سری بالاخره با تصویب
قطعی‌امای از طرف این ده نفر جلسات
تصمیم‌گیری آنها به پایان رسید. این قطعنامه
همانقدر برای کشورهای جهان سوم سنگین
و تعیین‌کننده است که برای صلح‌خاورمیانه
و جهان.

اشغال سفارت آمریکا در تهران به
وسیله انقلابیون به هر نتیجه‌ای که بیا نجامد
'(آزادی یا محاکمه گروگانها)' باز تغییر
اساسی در سیاست اتخاذ شده توسط کاخ
سفید مبنی بر "رژیم خمینی و بخصوص
واژگونی انقلاب ایران با تمام امکانات
موجود" از جمله دخالت نظامی مستقیم بر
علیه ایران خواهد داشت.

"حقوق پیوسته ..."
تا در این مرحله استراتژیهای پناگان
و شورای امنیت ملی آمریکا خود را به این
فایده رسانده‌اند که با ایجاد یک سری حساسیت
در افکار عمومی و براه انداختن تبلیغات
وسیع در مورد دادن پناهندگی سیاسی به
شاه سابق، بتوانند با بحرانی که هم‌اکنون
دستگاه اداری کارتر به آن مبتلا گردیده،
مقابله کنند. در همین زمان دولت آمریکا
با عدم قبول (تحقیق‌آمیز) درخواست دولت
ایران مبنی بر استرداد شاه بعنوان
جنایتکار نظامی (بیش از ۳۰ سال جنگ بر
علیه خلق ایران توسط دیکتاتور خونخوار)،
قصد مشغول کردن افکار بین‌المللی داشته
است.

با وجود اختلاف نظر در دولت ایالات
متحده در رابطه با ایران، میتوان اقدامات
آمریکا را از فشارهای دیپلماتیک مستقیم
با امکانات موجود تا مقابله به مثل کردن
از طریق اقتصادی، مالی و جنگ اقتصادی
کامل، محاصره ایران و تنگ هرمز بوسیله
ناوگان هفتم آمریکا، بمباران جزیره خارک
درخلیج فارس (محل بارگیری تانک‌های
عظیم نفتکش)، نابود کردن ۷۷ جنگه
شکاری اف چهارده نیروی هوایی و
موشک‌های فونیکس که در شهرهای اصفهان
و شیراز می‌باشند، حمله هوایی به قم،
محل سکونت آیت‌الله خمینی و بمباران
پالایشگاه آبدان، ناوگان دریایی و نیروهای
زرهی ایران، متذکر شد.

از سوی دیگر آمریکا مسئله پیادام
کردن احتمالی نیروی هوای هشتاد و
دومین لشکر تک‌وز را در ایران مورد
مطالعه قرار داده است و این در صورتی
است که دیپلمات‌های زندانی در ایران
کشته شوند.
آیا اعلام این نوع برخوردهای آمریکا

با ایران را میتوان یک مانور سیاسی و
مسموم کردن افکار عمومی تلقی کرد یا
هدف منزوی کردن انقلاب ایران است؟
علی‌رغم تمام مسائل، نیروهای آمریکا
چگونه خواهند توانست به مقابله با میلیونها
ایرانی بیاخته برآیند؟ و آیا بیاد نمی -
آورند شکست عظیم نظامی آمریکا را در
وینام، که با وجود در اختیار داشتن یک
میلیون نظامی باز نتوانستند در مقابل
اراده توده‌ها ایستادگی کنند.

چنین می‌گوید: "آقایان" چکیده بحث‌ها
و گزارشی که من مطالعه کرده‌ام به این
نتیجه رسیده‌ام که تمام کوششهای دیپلماتیک
اقتصادی، مالی به منظور وادار کردن
رهبران ایرانی برای آزادی گروگانها
بیهوده و عبث می‌باشد، زیرا اکنون این
حیثیت و افتخار آمریکا و دفاع از منافع
حیاتی جهان آزاد که بستگی تام
به قاطعیت و اراده، راسخ مسا دارد،
باز بجه دست یک مشت مبارزه طلب و



در صورت مداخله نظامی آمریکا در
ایران، نه تنها آمریکا خود را مواجبه با
قیام دنیای اسلام خواهد دید بلکه در
مقابل مخالفت‌های غرب (اروپا) نیز
خواهد بود. چنانکه اخیراً "در جلسه"
سازمان پیمان اتلانتیک که در "هائی"
تشکیل گردید، رهبران غربی با اقدامات
نظامی آمریکا به مخالفت برخاستند،
بطوریکه معاون وزارت دفاع آمریکا، هارولد
براون به اعضا سازمان ناتو اخطار میکند
که: واشنگتن هرگز امتنا آنان را در مورد
حمایت و همکاری کامل با آمریکا فراموش
نخواهد کرد. سپس می‌افزاید که "اگر روزی
گروگانها از هم میپان شما باشند، آیا
تقاضای حمایت دولت آمریکا را خواهید
کرد؟" بعضی از آگاهان و سرویس‌های
جاسوسی معتقدند که اخطارهای آمریکا فقط
یک مانور سیاسی نبوده زیرا اطلاعات به
دست آمده از منابع خبری کاخ سفید و
وزارت امور خارجه و گزارش‌های چاپ‌نشده
از بحث‌های کارتر با اعضا کابینه‌اش گویای
مطالب قابل توجیهی است.

۹ نفر مرد سیاسی که در ماری‌لند
(محل استراحتگاه کوهستانی کارتر) در
اطراف کارتر گرد آمده بودند تا صلح
جداگانه بین مصر و اسرائیل را در آنجا
به امضاء رسانند، اکنون نیز اقدام به
گردهمایی دیگری کرده‌اند. و این گویای
اهمیت خاص استراتژی آمریکا (در رابطه
با ایران) می‌باشد. این مردان سیاسی یعنی
معاون سابق کارتر، معاون دفاع، هارولد
براون، سیروس ونس وزیر امور خارجه،
رئیس امنیت ملی، برزنسکی، رئیس "سیا"
استنفیلد ترنر، فرمانده کل قوای آمریکا،
ژنرال دیوید جونز و فرمانده‌های نیروهای
سه گانه (هوایی، دریایی و زمینی) پس از
شور و مشورت دستور جلسه، فقط با یک
سؤال پایان گرفت و آن اینکه آیا حمله
نظامی آمریکا قبل از حل مسئله گروگانها
انجام پذیرد یا بعد از آن (فعلاً) این طرح
متوقف شده است؟ در این جلسه کارتر
"شورشی و دزد سرگردانه"! گردیده. این
نوع تحریکات که حتی در زمان هیتلر نیز

نظامی آمریکا علیه ایران" را مطرح کرده،
سؤال می‌کند که چگونه این عمل را میتوان
برای افکار عمومی جهان توجیح نمود، و
آیا چه روشی را در مقابل اتحاد شوروی
خواهید داشت؟ در اینجا برزنسکی جواب
می‌دهد که مواد ۴۲ و ۵۱ قانون سازمان
ملل کاملاً "روشن و صریح است. ماده ۴۲
هرگونه عملی را برای حفظ و ضمانت از
منافع کشوری را اعم از محاصره اقتصادی
و غیره مانند عملیات زمینی، دریایی،
هوایی را برای برقراری صلح و امنیت را
تجویز کرده. ماده ۵۱ حقوق وابسته به
هر دولت عضو سازمان ملل را در صورت
هرگونه حمله نظامی یکی از کشورهای مطرح
کرده، هر نوع اقدام را برای دفاع از منافع
شخصی یا جمعی آمریکا را

برسمیت شناخته‌است بنا بر این رئیس‌شورای
امنیت ملی بیان میکند که مسافرت آمریکا را
در تهران بمثابة
قسمتی از خاک آمریکا تلقی کرده، حمله به
آن را تهاجمی بر علیه ایالات متحده
می‌دانیم!! و اگر ابر قدرتی بخواهد از حق
وتوی خود کک بگیرد و عمل شورای امنیت
را به بن بست کشاند، این وتو آنقدرها
مانع از اقدامات ما در بهره‌گیری از حق
"حق وابسته" به ما را در دفاع از خود
نخواهد بود. در صورتیکه برزنسکی از این
نیز فراتر رفته، تخمین می‌زند که: نه اتحاد
جماهير شوروی و نه متفقین پیمان "ورشو"
عکس‌العملی نخواهند کرد که باعث تحریک
یک برخورد با آمریکا گردد "زیرا ما همان
طور که آنها مطلع‌اند می‌دانیم منبع‌های
نفی خاورمیانه گویای منابع حیاتی‌ای برای
امنیت ایالات متحده آمریکا است. علی‌رغم
داشتن مرزهای طولانی مشترک ایران با
شوروی، این منطقه محل ایده‌آلی برای
وجود آوردن یک بحران انفجار آمیز با
آمریکا نمی‌باشد.

بیش از ۶ ماه نباید بطول انجامد
اولین مشاور رئیس‌جمهور سئوالات
مطروحه برای امنیت ملی آمریکا را دو
عنصر با یک اهمیت شاخص بیان می‌دارد:
۱- تمام شواهد و اسنادی که در
اختیار داریم نشان می‌دهند که با آغاز
عملیات نظامی از طرف ما سریعاً "بعضی از
افسران عالی‌رتبه" دوست "سعی خواهند
کرد قدرت را در تهران بدست گرفته با
ایجاد حکومت نظامی نظم را دوباره باز
گردانند.

۲- لازم است که فرمانده کل
مسئولیت انتخاب یک تاریخ مشخص برای
حمله را به ریاست جمهور داده، بشرط
آنکه عمل ما کاملاً "سری بماند. از طرفی
هیچ‌گونه اولتیماتمی ضرورت نداشته، فقط
زمان معین باید توسط رئیس‌جمهور تعیین
گردد.

در یادار تورنر: اگر خوب منظور
رئیس‌جمهور را درک کرده باشم، دولت
آمریکا همچنان مصمم است که تصمیم خود
را مبنی بر سرنگونی رژیم خمینی حفظ
کند ولی اگر گروگانها صحیح و سالم، آزاد
و تحویل گردند موضع ما چگونه خواهد
بود؟ من می‌خواستم تاکید کنم که ما
می‌توانیم بدون تردید بروی تعدادی از
افسران عالی‌رتبه ایرانی که در بطن
فرماندهی ارتش‌های سه‌گانه می‌باشند و
بعضی از آنان که به کشورهای همسایه
پناهنده شده‌اند، حساب کنیم، زیرا آنان
هر لحظه آماده‌اند که برای سرنگونی رژیم
ایران بکک نیروهای آمریکائی بشتابند.

معاون ریاست جمهوری ماندل، بنظر من
قابل ترجیح است که قبل از یک مداخله
واقعی نظامی زمینی، اقدامات اولیه انجام
گیرد، مانند محاصره دریائی که مانع
صادرات نفت ایران خواهد شد. همچنین
وی از ژنرال جونز در مورد وضع ارتش
ایران سؤال میکند، ژنرال جونز جواب
می‌دهد:

جمع‌بندی ما صریح و روشن است:
نیروهای نظامی ایران در مجموع غیرقابل
عمل می‌باشند و آنهم نه برای مدت
طولانی، بعلت عدم دیسپلین، قدرت
مرکزی و عدم اطاعت و وجود اخلاق و به
علاوه کمبود لوازم یدکی، قسمت اعظم
هوابیماها، کشتی‌های جنگی و همچنین
بیش از نیمی از تانکها و زره‌پوشهای ارتش
ایران را فلج خواهد کرد. هر چند که آنها
مقداری توانائی عکس‌العمل جنگی را دارند
ولی ما حاضرم که آنها را ظرف ۲۴ یا
۱۲ ساعت از کار ببندازیم!

جیمی کارتر: ما یلم تاکید کنم که: ما
باید تصمیم خود را برای خلاصی یافتن از
رژیم خمینی همچنان حفظ کنیم، چه
گروگانها آزاد شوند یا محاکمه، در هر حال
همه چیز حاکی از محاکمه و مجازات آنها
است. ما خوشحالیم که بسیاری از کشورهای
که با آنها مشورت به عمل آورده‌ایم ما را
"بطور رسمی" یا مخفیانه تشویق به مقابله
با ایران کرده‌اند. از طرف دیگر آنها
موافقت کرده‌اند که تسهیلاتی در زمینه
هوایی، دریائی در اختیار ما بگذارند. در
میان این کشورها میتوانیم بروی کشورهای
عربستان سعودی، مصر، کویت، بحرین،
عمان، اسرائیل، تونس، مراکش، یمن جنوبی،
قبرس و پاکستان حساب کرد البته دیگر
کشورهائی که در این رابطه سکوت اختیار
کرده‌اند حمایت خود را کمتر از دیگران
نشان نمی‌دهند.

در هر حال در صورت اقدام نظامی
مادولت‌هائی که از ما حمایت می‌کنند
اقدامات لازم را برای جلوگیری از تحریک
افکار عمومی مردم را بکار خواهند بست.
در صورت آزاد شدن گروگانها در یک
زمان معین (در یک حالت استثنائی)،
اقدامات ما علیه رژیم خمینی میتواند
شکل‌بندی دیگری برای مداخله به خود
گیرد. ولی آنچه اساسی می‌باشد این است
که این رژیم نباید بیش از ۶ ماه دوام یابد،
زیرا علی‌رغم تکذیب رسمی خمینی، ما
دلایل کافی مبنی بر این که حوادث ایران
و عربستان سعودی در رابطه با یکدیگر
می‌باشند در اختیار داریم، هر چند که این
رابطه منظم و ارگانیک نباشد.

بدین ترتیب قانونگذاران آمریکائی
تصمیم گرفته‌اند بعد از بی‌ثمرماندن کوشش
آمریکا و تلاش بیهوده آنان در شکست
انقلاب و بازگرداندن منافع از دست‌رفته،
ایشان، توسط بختیار، بازرگان، یسزدی و
نیروهای فی‌مابین، اقدام به منزوی کردن
انقلاب از طریق قانونی کنند.

ولی آیا میتوان یک انقلاب توده‌ای
را با قدرت نظامی شکست داد؟ وقتی که
مردم توسط سازمانهای انقلابی، بسیج،
سازمان یافته و با انضباط شده‌اند. ویتنام،
الجزایر، کوبا، مصر، ناصری، کینه بیساتو،
آنگولا و موزامبیک مثالهای زنده زمان
می‌باشند که باید جادوگران کاخ سفید را
بفکر وادارد.

گره شد عابد و مسلمانا؟!

حاکمیت نیروهای سازشکار و عناصر و گروه‌های منزوی فرصت طلب بعد از پیروزی قیام شکوهمند ۲۲ بهمن و فقدان یک نیروی انقلابی منسجم و سازمان یافته و از طرفی طرد عناصر و نیروهای انقلابی از صحنه مبارزه و حمایت بیچون و چرای لیبرالیسم از سرمایه‌داری وابسته و فتوای‌ها و دعوت شورای انقلاب از سرمایه‌داران "مومن" به انقلاب، باعث شد این قبیل کسان زمانیکه اوضاع را بر وفق مراد دیدند و متوجه شدند که دولت موقت و سایر مسئولین مورپیش از آنکه مدافع منافع کارگران و دهقانان باشند، سنگ سرمایه‌داران و فتوای‌ها را به سینه می‌زنند و از مالکیت خصوصی و مشروعیت آن دم می‌زنند باز سرال گذشته به آزار و اذیت و چاول کارگران و کشاورزان بردازند. و با فتوا گرفتن از مراجع سازشکار (بعنوان نمونه فتوای سه تن مراجع در رابطه با کارخانه کبریت سازی نوکلی تبریز - نقل از امت ۲۶) بگمان باطل خود، سند بزرگی برای مشروعیت سرمایه‌های از غارت و چاول جمع کرده خود، بدست آورده‌اند. زمانیکه افراد دلسوزی پیدا میشود که از نابودی و مبارزه با فتوای‌دلیسم و برانداختن آن و مصادره اموال سرمایه‌داران سخن می‌گویند ناگهان همین زالو صفایان دوره "آریامهری، "اسلام شناس" و "فقه‌شناس" از آب درآمده و همانهاییکه تا دیروز مدبیره‌سرای "انقلاب" آریامهری بودند، امروز با ابراز وفاداری به انقلاب و امام خود را مدافعان اسلام و قرآن قلمداد کرده و با حمله بکسانی که منافع پلیدشان را بخاطر انداخته‌اند، هیاهو براف می‌اندازند که وای "اسلام" از دست رفت، مالکیت‌های خصوصی مسرود بی‌احترامی قرار گرفت و... زمانیکه آقای رضا اصفهانی صحبت از اصلاحات ارضی و مبارزه با فتوای‌دلیسم میکنند ناگهان

همین مزدوران و غارتگران بیت‌المال و ساواکی‌های دیروز دادشان به هوا بلند میشود و تلگراف اینور آنور می‌زنند که: ... عده‌ای (رضا اصفهانی) می‌خواهند نظریات مارکس را در لباس اسلام پیاده نمایند و با تجاری که از اقدامات رژیم گذشته در امور کشاورزی داریم نامبرده میخواهد آخرین چوب را بر بیکر کشاورزی ایران بزند... و قبل از اینکه نامبرده دست به اقداماتی بر خلاف شرع اسلام، مصالح اقتصادی مملکت بزند، از سمت جدید برکنار و بجای وی فردی وارد به امور کشاورزی و مطلع از تجارب تلخ گذشته برگمارد... (۱) و توپ و تشرک... اگر در وزارت کشاورزی قدمی برخلاف نظریات امام و سایر مراجع تقلید در باره مالکیت‌های خصوصی که در این شورا ضبط است برداشته شود ناچار به جهانیان اعلام میداریم که گردانندگان امور مردم را فریب داده و با وعده جمهوری اسلامی عملاً میخواهند جمهوری کمونیستی را جایگزین اسلام نمایند... (۲) جالب اینکه ماهیت پلید آقایان منجمله کریم قائد شرفی از مزدوران پلید ساواک و عنصر شناخته‌شده این سازمان چینی دم از خطر برای کشاورزی زده و برای اسلام و انقلاب دلسوزی میکند. جای تاسف است که این قبیل مزدوران اینگونه بی‌پروا شده‌اند. بخدا اگر اموالشان مصادره و خودشان در دادگاه‌های خلقی بطور انقلابی محاکمه میشدند هرگز قادر به چنین پاره‌گویی‌هایی نبودند.

۱ و ۲ - نقل از تلگراف جمعی از ملاکین فارس به مراجع و شورای انقلاب و...



عضوان سازمان معرفی نموده و با موافقت فرماندهی کل دوم ژاندارمری کشور شاهنشاهی که طی نامه ذکر شده، مجدداً معرفی گردیده دستور داده شد. کارت عضویت جهت ایشان در حوزه زرقان و حومه صادر گردد. در خانه نامبرده باین سازمان احضار و آموزشهای لازمه سوی داده شد.

رئیس‌امینت داخلی رضوان رهبر عطیای رضائی ماشین‌نویس مرادی

۱ - به تیمسار فرماندهی ناحیه ژاندارمری فارس
۲ - از ساواک فارس
۳ - شماره ۱۹۹۷
۴ - تاریخ ۲۵/۱۲/۳۵
۵ - پیوست ...
موضوع: کریم قائد شرفی فرزند حاجی بابا
عطف بنامه شماره ۵۸۷۵ - ۳۵/۱۰/۱۲ با توجه بنامه کتبی جناب آقای عزیزاله قوامی آجودان کشوری شاهنشاهی آریامهر که آقای کریم قائد شرفی بعنوان

بقیه از صفحه اول اولویت، با مبارزه ضد

از گذشت ۴۰ سال از طرف پارای از افرادی که پس از انقلاب در راس قدرت اجرائی قرار گرفتند فهم نشده است، نگاهی به مصاحبه‌ها و سخنرانیهای مقامات اجرائی نشان میدهد که چگونه از دست گذاشتن بر روی امپریالیسم آمریکا آگاهانه یا ناآگاهانه طفره می‌روند و مدام از خطر صهیونیسم و توطئه‌های صهیونیسم بدون اسم آوردن از اربابان بانگ‌اش یاد کرده و میکند.

گرچه خوشبختانه با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا از جانب دانشجویان مسلمان بیرو خط امام و افتخاری توطئه‌های این جهانخواران قرن در قلب پایتخت کشور جمهوری اسلامی و حملات مدام و مستمر امام علیه این دشمن اصلی و شیطان بزرگ بافته‌های تمامی جریانهای را که کوشش در پنهان داشتن عملکرد حیانتکارانه امپریالیسم آمریکا داشتند پنهان کرد، لیکن هنوز کوششهای ناآگاهانه یا آگاهانه‌ای در جهت دور کردن ذهن از دشمن اصلی و

باره او اندکی سخن گفتیم. در این نوشته نشان خواهیم داد که صهیونیسم بعنوان دشمن اصلی خلقها اصالت ندارد آنچنانکه استبداد پهلوی اصالت نداشت بلکه صهیونیسم بعنوان یکی از مهره‌های شطرنج جهانخواران در بازی حفظ و تدوام استیلا خود بر منطقه بکار برده میشود. صهیونیسم پس از جنگ جهانی اول که انگلستان نیروی امپریالیستی غالب زمان بود در دست بریتانیا و پس از جنگ جهانی دوم با حاکمیت یافتن امپریالیسم آمریکا در صحنه بین‌المللی بدست آمریکا علیه خلقهای مستضعف جهان بکار گرفته شده است.

متأسفانه مطلبی را که شیخ عزالدین قسام با تله‌فونی عمیق و واقع‌گرایانه قبل از شروع نبرد مسلحانه ۱۹۳۵ در روند مبارزه در یافته چنین بیان کرد "انگلستان راس است و صهیونیسم دنباله و قطع راس، دنباله نیز نابود خواهد شد". هنوز بعد

معطوف ساختن آن به صهیونیسم و... انجام می‌گیرد. امید آنکه "داده‌ها" ی ذیل مفید واقع گردد.

اعلام تاسیس "خانه یهود" توسط اعلامیه بالفورد در ۱۹۱۷ که بدنبال مباحثات و مذاکرات وایزمن و دولت انگلستان اعلام شد و پس از پایان جنگ اول جهانی مورد دستور قرار گرفت از طرف انگلستان دارای هدفی دقیقاً امپریالیستی و در جهت مستحکم ساختن مواضع امپریالیسم در خاورمیانه بود. انگلستان و فرانسه به تضمین کننده‌ای در خاورمیانه جهت حفظ سلطه مستعمراتی خود نیازمند بودند که در تقسیم سرزمینهای بدست آمده پس از جنگ مورد قبول دو دولت قرار گرفته‌بود. نتودور هرزل رسالت تشکیلات صهیونیست را در سال ۱۸۹۵ چنین توضیح داد:

برای اروپا، ما در آنجا (فلسطین) قسمتی از دیواری را خواهیم ساخت کدر مقابل آسیا بپا خواهد ایستاد، پایگاههای نزدیک شدن در مقابل توحش محافظت خواهیم کرد.

در این جمله نتودور هرزل می‌بینیم که چگونه صهیونیسم میخواهد خاور میانه را در منطقه نفوذ غرب "متمدن" امپریالیست وارد سازد.

سرمایه‌داری اسرائیل جز لاینفک سرمایه مالی یهود و غیر یهود و رهبران انحصارات سرمایه‌داری اروپا و آمریکا میباشد.

صهیونیسم با حملات ۱۹۴۸، ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ خود به کشورهای همسایه مدافع منافع قدرتهای امپریالیستی میگردد. و شکی باقی نمیگذارد که اسرائیل حافظ منافع امپریالیسم در آسیا و آفریقا میباشد. یک فرانسوی متعادل به اسرائیل بنام از - بره در کنگره‌ای که در سال ۱۹۶۲ در پاریس منعقد شد، پیشنهاد ورود اسرائیل به بازار مشترک را مطرح ساخت با طرح دلیل ذیل:

"غرب میبایستی به اسرائیل بعنوان یک مدافع منافعی در منطقه‌ای که نفوذ غرب دیگر عمل نمیکند بنگرد"

عملکرد اسرائیل در سرنگونی پانزیس لومومبا در کنگو و سقوط قوام نکرومه در غنا و سوکارنو در اندونزی و همکاری با رژیمهای ارتجاعی منطقه و همچنین توطئه‌هایش علیه جنبشهای آزادیبخش نشاندهنده ماهیت امپریالیستی آن کشور میباشد.

ابتدا هر تریل بدر معنوی دولت اسرائیل کوشید تا با پرداخت چند میلیون لیره انگلیسی موافقت سلطان عثمانی را با مهاجرت یهودیان به فلسطین و تأسیس دولت اسرائیل جلب کند. لیکن مخالفت امپراطوری عثمانی این مسئله به مذاکره هرزل در ۱۹۰۲ با چمبرلین وزیر مستعمرات انگلیس انجامید و در این مذاکره چمبرلین به هرزل پیشنهاد تأسیس دولت صهیونیستی را در اوگاندا نمود. که این پیشنهاد در اولین کنگره صهیونیستیها با ۲۹۵ رای در مقابل ۱۱۷ رای پذیرفته شد، لیکن مرگ هرزل و ترس از انتساب در جنبش صهیونیستی، پیشنهاد فوق را کالعدم بکن ساخت.

در جنگهای جهانی اول با توجه به رشد صهیونیسم لیولود جورج نخست وزیر

انگلستان از وزیر امور خارجه اش خواست تا با صهیونیستیها در مورد همکاریشان در آینده صحبت کند نتیجه مذاکرات فوق به اعلام طرح بالفورد در ۱۹۱۷ انجامید.

انگلستان با موافقت با تأسیس "دولت یهود" هدفی امپریالیستی را تعقیب میکرد میخواست که در دراز مدت مواضع خود را در خاورمیانه تضمین نمایند و باین ترتیب تمامی کانال سوئز را در اختیار خود در آورد.

لثوبولود آفری که در آن زمان بیش از یکبار به وزارت رسیده و از هواخواهان صهیونیسم بود سیاست انگلستان را در مقابل فلسطین با این کلمات توصیف نمود:

"تمامی استراتژی ما بنا میشود روی قدرت دست یافتن به درهای شرقی با حرکت از اینجا و گذر از میدترانه و کانال سوئز، بشکلی که ما قدرت مقابله با مسئله خطیری همچون جنبشی که اکنون در چین رشد میکند را داشته باشیم" بیان فوق نشاندهنده عملکرد صهیونیسم از دیدگاه انگلستان میباشد. سرزمین یهودی فلسطین میبایستی رل نقطه "اتکا" را برای قدرت انگلستان جهت خاموش ساختن آرمانهای رهاشبخش خلقهای مستضعف منطقه بازی کند و همچنین بعنوان پلی جهت اتصال با شرق بکار گرفته شود برای مبارزه علیه هندیه‌ها و جنبی‌هایی که جهت‌رهای خود و سرزمینشان میرزمدند.

صهیونیسم بمناسبت حرکت در خط دفاع از منافع سرمایه‌داری اروپا و آمریکا مورد تأیید همه‌جانبه محافل مالی این کشور بود و میباشد.

بدنبال تنزل نرخ مهاجرت یهودیان به فلسطین سرمایه‌های مالی یهود در آمریکا و اروپا کنگره‌ای در ۱۹۲۹ برقرار و در آن کنگره روچیلد، مارتال، فرانکفورت و واربورگ پادشاه این سرمایه رئیس کنگره، وایزمن را متعین ساختند که مشکلات مالی دیگر مطرح نخواهد شد.

شیخ عزالدین قسام با شناخت عمیقش از مسئله صهیونیسم بعنوان آلتی در دست امپریالیسمها علی‌الخصوص امپریالیسم انگلیس بود که تمامی نیروی خود را متوجه استعمارگران انگلیسی ساخت.

پس از شهادت شیخ که نهضت توده‌های در فلسطین اوج گرفت و خلق از تمامی وسائل علیه اشغالگران انگلیسی استفاده بست و با استفاده از تعلیمات شیخ قهر انقلابی را پهن ساخت و ضرباتی توانفرسا بر بیکر امپریالیسم انگلیس وارد آورد. رهبران ارتجاعی کشورهای عربی و رهبری سنتی فلسطینی توده‌های خلق فلسطین را محبور به ترک مبارزه و انتظار کشیدن نتیجه مباحثات سیاسی با انگلستان ساخت. در همین زمان جرجیل در پاسخ وایزمن که میگفت: "ما میخواهیم پس از جنگ (جنگ دوم جهانی) در فلسطین کشوری تأسیس کنیم که سه تا ۴ میلیون یهودی را در برگیرد" چنین گفت: "این کار را انجام دهید انگلستان کاملاً با شما موافق است."

امپریالیسم انگلستان اجازه داد که صهیونیستیها ارتشی مجهز و قوی را سازمان دهند که در برگیرنده سازمانهای "هاگاناه"، "اشترن" و "ایرگون" بود و قبل از جنگ دوم و پس از آن به عملیات مسلحانه دست می‌یازید، که به گفته "یک رهبر

صهیونیست ج. لندوتر" توسط دلارهای میلیونیهای آمریکائی تقویت می‌شد. و این در زمانی بود که اعزاب فلسطین حق داشتن هیچگونه سلاحی را نداشتند. دولت انگلستان در ابتدای ۱۹۴۹ بهنگام تخلیه پایگاههای نظامیش در فلسطین آنها را در اختیار "هاگاناه" قرار داد. بسیاری از شهرها بهنگام قیومیت انگلستان توسط "هاگاناه" و سایر گروههای تروریستی اشغال شده بود، بدون اینکه فتوای انگلیسی ممانعت یا حتی اعتراضی نموده باشند. بلی در دوران حاکمیت انگلستان بود که صهیونیستها حنایت دیریاسین و سایر مناطق عرب نشین را مرتکب شدند.

به هنگامیکه نتودور هرزل فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد، اعلام کرد: "فلسطین، یک سرزمین بدون ملت، برای یک ملت بدون سرزمین می‌باشد". ماکس نوردو که این فرمول فریبکارانه را نمی پسندید، به هرزل گفت: "با این کار، ما یک بی‌عدالتی را نسبت به اعراب فلسطین اعمال می‌کنیم" هرزل در پاسخ گفت: "این زندگی است که ظلم را ضرورت می‌بخشد، کسی که نمی‌خواهد بی‌عدالتی انجام دهد می‌بایستی از حیاتش بگذرد، و این عملی است که یک ملت حق انجام آن را ندارد"

برای تکمیل سخن ماکس نوردو بایستی گفت، تاسیس دولت صهیونیستی نه تنها بی‌عدالتی در حق خلق قهرمان فلسطین بود بلکه عملی در جهت به بند کشیدن توده‌های مستضعف یهودی در خدمت مطامع استعماری قدرتهای امپریالیستی بود.

حالت تهاجمی صهیونیسم محصول روابط اجتماعی حاکم و وابستگی صهیونیسم به اردوگاه سرمایه‌داری است. تحریمستان داده است که اسرائیل حمله نمیکند مگر آن زمانیکه منافع دولتهای سرمایه‌داری در خطر قرار می‌گیرند.

از طرف دیگر دولتهای امپریالیستی که اسرائیل را برای حفظ منافع خود در خاورمیانه بوجود آوردند از سیاست تهاجمی اسرائیل پشتیبانی می‌کنند. بدین دلیل است که بن‌گوریون نمی‌هراسد از هیچ مقاومتی از جانب کشورهای غربی و می‌تواند بخود اجازه دهد و چنین بنویسد: "حفظ نظم موجود کافی نیست. مسائل دولت دینامیک (بویا) بنا نهادیم در خدمت تعادل به گسترش و فرا رفتن (از موضع کتونی)".

حمله ۱۹۵۶ اسرائیل همراه با فتوای دولتهای استعماری انگلیس و فرانسه به خاک مصر بهنگام ملی شدن کانال سوئز از جانب جمال عبدالناصر و همچنین حمله اسرائیل در ۱۹۶۷ بمصر، سوریه پشتیبانی آمریکا و کشورهای امپریالیستی جهت تقویت جناح ارتجاعی منطقه و ممانعت از پیشروی مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای عرب.

با توجه به مطالب فوق آیا صحیح است مدام از توطئه‌های صهیونیستی صحبت کنیم و سخن از اربابان آمریکائیش می‌گوییم؟

آیا درست است که بجای نشان دادن معرفی و افشای حقایق امپریالیسم آمریکا ام‌الصادق قرن، بنوده‌ها فقط از اسرائیل و صهیونیسم یاد کنیم؟

عوامل کودتای آمریکایی

بقیه از صفحه ۱

- ۲۴- سروان مهدی همایون (افسر سازمان نظامی حزب توده)
- ۲۵- سروان صمد خیرخواه (افسر سازمان نظامی حزب توده) فرمانده گردان جاویدان
- ۳۶- سررتیب علی اکبر ساسی (رئیس رکن دوم ستاد سرلشکر بازنشسته)
- ۳۷- سررتیب خردمند
- ۳۸- سروان صالح
- ۳۹- سررتیب تیمور بختیار فرمانده تیپ کرمانشاه
- ۴۰- سروان فضل الله مقدم (افسر شهرداری)
- ۴۱- سررتیب دوم امیر خلیلی
- ۴۲- سررتیب محمد دفتری فرمانده گارد مسلح گمرک (سرلشکر بازنشسته) برادرزاده مصدق که پس از کودتای نافرمام ۲۵ مرداد بدرخواست مصدق حکم ریاست شهرداری برای او صادر شد. شخص مذکور در همان حال حکمی نیز از سرلشکر زاهدی خائن در جیب داشت و در طی روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد اخبار خانه مصدق را در اختیار کودتاجیان قرار میداد.
- ۴۳- سروان منوچهر خسرو داد (سرلشکر معدوم)
- ۴۴- سروان هوشنگ امیر قهاری (سررتیب بازنشسته)
- ۴۵- سروان غلامعلی اویسی - فرمانده هنگ دزبان (ارتشبد فراری)
- ۴۶- سررتیب محمد خواجهنوری - فرمانده هنگ دزبان
- ۴۷- سررتیب عباس معینی کفیل دزبان
- ۴۸- سروان بزمان فرمانده گارد مجلس (سپهبد فعلی)
- ۴۹- سروان بنگلری (سرلشکر معدوم)
- ۵۰- سروان نشاط (سرلشکر معدوم)
- ۵۱- ستوان یکم جعفریان (سررتیب فعلی - افسر گارد)
- ۵۲- سررتیب ولی الله قهره سی فرمانده تیپ رشت (سرلشکر - ترور شد)
- ۵۳- سررتیب محبیدی (سپهبد معدوم)
- ۵۴- سررتیب علی محمد روحانی (سپهبد بازنشسته - فراری)
- ۵۵- سررتیب دبهچی
- ۵۶- سررتیب باوری
- ۵۷- فتح الله میرعلایی (غیرنظامی) رئیس مهمانخانه های اختصاصی شاه که در روز ۲۸ مرداد رهبری نمدای از او پیش را در حمله به زندان دزبان جهت آزادی افسران ضدانقلابی معینده داشت.
- ۵۸- عثمان جعفری (معروف به سی-مح - متواری)
- ۵۹- سروان هوشنگ میرامادیان.
- ۶۰- ملکه اعتضادی، در روز ۲۸ مرداد همراه با سرلشکر زاهدی و میراشرافی خائن به رادیو رفته و از آنجا سخنرانی نمود.
- ۶۱- پری آزدان قزی.
- ۶۲- سید مهدی میراشرافی، نماینده احتمالی مجلس، مدیر روزنامه آتش، که خوشحانه علیرغم حمایت یکی از افرادی که در رأس انقلابی ترین ارگانهای انقلابی این مملکت قرار دارد - کیسان پنجاهه ۲۲ آذرماه "محکوم و تیرسازان" گردید.
- ۶۳- تهمین الدین قنات آبادی، معلم خود فروخته و از مخالفین نهجت ملی پس از ۳۰ تیر ۳۱ و از همکاران میراشرافی، زاهدی و دربار و از آنش افروزان معرکه کاشی و مصدق. این شخص متأسفانه آزادانه به فعالیت مشغول میبماند.
- ۶۴- حسین مکی.
- ۶۵- دکتر مظفر بقائی، از طراحان و عاملین قتل سررتیب افسار طوس، از مؤیدین کودتای آمریکائی. متأسفانه آزادانه به فعالیت سیاسی و رنق و رنق امور حزب "زحمتکشان" مشغول میبماند.
- ۶۶- اردشیر زاهدی - فراری
- ۶۷- سررتیب فضل الله زاهدی - متوفی
- ۶۸- سررتیب دکتر منزله
- ۶۹- ابوالفتح آتاپای
- ۷۰- مهرداد
- ۷۱- امیر اسدالله اعلم - متوفی
- ۷۲- دکتر منوچهر اقبال ...
- ۷۳- سروان جناب (سرلشکر فعلی) و رئیس زندان قزل قلعه
- ۷۴- سپهبد عبدالله هدایت
- ۷۵- سررتیب جناب
- ۷۶- نصرالله معینیان
- ۷۷- جعفر بیهبان
- ۷۸- حاجی
- ۷۹- سررتیب زاهدی (سپهبد بازنشسته)

غیرقابل عبور شده بود، ولی چون همگی مستعد بودند با یک سخنرانی کوتاه موافق گردیدند. و ما را به جلوی درب زندان راه دادند.

چون درب کریدور از پشت بسته و نگهبانان داخلی مسلح و منتظر دستبوس آتش بودند، درب اطاق مجاور را تسکین و از پشت نگهبانان وارد کریدور شدیم. در آن موقع تیمسار بانمناقلیح در آستانه اطاق مخصوص خود ناظر ورود ما بودند. به محض اینکه چشم مردم میبست برست به ایشان افتاد، با صدای بلند هورا می کشیدند و ایشان را دعوت میکردند تا به ستاد ارتش بروند. بایستی یاد آور شد که در این ساعت هنوز سررتیب ریاحی رئیس تیپ - قانونی ستاد ارتش بوده و در پشت میز خود نشسته بود.

چون سررتیب نصیری، فرماندهی گارد شاهنشاهی، سررتیب روحانی، سررتیب زند کریمی و سررتیب خسروبنابه و سررتیب آرموده و سایر افسران زندانی و افسران اخیر در کریدور دوم بودند، لذا با شدت عمل ارباب رئیس زندان موفقیت حاصل شد. که در دوم را باز و آنان نیز آزاد شوند. غیر نظامیان شرکت کننده در این عمل سرارای افسران مزبور را می بوسیدند و اشک شادی در چشمان آنها حلقه زده بود. با این ترتیب تیمسار بانمناقلیح روی دوش افسران و غیره نظامیان به پشت میز ستاد ارتش روانه شد و سررتیب نصیری با وسائلی که در اختیار گرفت برای بازدید به باغ شاه رفت ...

۲- دکتر مظفر بقائی طراح قتل فجع رئیس شهرداری دکتر محمد مصدق و یکی از مهرهای کودتا و عضو بااندالیت مجلس و رئیس فعلی حزب "زحمتکشان" در سرمقاله "روزنامه شاهد" دوستانه دوم شهریورماه ۲۲ شماره ۱۰۴۰، کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد را چنین توصیف کرد: "قیام ۲۸ مرداد، یک قیام ملی بود. مردم پاره شده، مردم با غیرت، مردمیکه حساب برد و باخت را نمی کشند، مردمیکه شرافت و حیثیت و افتخارات و سنتهای ملی خود غلامند میباشند و جنیدند و قدم اول را برداشتند و اولین قربانی را دادند... این بود حقیقت قیامی که برای تأیید و تکمیل قیام سی ام تیرماه ۱۳۳۱ بوجود آمد" و در شماره ۱۰۴۹ تاریخ ۱۴ شهریور ۳۲ نوشت:

"حکومت عوام فریب و ضد ملی مصدق که نفعهای جز تسلیم ملت ایران را به امپریالیستها نداشت" شخص فوق در دادگاه قربانی که حکومت شاه در سال ۴۰ برای او تشکیل داد اعلام کرد که تاکنون ستمارت تحت و تاج شاهنشاه از او حظ سقوط نجات داده ام. در ضمن ایشان یکی از آنش افروزان معرکه کاشی و مصدق بود و با وساطت همین شخص، پس از کودتا بدرخواست زاهدی خائن ترتیب ملاقات بین آیت کاشی و زاهدی با حضور بقائی نادر علی کریمی، حائریزاده و شمس قنات آبادی در خمیوان داده شد.

امت

هجوم مرتجعین به دفاتر نیروهای انقلابی

خلاصه ای از اعلامیه جنبش دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران:

بنام خدا

اوجگیری حرکت ضد امپریالیستی خلق و پیچ توده های مستضعف علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، با وجود تمایلات سازشکارانه مسئولان امور در جهت تحویل دادن جاسوسهای دستگیر شده امپریکائی و آشتی با سرکرده جهانخواران، حافظان منافع سرمایه داری جهانی و همه نیروهای ضد خلقی - فئودالیسم جنایتکار، عوامل منطوق و ارتجاعی، لیبرالیسم سازشکار و سرمایه داران مزدور و وابسته - را به تکاپو و داشته است و برای شکاف در صف متحد خلق و خدشه به شعار ضد امپریالیستی توده های پیاخته، حیللهای خویش را بکار گرفته اند.

خواهران و برادران مبارز باز مرتجعین و وابستگان به امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، تسهت و توهین به نیروها و عناصر مترقی و انقلابی و همچنین هجوم به مراکز گروه های انقلابی را بهار دیگر از سر گرفته اند. در هفته گذشته نمونه این حرکت های ضد خلقی و ضد انقلابی را در هجوم و فشار به مراکز و دفاتر نیروهای انقلابی در تهران و سایر شهرستانها، از جمله حمله به دفاتر هواداران جنبش مسلمان مبارز شاهد بودیم.

ما ضمن هشدار به همه نیروها و افراد مترقی و متعهد به آرمانهای انقلاب، هرگونه بی وفائی و عدم موضعگیری قاطع در مقابل اینگونه حرکات ضد انقلابی را تنها به نفع امپریالیسم و عمال داخلی آن میدانیم و نسیباً اینگونه حرکات را محکوم می کنیم و از خلق مبارز می خواهیم تا آگاهانه جلوی اینگونه حرکات ضد انقلابی را سد نموده و به مقامات مسئول عمق خطرات و پی آمدهای آنرا هشدار دهند که بعد از این همه قربانی که ملت ما برای رسیدن به آزادی داده است، آیا فعالیت آزادانه انقلابیون مسلمان را تضمینی نیست؟ و اگر چنین نیست آیا سکوت در برابر اینگونه حرکات ضد ارتجاعی بمعنی تأیید آنها محسوب نمی شود؟

جنبش دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران
۱۳۳۹/۲۸

در رادیو و تلویزیون چه میگذرد؟

اطلاع یافتیم که با عبور و حوالی کناحیرا در سطح سازمان رادیو و تلویزیون با آمدن شورای جدید مدیریت احام شده است، بسیاری از برنامه های سازمان جوان و صادق رادیو که بعد از اغتلاب بدون واسطی گروهی و با تکیه بر روابط مکتبی سعی در ایجاد رادیوی مناسب با فضای انقلابی جامعه ایران داشتند شرایط کار را مناسب ندیده و مجبور به کنارگیری شده اند.

گفته میشود اکنون مسئولیت بسیاری از برنامه ها به عهده تهیه کنندگان سابق که در زمان طاغوت برنامه های رادیویی می ساختند سپرده شده است. بدیهی است که کنار رفتن نیروهای صادق و آگاه از این ارگان حسان فرهنگ ساز که مخصوص در ماههای اخیر در جهت گسترش فرهنگ انقلابی و رشد آگاهی توده ها حوالات مسمی گذرانده بود و سرودن صدای انقلاب به همان مغزهای نارمانده از رژیم سابق، گامی در جهت رحمت به فرهنگ استعماری پیشین می باشد.

فاعتبرو یا اولی الابصار

ملت نوشت:

"فاعتبروا یا اولی الابصار" آیا فردی که در فردای کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد علیه حکومت ملی دکتر مصدق که جهت تثبیت محدود حاکمیت امپریالیسم آمریکا بر مبنی ما و بازگرداندن شاه فراری و نوکران داخلی انجام گرفت و منجر به زندان و تبعید و شکنجه و شهادت هزاران وطن دوست مخالف سلطه اجسبی بر مبنی ما گردید. در روزنامه اش ورود شاه فراری را بخواند کاش با آسانی با مطلع ذیل چنین تریک گفت:

"آجر برآمد دست حق، چون قرص خورشید از شفق بی ترس و بیم از ترس و دق، آمان خود منگبنا کرد."

سرد ملت ۲۹ مرداد ۳۲

آیا فردی که در ۲۹ مرداد از زاهدی خائن عیوان "تخت وزیر انقلابی و قانونی" یاد کرد.

آیا فردی که در ۲۹ مرداد خطاب به زاهدی خائن نوشت: "اگر حکومت انقلابی سرلشکر زاهدی کمترین ارفاقی نسبت جاسوسان و جنایتکاران نصابند بزرگترین خیانت را به دین و خلق و وطن نموده است"

و بقصد تیار "جاسوس" و "جنایتکار" مخالفین شاه و کودتاگران بود

آیا فردی که در ۷ شهریور در سرد ملت نوشت:

"رستخیز مقدس ۲۸ مرداد را باید با اعدام مصدق و عمال جنایتکار او... تکمیل کرد"

و در سرمقاله همین شماره "سپرد

سفارتخانه های جمهوری اسلامی در کشورهای چه میکنند؟

آمریکا تهدید نمی کند. عملکرد و کارنامه یکساله دولت شورای انقلاب (که از مسئولیت در قبال هر سازمان و هر کس میرا نیست) نشان دهنده عدم برخورداری یک پیش منگنی انقلابی و تسطروح لیبرالیستی حاکم بر دولت است که این چنین انقلاب را در مقابل توطئه دسیسه جینی های امپریالیسم آمریکا به خطر می اندازد.

علاوه بر این مسائل، موضع اشتغال لانه جاسوسی آمریکا در تهران است که میتوان گفت حرکت و آغاز مبارزه مردم به رهبری اصام بر علیه هرگونه سلطه امپریالیستی است (اگر شورای انقلاب و دولت موقت بپوشانند از این موقعیت استثنائی برای بسج توده ها و برنامه ریزی صحیح برای نابودی پایگاههای آمریکا در ایران سود جویند). و درست در همین رابطه دستگاههای ارتباط جمعی در غرب که از ارگانهای ایدئولوژیک سرمایه داری می باشد، برای لوژ نمودن و توطئه بر علیه مبارزه خلق ایران شروع به فعالیت چشمگیر کرده و با جعل خبر و وارونه جلوه دادن حقایق و یا بزرگ جلوه دادن اتفاقات داخلی سعی در سموم کردن افکار عمومی اروپا و آمریکا می کنند. تا جایی که از امام یک چهره همانند هینتر می سازند و حرکت انقلابی دانشجویان خط امام را یک عمل تروریستی و غیر انسانی که اصول و موازین بین المللی (تدوین شده جهان - خواران برای حفظ مصالح و منافع خود در جهان) را بیزیر یا نهاده اند، تلقی میکنند و با دست زدن به یک سری تبلیغات کاملاً حساب شده افکار عمومی مردم را نسبت به انقلاب و رهبری آن سموم کرده سعی در به انزوا کشاندن انقلاب و امام خمینی می کنند.

از طرفی با بزرگ جلوه دادن بعضی ناآرامی ها می خواهند وانمود کنند که ایران دچار هرج و مرج و با عدم ثبات داخلی روبرو بوده و اینکه رهبر انقلاب با عدم کفایت خود و نداشتن کنترل بر اوضاع روز بروز محبوبیت و حمایت مردمی خود را از دست می دهد. هدف از این تبلیغات جز کوشی مذبحانه برای آماده کردن زمینه ذهنی افکار عمومی جهان برای یک تهاجم (از هر گونه) به انقلاب ایران و باز گرداندن منافع از دست رفته خود در ایران نمی باشد. درست در همین رابطه است که تلویزیون های اروپا و آمریکا در سری تبلیغات خود علیه ایران از عناصر کثیف و شناخته شده مانند نهانوندی، ثانی (که از پشت در صفحه تلویزیون ظاهر شد) و روحانی، به اصطلاح نماینده شیعیان در فرانسه را برای صفحه تلویزیون فرانسه ظاهر می شوند - بدین صورت هر روز هر شب از طریق رسانه های گروهی به طور سیستماتیک و شیوه ای علمی و حساب شده افکار را بمباران فکری کرده، تصویری وحشتناک از جریانات جاری ایران در مغزها فرو کرده و امام را هینتر زمان ما قلم داد می کنند!

آیا با وجود این تبلیغات شوم و مغرضانه غیر انسانی دستگاههای حاکم غرب سرمایه دار و بالا و پائین کردن آمار شرکت کنندگان در فراندوم و یا تظاهرات ضد آمریکائی و دهها نوع جعل و تهمت و تحلیل های غیر واقعی دیگر، سفارتخانه های جمهوری اسلامی؟! در آن کشورها چه اقدام و عکس العملی از خود نشان داده اند؟ آیا تاکنون هیچ نوع مصاحبه رادیو تلویزیونی یا مطبوعاتی در رد این گونه تبلیغات انجام داده اند؟ آیا تا بحال خطوط اصلی انقلاب و اهداف انسانی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... آنرا توانستند برای مردم بخصوص توده های محرومی که چشم به انقلاب و ثمرات آن

بعد از پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم مافوق انتقال قدرت به شورای انقلاب و دولت موقت بازگان انتظار و امید بر آن بود که سیستم حاکم بریندهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اداری و ارتش کشور به شیوه ای انقلابی از بین رفته و نظام توحیدی جایگزین آن ها گردد.

اما متأسفانه باید اذعان داشت که بر خلاف خواست توده ها و رهبر انقلاب، آنچه باید انجام می پذیرفت عملی نگردید و چنانچه انتظار می رفت یک نظام سیستم حکومتی براساس معیارهای اصل و مدون توحیدی نتوانست جایگزین نهادهای پوسیده استعماری گذشته گردد. یکی از نهادهای یک جامعه در جهان امروز و در رابطه با سایر ملل سفارتها می باشد. در واقع این کانونهای سیاسی، نمایندگان حکومتها با رژیم های مختلف در سایر کشورها می باشد. و از طریق همین کانالها است که روابط دیپلماتیک برقرار و بطور ارگانیک و منظم براساس شرایط و سیاست داخلی، خط مشی خود را با سایر ملل اتخاذ می کنند.

چنانکه در گذشته سیستم حاکم بر کشورما توسط امپریالیسم بالاحص امپریالیسم آمریکا تعیین و تدوین میگردد، خواه ناخواه سیاست خارجی ایران و نقش سفارتها در همان چهارچوب تعیین شده اعمال می شد. درست در همین رابطه بود که نقش سفارتخانه ها در سراسر جهان بخصوص در کشورهای غربی بصورت عاملی برای جاسوسی، شناسائی دانشجویان سازمانهای دانشجویی مبارز، نفوذ در میان آنها برای کسب اطلاع و شناخت عناصر مترقی و خطرناک (برای رژیم پهلوی)،

و ادا کردن بعضی از دانشجویان یا ایرانیان به همکاری با ساواک سفارت، تشکیل پرونده سیاسی، دادن امتیاز، بورس و غیره برای غیر سیاسی کردن ایرانی ها، رشوه دادن به مطبوعات و رادیو تلویزیون غرب برای ساختن کاریکاتوری از شاه به عنوان شخصیتی مترقی، دمکرات که کشورش را به دروازه های ترقی و پیشرفت رسانیده و با سرپوش گذاشتن بر جنایات او سکوت در برابر کشتار، شکنجه و... و خرید شخصیت های سیاسی، روشنفکران با دادن هدایای گران قیمت و پولهای فراوان و همکاری آنها با شبه روشنفکران خود - فروخته ایرانی برای مرتبه سرانی خاندان پهلوی.

بعد از پیروزی خلق بر رژیم دست نشانده آمریکا، سفارتها نیز همانند سایر دستگاههای بروکراتیک ایران به جز موارد نادری آنهم با تعویض چند مهره کل سیستم و پرسنل آن دست نخورده باقی ماندند. سفیران و کارمندان که بدون گذر از کانال شناسائی و تأیید سازمان امنیت انتخاب نمی شدند (علاوه بر نتایجی که خود مستقیماً مأمور ساواک بودند و یا جاسوس CIA و مباد) چگونه و با چه منطق انقلابی و معیار اسلامی می توان پذیرا شد که این دستگاهها با گذشت یک سال از انقلاب اسلامی همچنان بسا حفظ همان قالبها و محتوا بکار خود ادامه دهند؟ نهادهائی که ماهیت و جهت عملکرد آنها بر هر کس روشن بود و با آگاهی کامل باینکه کارمندان سفارتخانه ها بنا به خصلت های فردی و تعلیم و تربیت یافتن در فرهنگ و سیستم آمریکائی و آریامهری و استیجی ذهنی و روحی داشتن به آن چگونه می توانند در جهت اهداف و خواست انقلاب و همگام با آن حرکت کرده، پاسخگو نیازهای سیاسی میرم و فوری انقلاب باشد. بویژه در مقطع حساس کنونی که خلق برهبری امام خود قاطعانه وارد مرحله دوم انقلاب، یعنی مبارزه ضد امپریالیستی گردیده است. با چه

منطقی قابل قبول است که دست پروردگان آریامهری در بروز دل سوختگان انقلاب و مردم امروز باشند. و در یک جنبش تغییر پیش و فرهنگ دهند. و به جاسوسی و توطئه جینی و ایجاد شبکه های ارتباطی و خبری بنفع آمریکا و غرب نکنند چنانکه دیدیم و شاهد بودیم که آقای امیرانتظام سفیرکبیر جمهوری اسلامی در کشورهای اسکاندیناوی در سفارتخانه ایران مشغول نزد عشق زدن با آمریکا بر علیه انقلاب و ملت ایران بود.

چه درد آور است که بعد از یک سال از گذشت پیروزی اکنون وزارت امور خارجه بفکر می افتد که سفارت های ایران در خارج را مورد تصفیه قرار دهد و جالب تر آنکه افراد خائن و جاسوسی مثل زاهدی، فریدون هویدا، با تمانتقلیح ها را تازه منقصل خدمت می کنند. بسی جای تأسف که مسئولین امور در وزارت خارجه (و سایر وزارت خانه ها) چنان با آسودگی و خاطر جمعی مشغول بعضی کارها هستند که گوئی هیچ خطری انقلاب را از جانب امپریالیسم

حامی توده های مستضعف یا مدافع سرمایه داران؟!

در اسلام و در جنبش اسلامی مبارزه با سرمایه داری و فئودالیسم و تمام مظاهر استکباری از مشخصات و مشخصات یک حرکت اصیل اسلامی و مکتبی است و تازمانیکه خط کسی درست و مرزبندی اصولی بین نیروهای انقلابی و

مجلس ترحیم

با نهایت تأسف و تأثر شهادت شادروان مرحوم

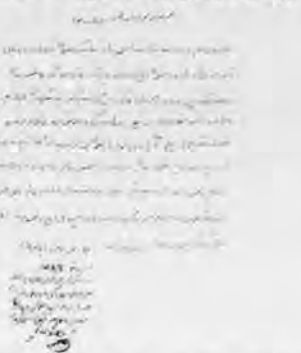
حاج میرزا محمد جعفر کازرونی

را که در اثر توطئه باجوامر اراده کریم شد انقلابی به جهت سخن کریمین اعلام نمودند برادران عزیز و سرانجام مجلس علم و دانش آن فرزند عزیز ما را در روز ۱۳۵۸/۱۱/۱۱ ساعت ۹ صبح ۹۲۹ در مسجد مجاهد شیراز شهادت نمودند و این مجلس ترحیم را در آن مرحوم خواهد بود.

حسین الموسوی الخدایی

بالنده اجتماعی با عناصر و نیروهای فرصت طلب و ارتجاع مذهبی، در جریان مبارزه مسدوم کشیده نشود، حتی گمان حرکت در خط اصیل اسلامی، گمانی است باطل. فتوالات و سرمایه داران و سایر غارتگران اجتماعی همیشه در بند کشیدن توده ها و خلق مستعبد، دوش بدوش اربابان امپریالیستستان حرکت کرده و سهم بزرگی در نابودی اقتصاد و فرهنگ کشورهای تحت سلطه داشته اند. ارتجاع مذهبی نیز بعنوان توجیه کننده نظام سرمایه داری سهم خود را در استحکار و استعمار و استثمار توده ها پایایی غارتگران اجتماعی ایفا کرده است و متأسفانه در کشور ما از این قبیل نمونه ها کم نداشتیم. در حالیکه اصنام است مبارزه با سرمایه داری و فئودالیسم و تمام مظاهر شرک

اجتماعی را در صدر مبارزات اجتماعی خود قرار داده و فریاد برمی آورد که «... درست همین مالکانند که در طول سالها درآمدهائی را برهم انباشته پرورد بی آنکه مقررات اسلام را در خصوص توزیع آنها اجرا نمایند. و بدین ترتیب ثروتی را که حق جامعه



بوده و باید به جامعه رسد در نزد خود نگهداشته و برخلاف قوانین اسلامی سرکوت شده اند. ضبط خواهیم کرد و بر اساس حق و انصاف میان محتاجان مجدداً توزیع خواهیم نمود.

(از مصاحبه امام با لوموند ۵/۱۶/۵۷) اما بعضی از عناصر و مراجع مذهبی نه تنها با دفاع از مالکان و سرمایه داران از مسیر حرکت اصیل اسلامی خارج میشوند بلکه با گرفتن مجلس ترحیم برای این «شهادی فقید سعید» همکاری خود را با سرمایه داران نشان میدهند. هر چند که چهره پلید کازرونی ها برای مبارزین شناخته شده است اما ساندزیرا که همکاری صمیمانه ارتجاع مذهبی را با سرمایه داران بخوبی می نمایاند، نشان می دهیم

آیا اسلام به زن اینگونه مینگرد؟!

انقلاب اسلامی نسبت به مردان پیشتاز بودند و انسان سازی اوست که تار و پود انسان ارتجاعش میدهد - مگر نه اینکه امام فرمودند زن می تواند رئیس جمهور شود.

چه شد که یکباره آقای صدوقی از گوشه مجلس خیرگان گفتند که برای ما تنگ است زن رئیس جمهور باشد. آیا این سخن آقای صدوقی برای - اسلام ننگ نیست؟؟؟

آیا این حرف با سخنان امامان و سخنان محدث و حسین و عملکرد زینب در انقلاب تطابقی دارد؟ نه، هرگز این اسلام راستین نیست که آقای صدوقی می گوید.

ما دختران دبیرستان فاطمیه یزد اعتراض شدید خود را از این سخن که با اسلام راستین و بسا فرمایشات اصنام است در تضاد است اعلام - داشته خواستار پس گرفتن ایمن سخن از طرف آقای صدوقی و لغو این قانون هستیم. و صد ایمن را به گوش همه زنان مسلمان ایران می رسانیم که این حرفها با اسلام هیچ ربطی ندارد - اسلام آنست که امامان می فرمایند «زنان نسبت به مردان پیشتاز هستند و تأمین سرنوشت ایران بدون زن امکان ندارد و زن می تواند رئیس جمهور شود.

برای ما ننگ است سکوت در برابر این سخنان آنهم از مجلسی که قانون اساسی انقلاب کبیر اسلامی در آن تدوین میشود.



هفته نامه امت شماره ۳۷

چهارشنبه ۵ دی

۱۳۵۸ سال اول

زیر نظر:

شورای نویسندگان امت

خیابان بهار شمالی نبش خیابان نامجو

۸۲۴۹۸۴ - ۸۲۴۸۳۱ چاپ: شرکت افست و سهام عامه

دوختند تشریح و توضیح دهند؟ آیا حرکتی برای افشا جنایات آمریکا اعمال جاسوسی و توطئه آنها را بر علیه انقلاب ایران تا بحال از خود نشان داده اند؟ آیا توانستند با مصاحبه مطبوعاتی در هر کشور دلایل واقعی اشتغال لانه جاسوسی را برای مردم روشن کنند و اسناد جاسوسی و دسیسه های آنان را در معرض آرا و افکار عمومی جهان قرار دهند؟ تا بدین طریق شاید بتوان حملات تبلیغاتی دستگاههای ایدئولوژیک غرب را خنثی کرد. آیا تاکنون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی و سفارتها وابسته به آن هیچگونه اعتراض کتبی یا شفاهی در مورد انتشار اخبار دروغ و وارونه بدین دول کرده اند؟ مسلماً "خبر" زیرا چگونه می توان از دستگاههای این چنین انتظارات سنگین و پر مسئولیت را داشت. در زمانی که تازه شاهد بعضی از تصفیه ها مانند زاهدی، با تمانتقلیحها می شویم!! چطور می توان امید به چنین ارگانهای مهم بست که پرسنل آن هنوز دل در گرو رژیم گذشته داشته، و در همان قضا و سیستمی تنفس می کنند که ساخته دست امپریالیسم و رژیم دست نشانده اش بوده است.

همانگونه که برادران دانشجوی پیرو خط امام نیز متذکر شده و اعتراض کرده اند. هشدار می دهیم که هر چه زود تر سفارتخانه ها را تصفیه کرده از عناصر انقلابی مومن به انقلاب برای جایگزینی آنها استفاده کرده و با بوجود آوردن یک سیستم کاملاً اسلامی و مردمی در جهت اهداف انقلاب و مبارزه ضد امپریالیستی و خنثی کردن دسیسه های غرب انقلاب را تا پیروزی نهائی تداوم بخشیم.

بامید آن روز

حدود ۳۵-۴۰ نفر از دانشجویان، دانش آموزان و کارگران مسلمان تبریز در روزهای جمعه و شنبه (۲۹ آذر و ۱ دی ماه) با نام "ستاد مهاجرت دانشجویان و مسلمانان" و کارگران مسلمان تبریز به تهران و قم به تهران آمده و با شعارها و قطعنامه های خود از مواضع انقلابی و مکتبی و ضد امپریالیستی امام خمینی و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام حمایت و دست بسد افشاکری مواضع محافظه کارانه و سازشکارانه شورای انقلاب و وزارت امور خارجه در برابر امپریالیسم زدند شروع برنامه حرکت از میدان آزادی به طرف دانشگاه و شرکت در نماز جمعه و قرائت پیامی به خلق مستضعف ایران در رابطه با مبارزات ضد امپریالیستی آنان و بعد حرکت بسوی لانه جاسوسی آمریکا و دادن پیام به دانشجویان مستقر در سفارت و همچنین قرائت پیام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به ستاد مهاجرت، سپس این برادران و خواهران به رقم رفته و پس از راهپیمائی با شکوه و استقبال شدید مردم که با شعارهای درود بر مجاهدین تبریز همراه بود به دبستار امام رفتند و بعد از قرائت پیام ستاد مهاجرت به امام خمینی رهبر انقلاب به سخنان ایشان در رابطه با آمریکا و توطئه هایش گوش داده و بعد از آن به تهران آمده و در جلوی وزارت امور خارجه دست به تظاهرات و خواندن قطعنامه زدند و از شورای انقلاب و وزیر امور خارجه خواستند که دست از مواضع سازش کارانه و محافظه کارانه برداشته و در خط امام حرکت کنند قسمتی از شعارهای ستاد مهاجرت در این دو روز به این ترتیب بود امام امت ما سر سازش ندارد سازش با آمریکا هرگز امکان ندارد - نه سازش نه مذاکره محاکمه جاسوسان و... لازم به تذکر است که رادیو و تلویزیون دست به سانسور شدیدی در رابطه با این حرکت زد که انتظاری جز این نبود.

بنام خدا

جنبش مسلمانان مبارز ترور حجت الاسلام دکتر محمد مفتاح استاد و مبارز متعهد را به مناسبت اغلال و گار شکنی در مبارزه ضد امپریالیستی ملت ایران محکوم ساخته، شهادت ایشان و دو پاسدار جوان را به صلوات ایسران و رهبر انقلاب امام خمینی تسلیت می گوید.

جنبش مسلمانان مبارز ۵۸۹/۲۸

توضیح و پوزش

در امت شماره قبل (۲۴)، عکس امام خمینی که می باشد مربوط به مقاله دینا بین مقدس ما بها چه باید بکنیم؟ و دو سند در رابطه با عدم ترفیق امرال مسجد تهر با تمانتقلیح که در رابطه با مسئله همکاران شاه را چگونه دستگیر و چه کسی از او میزند ده باید، متأسفانه چاپ شده است که بدین وسیله از خواهران و برادران عزیز پوزش می طلبیم.

خواهران و برادران مبارز

لذا با توجه تشریح امت و همچنین کمک های مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰۰ پانک صادرات شعبه شماره ۲۸۶۴ خیابان استاد مطهری چهارراه مهاباد و ازین و یک نسخه از نقیصه مالی را بدینتر امت ارسال دارید متشکریم